



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

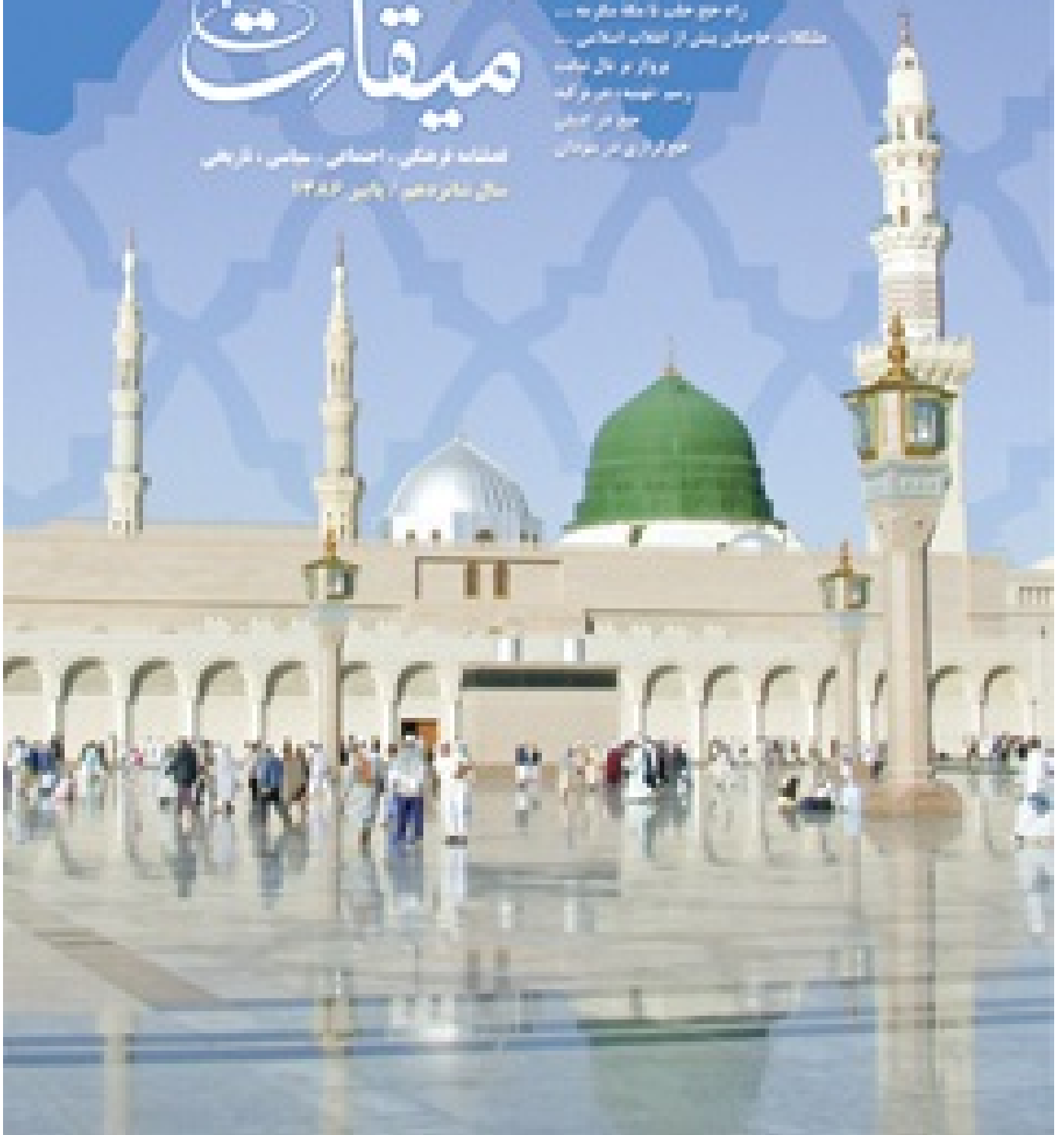
www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

اعمال میتا

تعمیرات، نو سازی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی

سال شانزدهم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۳

فکر و اندیشه، پژوهش، مقاله، کتاب،
گزارش، تصویر، متن
عصر به عصر، با سواد
مهرهای مهر، مهرهای
و اما مهرهای با سواد
مشکلات، مسائل، مسائل، مسائل
و دیگر، و دیگر
و به سواد، و سواد
مهرهای مهر، مهرهای
و اما مهرهای با سواد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میقات حج

نویسنده:

نادر سلیمانی بزچلوئی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	میقات حج-جلد ۶۱
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۱	نقد و بررسی پاره ای از مسائل مناسک (۳)
۱۵	طواف معذورین
۳۳	عمره مفرده یا مبتوله
۴۲	سفرهای حج ابن بطوطه سالهای (۷۴۹-۷۲۵)
۶۰	راه حج حلب تا مکه مکرمه در دوره ممالیک، بر اساس ارجوزه ابن جابر اندلسی (قرن هشتم هجری)
۷۴	بررسی مشکلات حاجیان پیش از انقلاب در میز گردی با حضور علامه شهید مرتضی مطهری
۸۸	«پرواز بر بال نیابت»
۹۴	رسم «تهنیه» در ترکیه
۱۰۱	حج در ادیان
۱۲۳	حج‌گزاری در سودان
۱۳۱	اخبار حج
۱۵۳	درباره مرکز

میقات حج- جلد ۶۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمانی، نادر، - ۱۳۳۹
 عنوان و نام پدید آور : میقات حج / نویسنده نادر سلیمانی بزچلوئی
 مشخصات نشر : تهران: نادر سلیمانی بزچلوئی، ۱۳۸۰.
 مشخصات ظاهری : ص ۱۸۴
 شابک : ۹۶۴-۳۳۰-۶۲۷-۵۴۵۰۰ ریا
 یادداشت : عنوان دیگر: میقات حج (خاطرات حج).
 یادداشت : عنوان روی جلد: خاطرات حج.
 عنوان روی جلد : خاطرات حج.
 عنوان دیگر : میقات حج (خاطرات حج).
 عنوان دیگر : خاطرات حج
 موضوع : حج -- خاطرات
 موضوع : سلیمانی، نادر، ۱۳۳۹ - -- خاطرات
 رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/س ۹م ۱۳۸۰
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷
 شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۲۵۲۴
 ص: ۱

اشاره

من مسجد الشجره عن يسار الطريق؛ اقتداءً

ص: ۷

بالنبي (ص) سمهودی اول البیداء عند آخر ذی الحلیفه و كان هناك علمان للتمييز بينهما ... والبيداء فوق علمى ذی الحلیفه إذا صعدت من الوادی (ص) حجة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمْ يَكُنْ يَلْبَسِي حَتَّى يَأْتِيَ الْبَيْدَاءَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا انْتَهَى إِلَى الْبَيْدَاءِ حَيْثُ الْمَيْلِ قَرَّبَتْ لَهُ نَاقَهُ فَرَكِبَهَا فَلَمَّا انْبَعَثَ بِهِ لَبِي بِالْمَرْبَعِ، فَقَالَ: لَبِيكَ ... سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ التَّهَيُّؤِ لِلْمَحْرَمِ، فَقَالَ: فِي مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ، فَقَدْ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ قَدْ تَرَى أَنَسًا يُحْرِمُونَ فَلَمَّا تَفَعَّلَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى الْبَيْدَاءِ حَيْثُ الْمَيْلِ فَتُحْرِمُونَ كَمَا أَنْتُمْ فِي مَحَامِلِكُمْ تَقُولُ: لَبِيكَ اللَّهُمَّ لَبِيكَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَحْرَامِ عِنْدَ الشَّجَرَةِ هَلْ يَحِلُّ لِمَنْ أَحْرَمَ عِنْدَهَا أَنْ لَا يَلْبَسِي حَتَّى يَغْلُو الْبَيْدَاءَ (قَالَ: لَا يَلْبَسِي حَتَّى يَأْتِيَ الْبَيْدَاءَ) عِنْدَ أَوَّلِ مَيْلٍ، فَأَمَّا عِنْدَ الشَّجَرَةِ فَلَا يَجُوزُ التَّلْبِيَةُ إِذَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ، فَقُلْ ... ثُمَّ قُمْ فَامْشِ حَتَّى تَبْلُغَ الْمَيْلَ وَ تَشِيَتَوَى بِكَ الْبَيْدَاءَ فَإِذَا اسْتَوَتْ بِكَ فَلَبَّهِ حَيْثُ الْمَيْلِ عِنْدَ أَوَّلِ مَيْلِصَلِّ الْمَكْتُوبَةَ ثُمَّ أَحْرَمَ بِالْحَجِّ أَوْ بِالْمُتَعَمَّرِ، وَ أَخْرَجَ بغيرِ تَلْبِيَةٍ حَتَّى تَصِيَّعَدَ إِلَى أَوَّلِ الْبَيْدَاءِ، إِلَى أَوَّلِ مَيْلٍ عَنْ يَسَارِكَ، فَإِذَا اسْتَوَتْ بِكَ الْأَرْضُ ... فَلَبَّ ... وَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) [حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْبَيْدَاءِ عِنْدَ الْمَيْلِ الْأَوَّلِ فَصَفَّ لَهُ سَمَاطَانِ فَلَبَّى بِالْحَجِّ مُفْرَدًا/ وَ لَا يَجُوزُ لِأَحَدٍ أَنْ يَجُوزَ مَيْلَ الْبَيْدَاءِ إِلَّا وَ قَدْ أَظْهَرَ التَّلْبِيَةَ وَ أَوَّلَ الْبَيْدَاءِ أَوَّلَ مَيْلٍ يَلْقَاكَ عَنْ يَسَارِ الطَّرِيقِ إِنْ ... أَحْرَمْتَ مِنْ مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ فَلَبَّ سِرًّا ... حَتَّى تَأْتِيَ الْبَيْدَاءَ وَ تَبْلُغَ الْمَيْلَ الَّذِي عَلَى يَسَارِ الطَّرِيقِ فَإِذَا بَلَغْتَهُ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّلْبِيَةِ وَ لَا تَجْزِ الْمَيْلَ إِلَّا مُلَبِّيًّا ... الْحَجِّ وَالْعَمْرَةَ حَجَّةً إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا انْتَهَى إِلَى الْبَيْدَاءِ حَيْثُ الْمَيْلِ قَرَّبَتْ لَهُ نَاقَهُ فَرَكِبَهَا فَلَمَّا انْبَعَثَ بِهِ لَبِي بِالْمَرْبَعِ .. ۹۷ حجة مناسك حج آيه مناسك مناسك حج منتهى المطلب مناسك مناسك يا داوري:

مناسك

ص: ۹

طواف معذورین

عباس ظهیری

طواف در طبقه فوقانی مسجد الحرام، از مسائل مستحدثه و نوظهوری است که پیشینه‌ای در کتب روایی و فقهی ندارد؛ و این در اعصار گذشته تا به عصر تشریح بسیار طبیعی می‌نمود چرا که طواف گزاران چندان نبودند تا به ازدحام بینجامد و جماعت معذور از حضور در

ص: ۱۰

مطاف منع شوند و ضرورت ایجاب کند که از طبقه فوقانی مسجد الحرام طواف کنند و از این رو، ناگزیر به پرسش و کند و کاو از محضر اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم آلا ف التحیه و السلام - شوند و بدین سان حدیث و خبری در این باب، به مجامع روایی راه یابد و از ارباب حدیث به یادگار بماند و یا در کتب ارباب فتوا و نازک اندیشان عرصه استنباط، مطمح نظر قرار گیرد. لیکن در روزگار ما، انبوه طواف گزاران وضعیتی را موجب شده و ازدحامی را پدید آورده است که مأموران و سامان دهندگان حرم، از حضور معذورین در مطاف - به ویژه آنان که از ابزار جدید در نقل و انتقال، چون ویلچر استفاده می کنند - ممانعت به عمل می آورند و این گروه از زائران (معذورین) به منظور طواف مباشری، ناگزیر از طواف در طبقه فوقانی می شوند. اکنون نوشتاری که در پیش رو دارید، پژوهش و کند و کاوی است در حکم فقهی «طواف در طبقه فوقانی مسجد الحرام، بر اساس ادله و قواعد مألوف استنباط».

با یاد آوری این نکته که: به چنین مسأله‌ای، در کتب فقهی اصحاب، جز در تذکره علامه ۱ که به دو سطر بسنده کرده و فقیه جواهری ۱ که به نقل همان اکتفا نموده، پرداخته نشده است. عبارت تذکره و جواهر را در بخش بررسی مبانی فتاوا مطرح خواهیم کرد.

اکنون مباحث این موضوع را در چند بخش پی می گیریم:

۱. آیا وظیفه معذورین (با قطع نظر از وضعیت موجود، که مجاز به حضور در مطاف نیستند) انجام طواف مباشری است و لو با اطافه (طواف دادن) دیگری یا طواف نیابی نیز مجزی است؟ به سخن دیگر، آیا بر آنها واجب است در صورت تمکن، به گونه تعیینی، که خود مستقیماً طواف را - و لو با استفاده از ابزاری چون ویلچر - انجام دهند؟ یا این که به سبیل تخییر می تواند کسی را نایب خود قرار دهد تا به نیابت از او طواف بگزارد؟

۲. اقوال فقها و مراجع عظام در مورد طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام.

۳. بررسی ادله اقوال و نقد آن و تبیین مقتضای تحقیق و پژوهش.

بخش یکم «وجوب طواف مباشری بر معذورین»

از نصوص معتبر و فتاوی فقهای عظام؛ از قدما تا متأخرین و تا معاصرین، به خوبی می توان این مطلب را برگرفت که وظیفه اولی معذورین در صورت تمکن، طواف مباشری است و لو با استعانت از دیگران، و هرگز طواف نیابی برای آنها مجزی نیست. اقوال فقها:

عدم کفایت طواف نیابی و ضرورت و لزوم طواف مباشری است برای معذورینی که تمکن از طواف مباشری دارند، و لو با اطافه دیگری، و این مورد وفاق فقها است، به طوری که پس از تتبع گسترده، مخالفی در مسأله یافت نشد.

اکنون به برخی از عبارات و متون قدما و غیر آنها می پردازیم:

۱. شیخ الطائفه، طوسی ۱ در نهاییه:

«و المریض الذی یستمسک الطهاره فإنه یطاف به و لا یطاف عنه و إن کان مرضه ممّا لا یمكنه معه استمساک الطهاره ینتظر به، فإن صلح طاف هو بنفسه و إن لم یصلح طیف عنه و یصلی هو الرکعتین و قد اجزأه». (۱)

۲. همو در مبسوط:

«و المریض علی ضربین؛ أحدهما یقدر علی امساک طهارته، و الآخر لا یقدر علیه، فالأول یطاف به و لا یطاف عنه و الثانی ینتظر به زوال المرض». (۲)

دو عبارت یاد شده، با صراحت کامل، حاکی از این حقیقت است که از نگاه شیخ طوسی، با تمکن معذور از طواف مباشری و لو با

استعانت از دیگری، طواف نیابی کافی نیست و واجب است خودش طواف را انجام دهد.

۳. ابن حمزه ۱ در وسیله:

«والمريض ضربان؛ إمّا أمكنه امساک الطهارة، أو لم یمكنه؛ فالأول طاف به ولیه و إن نوى لنفسه طوافاً و صحّ و الثانی انتظر ولیه به،

یوماً أو یومین، فإن برأ طاف و إن لم یبرأ أمر من یطوف عنه و صلّى هو بنفسه». (۳)

۴. ابن ادریس ۱ در سرائر:

۱- النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۲۳۹

۲- المبسوط، ج ۱، ص ۳۵۸

۳- جوامع الفقهیه، ص ۶۹

ص: ۱۱

«و المریض الذی یستمسک الطهاره فانه یطاف به و لایطاف عنه و إن کان مرضه مما لایمکنه معه استمساک الطهاره، ینتظر به، فإن صلح طاف هو بنفسه و إن لم یصلح طیف عنه و یصلی هو الرکعتین و قد أجزأه». (۱)

۵. محقق حلی ۱ در شرایع:

«و کذا لو مرض فی اثناء طوافه و لو استمر مرضه بحیث لایمکن أن یطاف به، طیف عنه». (۲)

فقیه جواهری نیز فتوای محقق * را مبرهن ساخته و بدینسان با او موافقت نموده و به وجود مخالفی در مسأله اشاره نکرده است. حکم یاد شده، مورد توافق فقهای معاصر و مراجع تقلید نیز می‌باشد؛ همچنان که در مناسک امام راحل ۱ (مسأله ۵۳۷) آمده است: «اگر شخص محرم به واسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند، اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند». (۳)

هیچ یک از فقیهانیکه حاشیه در مناسک دارند، بر عبارت مذکور حاشیهای نیاورده و بدینسان با فتوای امام راحل موافقت کرده‌اند. مستند فتوای مورد وفاق، که اشاره شد، روایات معتبری است که در این باره وارد شده؛ مانند روایت صفوان بن یحیی که گفت:

«سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ الْمَرِيضِ يَقْدُمُ مَكَّةَ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَلَا يَبِينُ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ، قَالَ: يُطَافُ بِهِ مَحْمُولًا يَخْطُ الْأَرْضَ بِرَجْلَيْهِ حَتَّى تَمَسَّ الْأَرْضُ قَدَمَيْهِ فِي الطَّوَافِ، ثُمَّ يُوقَفُ بِهِ فِي أَصْلِ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ إِذَا كَانَ مُعْتَلًّا». (۴)

و نیز موثقه اسحاق بن عمار، به نقل از ابوالحسن (ع) (در حدیثی) که گوید از حضرت پرسیدم:

«الْمَرِيضُ الْمَغْلُوبُ يُطَافُ عَنْهُ؟ قَالَ: لَا وَ لَكِنْ يُطَافُ بِهِ». (۵)

در این دو روایت معتبر و اخبار معتبر دیگر، که در این باب وارد شده و در باب ۴۷ از ابواب طواف وسائل الشیعه گرد آمده، با صراحت کامل از وظیفه مریضی پرسیده شده که به تنهایی قادر به طواف نیست و امام (ع) در پاسخ، طواف نیابی را نفی کرده و وظیفه او را متعین در این نموده که طواف مباحثی انجام دهد، منتهی چون خود او، به حسب فرض، متمکن نیست، دیگری باید او را طواف دهد.

با در نظر داشتن آنچه آمد، به این نتیجه دست می‌یازیم که از منظر نصوص معتبر و فتاوی اصحاب؛ اعم از قدما و متأخرین و معاصرین، وظیفه اولی معذورانی که توان ندارند به تنهایی طواف مباحثی انجام دهند، باید با استعانت از دیگران، طواف را بالمباشره به‌جا آورند و هرگز طواف نیابی برای آنها مجزی نیست. ولی نکته قابل توجه این است که بیشک فتوای اصحاب و نصوص معتبر مذکور، ناظر به صورتی است که اطافه و طواف دادن شخص معذور به وسیله دیگری، در مداری باشد که عنوان «طواف الکعبه» بر آن صدق کند. اما در صورتی که از این مدار خارج باشد؛ به‌طوریکه با قطع و یقین عنوان مذکور صدق نکند یا مشکوک باشد، طوافی نیابی، به صورت فتوا یا احتیاط واجب، بایسته است. اینجا است که بحث از حکم طواف در طبقه فوقانی مسجد الحرام مجال بل ضرورت می‌یابد که تحقیق آن را به قرار ذیل پی میگیریم:

بخش دوم: «طواف از طبقه فوقانی، از منظر مراجع عظام»

با نظر داشتن این نکته که طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام در کتب قدما و بلکه متأخرین، مطرح نبوده، تنها مرحوم علامه حلی به اشارتی در مقام نقد فتوای شافعی بسنده کرده و صاحب جواهر ۱ نیز به نقل فتوای شافعی و اشکال علامه/ بر او و تأکید اشکال او اکتفا نموده، آنجا که میگوید:

«و عن الشافعی لا- بأس بالحائل بین الطائف و البیت کالسقایه و السواری و لا کونه فی آخر باب المسجد و تحت السقف و علی الأروقه و السطوح إذا کان البیت أرفع بناء علی ما هو الیوم فإن جعل سقف المسجد أعلى، لم یجز الطواف علی سطحه و مقتضاه کما

عن التذکره أنه لو انهدمت الکعبه و العیاذ باللّٰه، لم یصح الطواف حول عرصتها و هو بعید بل باطل کبطلان القول بجواز الطواف فی المسجد خارجاً عن القدر المزبور عندنا». (۶)

تا جایکه بررسی و تشیع شد، این تنها عبارت از متون مبسوط فقهی است که در حد اشاره، به مسأله طواف از طبقه فوقانی بسنده کرده است. از این رو، طبیعی است محور این بخش را، فتاوی فقها و مراجع عظام معاصر تشکیل می‌دهد که آن را به قرار ذیل پی میگیریم:

در این باره، از محضر مراجع عظام، استفتا شده که متن آن با پاسخهای معظم لهم چنین است: «افراد ناتوان، که پیشتر با صندلی چرخدار (ویلچر) یا سبد (تخت روان) طواف داده میشدند، در سال جاری از طواف در صحن مسجد الحرام منع شده‌اند و حتی ممکن است کسی نباشد تا فرد ناتوان را بر دوش خود حمل کند و طواف بدهد یا همین کار نیز ممنوع شود و چنین افرادی

۱- السرائر، ص ۵۷۳

۲- شرائع الاسلام.

۳- مناسک محشی، ۲۱۷ مسأله ۵۳۷

۴- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۵۵، باب ۴۷ از ابواب طواف، حدیث ۱

۵- همان، ۴۵۶ باب ۴۷ از ابواب طواف حدیث ۵

۶- جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸

ص: ۱۲

باید در طبقه دوم یا پشت بام مسجد الحرام طواف داده شوند، اکنون پرسشی که پیش می‌آید این است که: آیا چنین طوافی کفایت میکند یا نه؟ وظیفه آنان چیست؟

مراجع معظم - ایدهم الله - به این استفتا و پرسش پاسخهای مختلف داده‌اند که به هفت مورد میرسد:

۱. فتوا به کفایت طواف معذور در طبقه فوقانی:

آیه الله بهجت: «در صورت عدم امکان، با رعایت الأقرب فالأقرب کفایت می‌کند.» (۱)

آیه الله مکارم: «در این گونه موارد که راهی جز این نیست طواف در طبقه بالا کفایت می‌کند.» (۲)

۲. فتوا به عدم کفایت معذور در طبقه فوقانی و وجوب طواف نیابی در صحن مسجد، جز در صورت عدم تمکن از آن:

آیه الله شبیری زنجانی: «در مورد سؤال، اگر ممکن باشد کسی فرد ناتوان را بر دوش حمل کند، طواف در محدوده بین مقام ابراهیم و کعبه لازم است و در غیر این صورت باید نایب بگیرند تا در محدوده طواف کند و بنا بر احتیاط مستحب نیز خود شخص در طبقه

دوم طواف داده شود و چنانچه نیابت نیز ممکن نباشد، طواف دادن شخص در طبقه دوم کفایت میکند.» (۳)

۳. فتوا به وجوب طواف نیابی در صحن مسجد و احتیاط واجب به طواف معذور از طبقه فوقانی:

آیه الله وحید خراسانی: «در مفروض سؤال باید نایب بگیرد که در صحن مسجد الحرام طواف نماید و در صورتی که متمکن می‌باشد و بر او حرجی نیست، احتیاط واجب آن است که خودش هم از طبقه دوم طواف نماید.»

آیه الله خامنه‌ای: «طواف باید دور کعبه معظمه و لو در فضای ما بین زمین تا محاذی پشت بام کعبه باشد و کف طبقه دوم مسجد الحرام اگر به قدر قامت طواف کننده پایینتر از نقطه محاذی پشت بام کعبه نباشد، طواف از طبقه دوم صحیح و مجزی نیست و کسانی که نمیتوانند در صحن مسجد الحرام، و لو به وسیله حمل توسط شخص دیگر، طواف کنند و وظیفهشان نایب گرفتن در طواف است و احوط آن است که خودش هم در همان طبقه دوم طواف نماید.»

ناگفته نماند که احتیاط مذکور در ذیل این پاسخ (و احوط آن است) گر چه صریح در احتیاط واجب نیست و با نظر به اینکه مسبوق به فتوا است، ممکن است از آن، احتیاط مستحب شود برداشت و استفاده شود، لیکن به استناد تفسیر مسئول دفتر استفتائات معظم له، مقصود از آن احتیاط واجب است.

۴. احتیاط واجب به جمع میان طواف معذور از طبقه فوقانی و نایب او در صحن مسجد:

آیه الله تبریزی: «احتیاط واجب آن است که آنها را از طبقه دوم طواف دهند و نایب هم برایشان بگیرند.» (۴)

۵. فتوا به وجوب طواف نیابی در صحن مسجد و کفایت آن:

آیه الله صافی: در فتوای اخیر خود بر همین نظر است «در فرض مذکور اگر طواف در طبقه دوم بالاتر از کعبه باشد نایب بگیرند تا برای آنان در صحن مسجد الحرام طواف نماید خودشان لازم نیست که از طبقه دوم طواف نمایند.» (۵)

آیه الله سیستانی: «چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا - کفایت نمیکند و باید برای طواف از پایین نایب بگیرند و لازم نیست احتیاط کنند و چنانچه مطلب مشکوک باشد، باید احتیاطاً بین طواف از بالا و نایب گرفتن از پایین جمع نمایند.»

۶. آیه الله فاضل: «در فرض سؤال چنانچه کعبه مقدسه از طبقه دوم پایین تر نباشد، احتیاط واجب آن است که علاوه بر این که در طبقه دوم طواف داده می‌شود استنابه هم بنمایند.»

نکته قابل توجه اینکه گرچه در ضمن فتاوی مذکور اشاره‌ای به چگونگی نماز طواف شخص معذور نشده ولی بیشک نماز طواف را (چه در طواف مباشری و چه نیابی) باید خود شخص معذور حتی الامکان، خلف مقام ابراهیم (ع) در صحن مسجد انجام دهد و

انجام آن در طبقه فوقانی، توسط خود او، یا در خلفِ مقامِ توسطِ نایب او مجزی نیست مگر اینکه خود او متمکن نباشد.
مبانی فتاویٰ مذکور

پیش از طرح مبانی و مستندات فتاویٰ مذکور، توجه به این نکته ضروری است که اختلاف فتاوا در این مسأله، ریشه در یک بحث صغروی دارد و آن اینکه آیا بر طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام، به سبیل حقیقت و دور از هرگونه مسامحه، عنوان «طواف الکعبه» عرفاً یا تعبداً به‌گونه حکومت موسعی صدق میکند یا نه؟

۱- مناسک محشی آخرین چاپ مسأله ۶۶۸ و ۲۹۳

۲- همان.

۳- همان.

۴- مناسک محشی آخرین چاپ مسأله ۲۹۴: ۶۶۸

۵- مناسک چاپ جدید: ص ۳۰۹ مسأله ۶۶۸

ص: ۱۳

اما اصل کبری، که هرگاه صدق طواف الکعبه بر آن محرز باشد، مجزی است، جای بحث ندارد و بی شک از منظر فقهای عظام و ارباب فتوا، مقبول است. مگر به نظر برخی از فقها، که اتصال طواف کننده به جمع طواف کنندگان را نیز شرط صحت طواف میدانند. بر این مبنا، حتی در صورت صدق طواف بر طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام، مجزی نخواهد بود.

با تقدیم این مقدمه کوتاه، لازم است به بررسی مستندات فتاوی مذکور پرداخته شود:

الف- مستند فتوا به کفایت طواف معذور از طبقه فوقانی

فتواییکه بهطور جزم، طواف از طبقه فوقانی را برای معذور مجزی میدانند، به چند وجه و دلیل قابل استناد است:

شایسته است، قبل از طرح ادله، به این نکته اشاره شود که از میان اصحاب (تا آنجا که تتبع و پژوهش شد) تنها مرحوم علامه در تذکره مسأله طواف از بام مسجد الحرام، در فرضی که بالاتر از بام کعبه باشد، را از شافعی - که وی قائل به بطلان آن است - نقل کرده و بر آن اشکال نموده است. فقیه جواهری ۱ نیز ضمن نقل اشکال علامه، آن را تأیید کرده و فرموده است:

«و عن الشافعی ... فإن جعل سقف المسجد أعلى لم یجز الطواف علی سطحه و مقتضاه، كما عن التذکره أنه لو انهدمت الکعبه و

العیاذ بالله لم یصح الطواف حول عرصتها و هو بعید بل باطل» (۱)

فقیه جواهری به همین اندک بسنده نموده و هیچ اشارهای به دلیل صحت طواف در فرض مذکور نکرده است. در هر صورت، برای اثبات این نظریه، به چند دلیل میتوان تمسک جست:

دلیل اول:

عنوان «طواف البیت» که به مقتضای کریمه ... وَلَيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲) مأمور به است، در عرف، بر طواف از طبقه فوقانی صادق است و از اینرو، مأمور به (طواف البیت) در عرض واحد دارای دو مصداق اختیاری است و بر این اساس، طواف معذورین از طبقه فوقانی، از این باب که مصداق امثال مأمور به اختیاری است، مجزی خواهد بود و نیازی به طواف نیایی در مطاف نخواهد داشت.

نقد دلیل اول:

میتوان بر دلیل مذکور نقد وارد کرد؛ زیرا تمامیت آن، مبتنی بر این است که صدق عنوان «طواف البیت» در عرف، بر طواف از طبقه فوقانی، محرز و مسلم باشد، در حالی که صدق عرفی آن، معلوم العدم و یا لا اقل مشکوک است؛ زیرا مفهوم طواف، متقوم به این است که طواف کننده، احاطه بر مطاف علیه، داشته و موازی آن باشد؛ چنانکه فیومی، واژه شناس معروف و نامی، در مصباح المنیر، طواف را به «دور زدن و گشتن پیرامون شیء» معنا کرده و گفته است: «طاف بالشیء یطوف طوفاً و طوفاً استدار به» (۳)

ابن منظور نیز در لسان العرب اینگونه آورده است: «طاف بالقوم و علیهم ... استدار و جاء من نواحیه» (۴)

با اینکه سطح طبقه فوقانی مسجد الحرام حدود سی یا بیست و هفت سانتیمتر بالاتر از بام کعبه است و از این رو، طواف کننده، از طبقه فوقانی، احاطه بر کعبه نخواهد داشت و از نگاه عرفی هرگز بر طواف او عنوان «طواف الکعبه» صدق نمی کند، بلکه عنوان طواف در فضای بالای کعبه صدق میکند، اما اینکه فضای کعبه نیز حکم کعبه را دارد و ملحق به آن است، وجه دیگری است که به عنوان دلیل دوم طرح و نقد خواهد شد.

دلیل دوم؛ روایات:

روایت یک: مرسله صدوق ۱ استکه به سیل جزمی از امام صادق (ع) چنین روایت کرده است:

قَالَ الصَّادِقُ (ع) «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا» (۵)

«ریشه کعبه از هفتمین طبقه زیرین زمین است تا هفتمین طبقه بالای آن».

ممکن است به این مرسله نیز استدلال شود که فضای بالای کعبه هم حکم کعبه را دارد و در نتیجه طواف از طبقه فوقانی نیز مجزی

خواهد بود.

قبلاز تشریح وجه استدلال، جهت تصحیح سند آن، ممکن است چنین گفته آید که گرچه این روایت مرسل است ولی از آنجا که مرحوم صدوق به سیل جزم، با استخدام واژه «قال» آن را به امام صادق (ع) نسبت داده، این نکته را بر میگیریم که صدور آن از امام (ع) برای او محرز بوده چندان که نیازی به ذکر سند، ندیده است.

اما از نظر دلالت: توجه به دو نکته در روشن شدن وجه دلالت روایت مذکور بر کفایت طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام، مؤثر به نظر میرسد:

۱- جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸

۲- حج: ۲۹

۳- المصباح المنیر: ۳۸۰ ماده طوف.

۴- لسان العرب ۲۰۵: ۴

۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۲۳۱۷، باب «ابتداء الکعبه و فضل الحرم؛ وسائل الشعیه، ج ۳، ص ۲۴۸، باب «جواز الصلاة علی ابي قبيس و نحوه مما هو اعلی من الکعبه»، الحدیث ۳

ص: ۱۴

نکته اول: روایت یاد شده مطلق است و نظر به خصوص روبه قبله قرار گرفتن (استقبال‌القبله) برای نماز ندارد، بلکه بهطور مطلق فضای کعبه را در حکم کعبه قرار می‌دهد؛ چه برای نماز یا طواف و یا ذبیحه و غیر آن.

نکته دوم: این روایت، بهسبیل حکومت موسعی، کعبه را توسعه می‌دهد بهفضای آن و بدینسان فضای کعبه را در جمیع آثار، ملحق به کعبه می‌سازد.

مؤید این مدعا

روایت حسین بن خالد که در ذیل آیه شریفه وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (۱) وارد شده، و در آن تصریح گردیده است: زمینیکه در دنیا قرار دارد، اولین طبقه زمین از طبقات هفتگانه است و بقیه طبقات زمین و نیز آسمانها، فوق زمین حاضر است، این خود قرینه متقنی است بر اینکه مقصود از مرسله صدوق «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا» طبقاتی از زمین است که در فوق آسمان دنیا قرار دارد و بی شک لازمهاش این است که فضای فوق کعبه، حکم خود کعبه را داشته باشد. متن این روایت را علی بن ابراهیم قمی / با سند خود چنین نقل کرده است:

«حَدَّثَنِي أَبِي، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ، فَقَالَ: هِيَ مَحْبُوكَةٌ إِلَى الْأَرْضِ وَ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ. فَقُلْتُ: كَيْفَ تَكُونُ مَحْبُوكَةً إِلَى الْأَرْضِ، وَ اللَّهُ يَقُولُ رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؟ فَقَالَ: سَبَّحَانَ اللَّهِ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا فَقُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: ثُمَّ عَمَدٌ وَ لَكِنْ لَا تَرَوْنَهَا، قُلْتُ: كَيْفَ ذَلِكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَبَسَطَ كَفَّهُ الْيَسْرَى، ثُمَّ وَضَعَ الْيَمْنَى عَلَيْهَا، فَقَالَ: هَذِهِ أَرْضُ الدُّنْيَا وَ السَّمَاءُ الدُّنْيَا عَلَيْهَا فَوْقَهَا قَبَّةٌ، وَ الْأَرْضُ الثَّانِيَةُ فَوْقَ السَّمَاءِ الدُّنْيَا وَ السَّمَاءُ الثَّانِيَةُ فَوْقَهَا قَبَّةٌ وَ الثَّانِيَةُ فَوْقَهَا قَبَّةٌ، وَ الْأَرْضُ الثَّلَاثَةُ فَوْقَ السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ - إِلَى أَنْ قَالَ: - وَ الْأَرْضُ السَّابِعَةُ فَوْقَ السَّمَاءِ السَّادِسَةِ وَ السَّمَاءُ السَّابِعَةُ فَوْقَهَا قَبَّةٌ وَ عَرْشُ الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ اللَّهُ فَوْقَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ ... قُلْتُ فَمَا تَحْتُنَا إِلَّا أَرْضٌ وَاحِدَةٌ، فَقَالَ: مَا تَحْتُنَا إِلَّا أَرْضٌ وَاحِدَةٌ وَ إِنْ لَسْتَ لَهِنَّ فَوْقَنَا». (۲)

ملاحظه می‌کنید که در این روایت به صورت شفاف و با صراحت و گویا، تمام آسمانها و طبقات ششگانه زمین (جز زمین دنیا) فوق زمین حاضر، که بستر زندگی بنی آدم است، معرفی شده، قهراً با انضمام این روایت به مرسله مرحوم صدوق «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا». به این نتیجه دست می‌رسیم که خاستگاه مرسله صدوق توسعه کعبه است در جهت امتداد فوقانی آن و طبعاً فضای فوق کعبه را از احکام خود کعبه برخوردار می‌سازد.

و از این رو است که جملات «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنْ تَحْتِ الْأَرْضِ إِلَى عَنَانِ السَّمَاءِ» در کلمات جمعی از فقها به عنوان «یجمع علیه بین الأصحاب»، مطرح شده است.

نقد استدلال بر مرسله صدوق

استدلال مذکور از جهاتی جای سخن و نقد دارد:

اولاً: روایت مورد استفاده «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا». مرسله است، گرچه این مرسله با واژه «قال» آغاز شده، که ظاهراً حاکی از این است که مرحوم صدوق / اطمینان به صدور آن از امام صادق (ع) داشته و از این رو، به طور قطع و جزم آن را با استخدام کلمه «قال» به امام نسبت داده است، ولی بر فرض قبول این مطلب (اگر نگوییم امری است مظنون، فراتر از انگاره و گمان نیست) اشکال اساسی که متوجه آن میشود، این است که اطمینان مرحوم صدوق به صدور روایت، روشن نیست که مستند به حس بوده یا به حدس و اجتهاد شخصی خویش در مورد خصوصیات و ویژگیهای رجال سند یا قرائن و شواهد دال بر صدور. در هر صورت اطمینان شخصی او به صدور برای دیگران حجت نیست، مگر اینکه کسی به تبع اطمینان او، به هر جهتی اطمینان به صدور پیدا کند که بی شک اطمینان او نیز برای خودش حجت است ولی هرگز به نحو عام و به عنوان ضابطه

کلی، برای دیگران حجیت و اعتبار نخواهد داشت.

ثانیاً: از نظر دلالت، برداشت این مطلب از مرسله صدوق / که منظور از «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا». توسعه امتداد کعبه از جهت فوقانی یا فوقانی و تحتانی آن است، برداشتی وهین و سست می‌نماید؛ زیرا در صدر روایت تعبیر «أَسَاسُ الْبَيْتِ» آمده که بی شک به معنای پایه و ریشه کعبه است. چگونه ممکن است جملات «مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا»، که در حقیقت خبر برای مبتدا (أَسَاسُ الْبَيْتِ) است و در مقام تعریف و معرفی اساس و ریشه کعبه است، نظر به بیان امتداد فوقانی کعبه داشته باشد؟ اگر مقصود، القای این مطلب به مخاطبین بوده، یقیناً تعبیر متناسب با آن چنین بود که بفرماید: «ارْتِفَاعُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا». با اینکه تنها به جمله «أَسَاسُ الْبَيْتِ» بسنده فرموده که بی شک ناظر به تعریف و تبیین خصوص ریشه و پایه کعبه باید باشد.

تنها وجهیکه برای تصحیح این تعبیر، در راستای مدعای مذکور، میتوان گفت، مسأله حکومت است؛ به این بیان که تعبیر مذکور درصدد بیان واقعیت خارجی و تکوینی کعبه نیست؛ زیرا ناگفته پیداست که کعبه در وجود خارجی خود، از حدود خاص هندسی و از ریشه و پایه تکوینی محدود معینی برخوردار است بلکه درصدد توسعه ادعایی و اعتباری کعبه و تنزیل فضای آن به منزله خود کعبه است و از این رو، به کار گرفتن تعبیر «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ ...» نامناسب و نامأنوس با مقصود امام (ع) نیست، همچنانکه از سوی شارع، تنزیل طواف به منزله صلاة و توسعه شرایط آن به باب طواف، به سیل حکومت، از تعبیر «الطواف بالبيت صلاة» استفاده شده است.

۱- الذاریات

۲- طلاق / ۱۲.

ص: ۱۵

ولی این وجه نیز خالی از نقاش نیست؛ زیرا گرچه حکومت به دو گونه موسیعی (مثل: «الطواف بالبيت صلاة») و مضیعی (مثل: «لا شك لكثير الشك») در محاورات عقلایی و نیز در لسان شارع، امری است که از نگاه عقلا مقبول و در منهج تقنین و قانونگذاری شرع رایج است ولی هر گونه تعبیری با لسان حکومت وفاق ندارد؛ زیرا اساساً حکومت یک نوع تنزیل و ادعا است و تنزیل کردن شیء (همچون طواف) به منزله شیء دیگر (صلاة) که از احکام خاص فقهی برخوردار است، دور از منهج عقلایی نیست ولی تنزیل کردن شیء به منزله ضد و عکس آن، آن هم به قصد توسعه آثار آن ضد، به همان شیء، عقلایی نیست البته تنزیل شیء به منزله ضد آن به غرض استهزاء، امری است عقلایی؛ چنانکه در مورد انسان ترسو تنزیل به منزله ضد آن شده و گفته می شود: شیر، پهلوان، ولی تنزیل به منزله ضد، به غرض توسعه آثار هر گز.

بر این اساس نمیتوان گفت: امام (ع) در مرسله مذکور، اساس بیت و کعبه را، به منزله ارتفاع تمام طبقات ارضی تنزیل کرده که فوق آن است و در حقیقت ضد اساس البیت است؛ زیرا که تعبیر مناسب با این خاستگاه، آن است که بفرماید: «ارتفاع البیت من الأرض السابعة السفلى إلى الأرض السابعة العليا». با اینکه متن مرسله با «أَسَاسُ الْبَيْتِ ...» آغاز شده است.

نقد اشکال مذکور

گرچه تطبیق قانون حکومت بر مرسله صدوق، با بیانی که ملاحظه شد، مواجه با اشکال یاد شده است، ولی میتوان حکومت را به نوع دیگری تصویر کرد که از اشکال مزبور رهایی یابد؛ بدین بیان که گرچه جمله «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى» در مقام توسعه خود اساس و ریشه کعبه بر سبیل حکومت است ولی جمله «إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا». ناظر به توسعه در «ارتفاع بیت» است نه توسعه خود «اساس البیت» و ریشه آن، و الا مستلزم تنزیل شیء به منزله ضد آن است که بطلان آن در ضمن اشکال مذکور روشن شد. خود این مطلب قرینه است بر اینکه جمله «إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا». درصدد توسعه ارتفاع کعبه است.

در اینجا ممکن است این اشکال متوجه مرسله صدوق/ شود که میگوید: ممکن است مقصود از جمله «أَسَاسُ الْبَيْتِ»، بیت المعمور باشد و از این رو، استدلال کردن به مرسله، در الحاق فضای کعبه به خود کعبه، بی پایه و سست میشود؛ زیرا احتمال این امر ظهور مرسله را در مطلبی که گذشت، منتفی میسازد.

ولی این اشکال، با داشتن قرینه، ناتمام است، قرینه این است که خداوند متعال در کریمه (جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ) (۱) کعبه را بیت الحرام شمرده و این خود قرینه است بر اینکه هر جا واژه «البیت» به طور مطلق، به کار رود، مقصود کعبه است. نتیجه اینکه با مباحثیکه تقدیم شد، بر این مطلب دست یافتیم که دلالت مرسله صدوق بر مدعای مذکور تمام است ولی سند آن خالی از اشکال نیست.

روایت دو: روایت دیگری که میشود برای اثبات مدعای مذکور (الحاق فضای کعبه به خود کعبه و جواز طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام) بدان تمسک جست، روایت عبدالله بن سنان است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «سَأَلَهُ رَجُلٌ قَالَ: صِلَيْتُ فَوْقَ أَبِي قُبَيْسٍ، الْعَصِيرِ، فَهَلْ يُجْزَى ذَلِكَ وَالْكَعْبَةُ تَحْتِي؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهَا قِبْلَةٌ مِنْ مَوْضِعِهَا إِلَى السَّمَاءِ». (۲)

وجه استدلال به این روایت بر مدعای یاد شده، این است که امام (ع) در پاسخ پرسش از حکم نماز گزاردن بالای کوه ابوقبیس، که ارتفاع آن از بام کعبه بلندتر است، ضمن حکم به صحت آن، تعلیل کردند که: «إِنَّهَا قِبْلَةٌ مِنْ مَوْضِعِهَا إِلَى السَّمَاءِ»؛ یعنی کعبه از زمین تا آسمان قبله است و این بدان معنا است که فضای کعبه نیز حکم خود کعبه را داراست.

نقد استدلال به روایت مذکور

استدلال به روایت مزبور از نگاه سندی و دلالی، جای سخن و نقد دارد؛ زیرا:

از نظر سندی روایت مذکور را شیخ/ در تهذیب به اسناد خودش چنین نقل کرده:

«عن الطاهر عن محمد بن أبي حمزة عن عبدالله بن سنان التهذیب، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱۵۹۸» و در طریق شیخ/ به الطاطری، شخصی به نام علی بن محمد بن الزبیر القرشی وجود دارد که فاقد توثیق است، از این رو روایت مزبور دارای اعتبار سندی نیست. اما از نظر دلالت:

تعلیل مذکور که میفرماید: «فَإِنَّهَا قَبْلَهُ مِنْ مَوْضِعِ بِعِهَا إِلَى السَّمَاءِ». ناظر به توسعه کعبه، آنهم در بُعد قبله بودن است؛ به این معنا که درست است که فضای کعبه را تا آسمان ملحق به کعبه نموده، ولی نه بگونه مطلق و در همه احکام، بلکه تنها از جهت قبله بودن و پیدا است که این مطلب هرگز ملازمهای با الحاق فضای کعبه به خود کعبه، از هر نظر، حتی از نظر طواف پیرامون کعبه، ندارد؛ زیرا که در رعایت قبله در حال نماز، استقبال و رو به جهت و طرف کعبه بودن کافی است، با اینکه در «طواف الکعبه»، که به حکم کریمه (... وَ لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ) (۳) واجب شده، باید عنوان گشتن طواف پیرامون کعبه صدق کند، که هرگز با گشتن دور فضای کعبه در طبقه فوقانی مسجد الحرام، که سی سانتیمتر بالاتر از بام کعبه است، صدق نمیکند و اگر عدم صدق آن محرز و قطعی نباشد، لااقل مشکوک است و در هر دو صورت استدلال به این حدیث برای اثبات جواز طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام، ناتمام است.

۱- مائده: ۹۷

۲- وسائل الشیعه، باب ۱۸ از ابواب القبلة حدیث ۱

۳- حج: ۲۹

ص: ۱۶

ب- مستند فتوا به وجوب طواف نیابی:

فتواییکه بهطور جزم، طواف از طبقه فوقانی را مجزی نمی شمارد، بلکه استنباه را واجب میداند، مبتنی بر یکی از دو وجه زیر است:
وجه اول:

با نظر به اینکه از یک سو کف طبقه فوقانی مسجد الحرام مقداری (حدود سی سانتیمتر) از بام کعبه بالاتر است، طبیعی است طواف در آنجا، بر عنوان «طواف الکعبه» صدق نمیکند و از سوی دیگر، هیچگونه دلیل تعیدی که آن را به سیل حکومت، طواف البیت بشمارد، وجود ندارد. از این رو، لازم است نایب بهگونه نیابی در صحن مسجد الحرام به نیابت از شخص معذور طواف را انجام دهد و نماز آن را در صورت تمکن خود معذور، خلف مقام ابراهیم (ع) بگزارد و در صورت عدم تمکن، آن را هم نایب انجام دهد.

وجه دوم:

ممکن است فقیهی در صدق «طواف الکعبه» بر «طواف از طبقه فوقانی» تشکیک نداشته باشد، ولی از آن رو که اتصال به جمع طواف کنندگان را ضرور و لازم می شمارد و بیشک طواف کننده در طبقه فوقانی مسجد الحرام هرگز متصل به جماعت طواف کننده در مطاف نیست، لهذا طواف مباشری شخص معذور در طبقه بالا، فاقد اعتبار است و موظف است شخصی را نایب بگیرد تا در مطاف، طواف را به نیابت از او، به وجه کامل و صحیح انجام دهد.

این فتوا با اختیار دو مبنای یاد شده پیوندی ناگسستنی و ملازمه قطعی دارد. گرچه مبنای دوم جای سخن دارد ولی مبنای اول امری بایسته است و هیچگونه نقاشی در آن راه ندارد.

ج- مستند فتوا به «وجوب احتیاط در جمع بین طواف مباشری و نیابی»

فتواییکه به احتیاط واجب، جمع میان طواف نیابی در مطاف و طواف مباشری شخص معذور را از طبقه فوقانی لازم می شمارد، مبتنی بر این استکه از یک سو شخص مُحرم، علم دارد به اشتغال ذمه خویش به «طواف الکعبه» ولی از سوی دیگر، در مقام امتثال، علم و اطمینان ندارد که آیا بر طواف از طبقه فوقانی، عنوان «طواف الکعبه»، بدون مسامحه، صدق میکند یا نه؟ اگر صدق کند، وظیفه او طواف مباشری از طبقه فوقانی است و اگر صدق نکند وظیفه اش طواف نیابی در مطاف است.

بدینسان، شخص معذور، علم به اصل اشتغال ذمه خود به طواف دارد و شک در مکلفیه و محصل آن است (که آیا طواف مباشری از طبقه فوقانی است یا طواف نیابی از صحن مسجد الحرام) که بی شک مجرای اصاله الاحتیاط است و از این رو، باید شخص معذور میان دو طرف علم اجمالی خود جمع کند؛ هم طواف مباشری از طبقه فوقانی انجام دهد و هم طواف نیابی در مطاف، تا یقین به فراغت ذمه خویش پیدا کند.

د- مستند فتوا به وجوب طواف نیابی:

فتوا به وجوب طواف نیابی در صحن مسجد الحرام و کفایت آن، مبتنی بر یکی از این دو وجه عمده است که در پی می آید:

۱. بی شک از نگاه عرفی، طواف از طبقه فوقانی، با توجه به اینکه حدود سی سانتیمتر از بام کعبه بالاتر است، عنوان «طواف الکعبه» صدق نمیکند.

۲. اگر هم عنوان «طواف الکعبه» بر آن صدق کند، با نظر به این که اتصال به جمع طواف کنندگان در صحت طواف شرط است، طواف از طبقه فوقانی مجزی نیست.

نتیجه عدم صدق، این است که معذورین به هیچ وجه تمکن از اتیان مأموریه مباشری؛ چه به صورت اختیاری و چه به گونه اضطراری ندارند و با عدم تمکن از آن، وظیفه منحصر در استنباه جهت انجام طواف نیابی در مطاف است و با انجام طواف توسط نایب،

وظیفه انجام شده و بیشک مجزی خواهد بود.

ه-- مستند فتوا به کفایت طواف از طبقه بالا در صورت ضرورت

تنها وجهی که میتوان برای این فتوا: «در اینگونه موارد که راهی جز این نیست، طواف در طبقه بالا کفایت میکند» مستند ساخت، این است که: گرچه بر طواف از طبقه فوقانی مسجدالحرام نیز عنوان «طواف الکعبه» صدق میکند ولی میان طواف از مطاف و طواف از طبقه فوقانی، نوعی ترتیب و طولیت وجود دارد و با تمکن از طواف در مطاف و صحن مسجدالحرام، نوبت به طواف از طبقه فوقانی نمیرسد ولی با عدم تمکن از اول (چنانکه مفروض در بحث همین است) طواف به گونه دوم متعین و مجزی است.

نقد مبنای مذکور

ص: ۱۷

به نظر میرسد مبنای یاد شده، نقدپذیر است؛ زیرا از دو حال خارج نیست یا بر طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام، عنوان «طواف الکعبه» صدق میکند و یا صدق نمیکند، اگر صدق کند، تفصیل میان صورت امکان طواف در صحن مسجد الحرام و صورت عدم امکان آن، بلا-وجه است؛ زیرا هیچ دلیل قابل قبولی مبنی بر ترتیب و طولیت بین این دو وجود ندارد و اگر عنوان «طواف الکعبه» صدق نمیکند، مطلقاً مجزی نخواهد بود، حتی در صورت عدم امکان طواف از مطاف (صحن مسجد الحرام).

در اینجا ممکن است این انکار به ذهن آید که مستند فتوای مذکور وجه دیگری است به نام قاعده «المیسور لایسقط بالمعسور» یا قاعده «لا حرج» ولی این پندار نیز وهین و سسست می‌نماید؛ زیرا:

اولاً: مورد قاعده المیسور، عمل مرکب و دارای اجزاء و شرایطی است که انجام برخی از آنها برای مکلف میسر و پاره‌ای از آن نامیسر است و این ضابطه در مطلب مورد بحث ما قابل تطبیق نیست؛ زیرا چنین نیست که مأمور به، مرکب باشد از دو جزء؛ یکی به نام «طواف حول الکعبه» و دوم «طواف در مطاف» (مسجد الحرام)، تا با معسور شدن جزء دوم برای معذورین، بگوئیم جزء اول برای آنها میسر است و باید تحصیل شود. ممکن است ادعا شود مأمور به، مجموعه حج یا عمره مفرده است و آن مرکبی است دارای اجزای معین که یکی از آنها طواف است و از این رو، مجرای قاعده المیسور میگردد؛ زیرا طواف یکی از اجزای عمل مرکب است که در حالت یسر و تمکن، باید در مطاف بهجا آورده شود و در حالت عسر و عدم تمکن، از طبقه فوقانی.

لیکن این ادعا نیز قابل نقد است؛ زیرا با عدم تمکن از طواف در مطاف، کدام دلیل طواف از طبقه فوقانی را (با فرض عدم احراز صدق عنوان طواف الکعبه بر آن) جایگزین طواف از مطاف (صحن مسجد الحرام) می‌سازد.

به سخن دیگر، مجرای قاعده المیسور (بر فرض تمامیت آن)، جایی است که عمل مرکبی داریم که برخی اجزای آن، معسور و ناممکن شود و بقیه آن میسر و ممکن باشد. در اینجا آن مقدار که معسور شده ترک میشود و بقیه باید انجام گیرد، ولی این مطلب غیر از جایگزین کردن عملی (مثل طواف شخص معذور از طبقه فوقانی) به جای جزئی از عمل مرکب (مثل طواف از مطاف) است که برای شخص معذور، معسور و ناممکن می‌باشد و این امر از نگاه فقها مسلم است که غایت مفاد قاعده المیسور (بر فرض تمام بودن مستند آن)، مشروعیت بخشیدن به آن مقدار از عمل است، که میسر و ممکن باشد و اینکه آن مقدار از عمل که برای مکلف میسر است انجام دهد و نسبت به آن مقدار که عاجز است، ترک کند؛ اما این که عملی جایگزین جزء معسور شود، ربطی به قاعده المیسور ندارد و از نطاق و قلمرو آن به دور است و دلیل مستقلاً می‌طلبد.

و ثانیاً: کلیت قاعده المیسور، از نگاه کبروی، جای سخن و نقد دارد و در جای خود، (از علم اصول) به اثبات رسیده است که دلیل عامی ندارد تا بتوانیم در مورد بحث، بدان تمسک جوئیم و تنها اعتبار آن، مختص به مواردی است که از دلیل و نصّ خاص برخوردار باشد؛ مانند باب وضو، غسل و صلاة.

و اما اگر مستند در فتوایی که گذشت، قاعده «لا حرج» باشد، باز با این اشکال مواجه است که قاعده «لا حرج» (چنانکه در جای خود به اثبات رسیده)، همواره نافی حکم است و هرگز مثبت حکم یا جزئیت و یا شرطیت چیزی نخواهد بود و بر این اساس، در مورد بحث ما، وجوب طواف از مطاف را برای معذورین با تحقق موضوع حرج بر میدارد، ولی هرگز وجوب طواف از طبقه فوقانی مسجد الحرام را برای آنان ثابت نمیکند.

و آنکه، به فرض که قاعده «لا حرج» مثبت باشد، باز با این اشکال مواجه است که چرا «لا حرج» طواف معذور را از طبقه فوقانی مسجد الحرام، متعین می‌سازد و آن را اثبات میکند و طواف نیابی از مطاف را بر او اثبات نمیکند؟

مرجع آن اثبات چیست؟ بی شک این پرسشی است بی پاسخ.

و- مستند فتوا به وجوب طواف نیابی در مطاف و اتیان طواف مباحثی از طبقه فوقانی، به احتیاط وجوبی:

فتوا به وجوب طواف نیابی در مطاف (صحن مسجد الحرام) و احتیاط واجب به طواف خود شخص معذور از طبقه فوقانی مسجد، بر این مبنا است که از یک سو، در نگاه عرف، عنوان «طواف الکعبه» بر طواف از طبقه فوقانی مسجد، صدق نمی‌کند و از سوی دیگر، دلیل تعدی، که تام السند و الدلاله باشد و بر سبیل حکومت اینگونه طواف را، «طواف الکعبه» بشمارد، نیز در میان نیست و این بدان معنا است که شخص معذور از طوافیکه مأمور به آن است، عاجز می‌باشد و به مقتضای قاعده (لزوم استنباط عاجز در هر عملی از اعمال حج و عمره، که تمکن از آن ندارد) واجب است کسی را نایب بگیرد تا به نیابت از او طواف را در مطاف انجام دهد.

نکته قابل توجه در اینجا آن است که بر حسب صناعت و مشی قواعد، گرچه همین مقدار (طواف نیابی) کافی است ولی از باب احتیاط در فتوا (با نظر به اهمیت حج و اهمیت احراز خروج از احرام و احتمال صدور مرسله صدوق، که مقتضی لزوم طواف مباشری شخص معذور از طبقه فوقانی مسجد الحرام است، با بیانیکه در مباحث پیشین تقدیم شد) به احتیاط واجب باید خود شخص معذور نیز از طبقه فوقانی مسجد، در صورت عدم لزوم حرج و مشقت شدید، طواف مباشری انجام دهد. این احتیاط گرچه بر حسب صناعت، با فتوای به وجوب استنباط، لازم نیست ولی با توجه به جهات مذکور، از آن تعبیر به «احتیاط واجب» شده است.

جمع بندی نهایی

ص: ۱۸

در مباحثی که گذشت، به این نکته متقن دست می‌یازیم که از میان آرای مذکور، سه نظریه، از اتقان و قوت مستند برخوردار است و آن سه نظریه‌های است که گزاردن طواف نیابی را برای شخصیکه از طواف در مطاف (صحن مسجد الحرام) معذور است، به‌گونه‌ای لازم می‌شمارد؛ یا به سبیل «فتوا به وجوب و کفایت آن» و یا به سبیل «وجوب احتیاط در جمع بین طواف نیابی در مطاف و طواف مباشری خود شخص معذور از طبقه فوقانی» و یا به سبیل «فتوا به وجوب طواف نیابی و وجوب احتیاط به طواف مباشری از طبقه بالا».

وجه اتقان و قوت سه نظریه یاد شده، این است که صدق عنوان «طواف الکعبه» بر طواف از طبقه فوقانی یا معلوم العدم و یا لااقل مشکوک است. دلیل تعبیدی همکه به سبیل حکومت، طواف مذکور را «طواف حول الکعبه» بشمارد در دست نیست؛ زیرا روایاتی که قابل استناد بود؛ مانند مرسله صدوق و روایت عبدالله بن سنان، مواجه با اشکالاتی بود که ملاحظه شد. از این رو صدق عرفی و تعبیدی عنوان «طواف حول الکعبه»، بر طواف معذورین از طبقه فوقانی مسجدالحرام یا معلوم العدم است و یا لااقل مشکوک. اگر معلوم باشد عدم صدق آن، که بی شک مقتضای آن، همان فتوای به وجوب طواف نیابی از مطاف است، منتهی برخی از فقهای عظام که همین مبنا را معتقدند، همچون شیخنا الاستاد فقیه محقق آیت‌الله العظمی وحید خراسانی و مقام معظم رهبری - سلمهما الله تعالی - افزون بر وجوب طواف نیابی از مطاف، به سبیل احتیاط واجب، طواف مباشری خود شخص معذور از طبقه فوقانی مسجدالحرام را نیز لازم میدانند، بعید نیست راز این احتیاط وجوبی در کنار فتوای صریح به وجوب طواف نیابی، ملاحظه اهمیت حج و خروج از احرام حج و عمره و نیز احتمال صدق مرسله صدوق «أَسَاسُ الْبَيْتِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ الْعُلْيَا». باشد.

اما اگر صدق عنوان طواف حول الکعبه بر طواف معذور از طبقه فوقانی مسجد مشکوک باشد، بی شک نتیجه‌اش علم اجمالی به وجوب طواف نیابی در مطاف یا طواف مباشری خود معذور از طبقه فوقانی مسجدالحرام است که این علم اجمالی قطعاً منجز و مقتضی وجوب احتیاط به جمع بین هر دو طواف است.

ص: ۱۹

نصوص معتبر و فتاوی فقهای عظام؛ از قدما تا متأخرین و تا معاصرین، به خوبی می‌توان این مطلب را بر گرفت که وظیفه اولی معذورین در صورت تمکن، طواف مباشری است ولو با استعانت از دیگران، و هرگز طواف نیابی برای آن‌ها مجزی نیست.

عمره مفرده یا مبتوله

محمد علی مقدادی

عمره، زیارت خانه خدا و از شکوهمندترین مراسم و اعمالی است که همه ساله میلیون‌ها دل‌باخته کعبه، از دیار خود عاشقانه به سویش پر می‌کشند تا با انجام آن، هر یک به میزان آگاهی و شعور خویش، بهره‌ای برگیرند و قلب خود را از عشق و محبت خدا لبریز کنند.

«عمره»، در لغت به معنای زیارت است و آن از «عماره» گرفته شده؛ زیرا زائر بیت الله به وسیله زیارت خانه، سبب آبادانی آنجا میشود. (۱)

و در اصطلاح فقهی، نام مناسک و اعمال مخصوصی است که در میقات و نیز در مکه انجام می‌گیرد. عمره دو قسم است: ۱. عمره تمتع ۲. عمره مفرده (مبتوله).

مبتوله در لغت

مرحوم طریحی در ذیل ماده «بَتَلَّ» آورده است:

«والمبتول، المقطوع و منه الحجّ المبتول و العمره المبتوله، و فی الحدیث؛ العمره المبتوله علی صاحبها طواف النساء».

«مبتول به معنای جدا شده و تنها مانده است و از همین باب است گفته می‌شود: «حج مبتول»، و «عمره مبتوله».

و در حدیث آمده است: کسی که عمره به تنهایی انجام دهد، باید طواف نساء هم به‌جا آورد. (۲)

زبیدی می‌گوید: «و التبتل: التفرد». (۳)

بنابراین، روشن شد که «عمره مبتوله» همان عمره است که به تنهایی و بدون حج انجام می‌شود و از همین رو است که به آن، «عمره مفرده» می‌گویند.

مشترکات عمره تمتع و عمره مفرده

زائر خانه خدا به هنگام انجام این دو عمره، از میقات مُحرم می‌شود و پس از ورود به مکه، به طواف کعبه می‌پردازد و سپس دو رکعت نماز طواف می‌گزارد، آنگاه سعی میان صفا و مروه و پس از آن تقصیر می‌کند. (۴)

۱- جواهر، ج ۲۰، ص ۴۴۱

۲- مجمع البحرين، ماده: بَتَلَّ.

۳- تاج العروس، ج ۱۴ ص ۴۲

۴- جواهر، ج ۲۰، ص ۴۴۱

ص: ۲۰

تفاوت‌های عمره تمتع و عمره مفرده

۱. عمره مفرده به صورت مستقل از حج انجام می‌گیرد ولی عمره تمتع را باید با حج به‌جا آورد؛ بدین ترتیب که نخست عمره تمتع و پس از آن حج به‌جا آورده می‌شود.
 ۲. عمره تمتع طواف نساء ندارد و در عمره مفرده واجب است به‌جا آورده شود.
 ۳. در عمره مفرده، زائر (مرد) مُخَيَّر است پس از سعی، میان حلق و تقصیر و در عمره تمتع، همه باید تقصیر کنند.
 ۴. عمره تمتع و حج، در یک سال با هم انجام می‌شود ولی عمره مفرده چنین نیست.
 ۵. عمره تمتع را در طول سال تنها یک بار، در ماه‌های حج به‌جا می‌آورند ولی عمره مفرده را در تمام سال می‌توان انجام داد. (۱)
- اما بهترین وقت آن در ماه رجب است که روایات زیادی در فضیلت و برتری آن وارد شده است. (۲)
- از این عبادت و عمل معنوی، در قرآن کریم و روایات اهل بیت: با تعابیر و عبارات گوناگون یاد شده است:

«عمره» در قرآن

با تعبیر «عمره»: وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ... (۳)

با تعبیر «اعتمر»: إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ ... (۴)

«عمره» در روایات

الف) عمره:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «أَنَّهُ سُئِلَ أَيُّ الْعُمْرَةِ أَفْضَلُ؛ عُمْرَةٌ فِي رَجَبٍ، أَوْ عُمْرَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ: لَا بَلْ عُمْرَةٌ فِي شَهْرِ رَجَبٍ أَفْضَلُ».

(۵)

«از امام صادق (ع) سؤال شد کدام عمره فضیلت بیشتری دارد؛ عمره رجبیه یا عمره ماه رمضان؟ حضرت فرمودند: خیر، بلکه عمره در ماه رجب برتر و افضل است».

ب) عمره مفرده

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «الْمُعْتَمِرُ عُمْرَةً مُفْرَدَةً إِذَا فَرَغَ مِنْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ وَصَلَاةِ الرَّكْعَتَيْنِ خَلْفَ الْمَقَامِ وَالسَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ حَلَقًا أَوْ قَصْرًا». (۶)

امام صادق (ع) فرمودند: «کسی که عمره می‌گزارد، هنگامی که از طواف واجب و نماز طواف دو رکعتی پشت مقام و سعی بین صفا و مروه فارغ گردید، می‌تواند حلق کند یا تقصیر کند».

ج) عمره مبتوله

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْعُمْرَةِ الْمَبْتُولَةِ فِيهَا الْحَلْقُ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: فِي الْعُمْرَةِ الْمَبْتُولَةِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَاللُّمَّقْصِرِينَ؟ فَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَاللُّمَّقْصِرِينَ؟ قَالَ: وَاللُّمَّقْصِرِينَ». (۷)

معاویة بن عمار گوید، از امام صادق (ع) پرسیدم: در عمره مبتوله حلق هم هست؟ حضرت فرمود: آری. پیامبر خدا (ص) در عمره مبتوله فرمودند: پروردگارا! حلق کنندگان را بیامرز. سؤال شد: تقصیر کنندگان هم؟ پیامبر (ص) فرمودند: خدایا! تقصیر کنندگان را هم بیامرز».

در این روایت از عمره مفرده با تعبیر «عمره مبتوله» یاد شده است. از این روایت همچنین استفاده می‌شود که حلق در عمره مفرده برای مردان افضل و برتر است.

عمره مفرده (مبتوله) در کلام فقها:

مرحوم شیخ طوسی: «المبتولة: المقطوعة؛ و المراد، المقطوعة عن الحج، أي المفردة؛ «مبتوله به معنای جدا شده است و مقصود از آن، عمرهای است که از حج جدا باشد؛ که همان مفرده است.» (۸)

۱- الفقه المقارن، ص ۴۷۲

۲- غنیة النزوع، ص ۱۹۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، صص ۳۰۳-۳۰۱

۳- بقره: ۱۹۶

۴- بقره: ۱۵۸

۵- الحدائق الناضره، ج ۱۶، ص ۳۳۰

۶- همان، ج ۱۶، ص ۳۱۷

۷- همان.

۸- شیخ طوسی، مبسوط، ج ۱ ص ۳۰۹

ص: ۲۱

علامه حلی: «و أما العمرة فهي في اللغة عبارة عن الزيارة، و في الشرع عبارة عن زيارة البيت الحرام لأداء مناسك عنده»؛ «عمره، در لغت به معنای زیارت است و در شرع مقدس عبارت است از زیارت بیت‌الله الحرام به منظور ادای مناسک عمره در بیت‌الله الحرام.» (۱)

محقق نراقی: «والمراد بالعمرة المبتولة، المفردة»؛ «مقصود از عمره مبتوله، عمره مفرده است.» (۲)

با پژوهش و بررسی که انجام گرفت، در کتب لغت و منابع اهل سنت، از «عمره مبتوله» مطلبی نیافتیم. بنابراین، در روایات آن‌ها به عمره مبتوله اشاره نشده و کتب فقهی‌شان به این موضوع نپرداخته‌اند.

بنابر این، اکثر علمای اهل سنت در کلمات خود از این عمل، با عنوان «عمره» یاد کرده‌اند و در کلمات و کتب فقهی بعضی، «عمره مفرده» آمده است.

عمره مبتوله واجب است؟

الف) نظریه فقهای شیعه

دانسته شد که مقصود از «عمره مبتوله» همان «عمره مفرده» است؛ اکنون پرسش این است که آیا این عمره واجب است یا خیر؟ مشهور میان فقهای شیعه، عدم وجوب عمره مفرده (بلکه استحباب آن) است؛ به‌ویژه برای کسی که توان و استطاعت انجام عمره مفرده را دارد و برای رفتن به حج تمتع مستطیع نیست. (۳)

البته این نوع از عمره، در مواردی واجب می‌شود؛ مانند نذر، قسم، عهد و ... (۴) همچنین بر کسی که تصمیم دارد وارد مکه شود. داخل شدن به مکه، بدون احرام، حرام است. پس لازم است شخص عازم به مکه، با احرام باشد و یکی از مواردی که انسان باید محرم شود، زمان انجام عمره مفرده است. (۵)

در میان فقهای شیعه هستند کسانی که قائل به وجوب عمره مفرده- برای کسی که می‌تواند آن را انجام دهد- شده‌اند؛ از جمله آن‌ها است:

ابوالصلاح حلبی: «العمرة المبتولة واجبة على أهل مكة و حاضريها مرة في العمر». (۶)

آیه‌الله مکارم شیرازی: اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند، به احتیاط واجب عمره مفرده انجام دهند. (۷)

آیه‌الله صانعی: کسی که به عنوان نیابت رفت به مکه و خودش حج واجب به‌جا نیاورد، استطاعت برای عمره مفرده دارد، وجوب اتیان آن، بعد از عمل نیابت، خالی از وجه نمی‌باشد. (۸)

ب) علمای عامه (اهل سنت):

میان مذاهب چهارگانه اهل سنت، در وجوب یا عدم وجوب عمره اختلاف است؛ بعضی اعتقاد به وجوب آن دارند و بعضی دیگر سنت دانسته و جزو مستحبات شمرده‌اند:

شافعی: از شافعی در باره عمره دو قول نقل شده است که صحیح‌تر آن، نظریه وجوب عمره است و از این جماعت، کسانی که قائل به وجوب عمره مفرده هستند، در طول عمر، فقط یکبار واجب می‌دانند. (۹)

شافعی در کتاب «الأمم» می‌گوید: «والذی هو أشبه بظاهر القرآن و أولى بأهل العلم عندی ... أن تكون العمرة واجبة»؛ (۱۰) «آنچه که به ظاهر قرآن شبیه‌تر و نزد اهل علم بهتر و برتر است، عمره واجب می‌باشد.»

حنفی: انجام یکبار عمره مفرده، سنت مؤکد است؛ یعنی اگر انسان در طول عمرش تنها یکبار عمره مفرده بگذارد، به سنت عمل کرده است. (۱۱)

مالکی: عمره مفرده واجب نیست. (۱۲)

حنبلّی: عمره گزارى (یکبار در طول عمر) واجب است. (۱۳)

عمره بر مردم مکه واجب نیست، عمره آنان همان انجام طواف است. (۱۴)

سلفی‌ها: گزاردن عمره (یکبار در طول عمر) بر اهالی مکه و دیگران واجب است و برای کسی که داخل حرم است، احرام عمره او باید از ادنی الحّل باشد؛ مانند تنعیم، جعرانه و ... (۱۵)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۸

۲- مستند الشیعه، ملا احمد نراقی، ج ۱۱ ص ۲۱۲

۳- آراء المراجع فی الحج، ص ۱۴۲

۴- تحریر الوسیله، حضرت امام خمینی ۱، کتاب الحج، مسائل عمره، مسأله ۳

۵- آراء المراجع فی الحج، ص ۱۴۳، چاپ جدید ۱۳۸۵

۶- الکافی، ص ۲۲۰

۷- مناسک حج محشّی، چاپ پاییز ۱۳۸۵، ص ۹۸

۸- همان.

۹- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۵، ص ۲

۱۰- کتاب الأم، ج ۲ ص ۱۴۴

۱۱- حاشیه ابن عابدین، ج ۲ ص ۵۱۹

۱۲- المجموع، ج ۷، ص ۷

۱۳- نیل الأوطار، شوکانی، ج ۵، ص ۳

۱۴- المغنی، ابن قدامه، ج ۳ ص ۱۷۴

۱۵- فتاوی اللجنة الدائمہ، بن باز، ج ۱۱ ص ۱۱۹

ص: ۲۲

میقات عمره مبتوله (مفرده)

کسانی که برای عمره مفرده، به مکه می‌روند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات بگذرند و در صورت عبور، واجب است به میقات برگردند و از آنجا مُحرم شوند. اگر ممکن نشد، از همان جایی که هستند مُحرم شوند. (۱)

فقه‌های شیعی: میقات عمره مفرده را، برای کسانی که در مکه مکرمه هستند، ادنی‌الحل می‌دانند. (۲)

ادنی‌الحل به مکانی گفته می‌شود که مرز میان حرم و بیرون حرم است؛ مانند: حدیبیه و تنعیم.

شافعی (در کتاب الأم): «میقات العمره و الحج واحد»؛ «میقات عمره و حج یکی است». (۳)

حنفی: کسی که اراده و تصمیم انجام عمره را دارد و از میقات عبور می‌کند، باید از میقات محرم شود و اگر داخل مکه است، از حِلّ (خارج حرم) مُحرم گردد. (۴)

حنبلی: میقات کسانی که پیش از میقات و در خارج حرم زندگی می‌کنند، مواقیت چهارگانه ذوالحلیفه، جُحفه، قَزَن (المنازل) و یَلَمَم است و اشخاصی که زندگیشان در حرم است، میقات آنها برای احرام عمره، حِلّ (خارج حرم) است نه حرم. (۵)

مالکی: میقات مکانی عمره، مانند میقات حج است، جز کسی که در مکه است- یعنی از اهالی مکه یا غریب باشد- میقات عمره او حِلّ (خارج حرم) است و افضل آن است که از جعرانه برای عمره مفرده مُحرم شود. (۶)

سلفی: میقات عمره کسی که در مکه است، حِلّ می‌باشد و نزدیکترین حِلّ (خارج حرم) به مکه مکرمه، تنعیم است و میقات کسی که قبل از مواقیت چهارگانه است و قصد انجام عمره دارد، همان مواقیت معروف می‌باشد. (۷)

ایام و موسم عمره مفرده و وقت فضیلت آن

الف) زمان و ایام عمره مفرده

فقها و مراجع عظام شیعه، تمام روزهای سال را برای انجام عمره مفرده جایز می‌دانند. البته در موسم حج، حاجی تا مناسک حج خود را به پایان نرساند، نمی‌تواند عمره مفرده به‌جا آورد.

علامه حلی: «أما العمرة المبتولة، فيجوز في جميع أيام السنة»؛ «عمره مفرده در تمام روزهای سال جایز است». (۸)

ب) ماه رجب، وقت فضیلت عمره مفرده

به اعتقاد فقه‌های شیعه، افضل اوقات و بهترین ایام گزاردن عمره که ثواب بیشتری دارد، عمره رجبیه است. ابوالمکارم ابن زهره گفته است: «و أفضل الشهور للاعتمار، رجب»؛ «بهترین ماه‌ها برای گزاردن عمره، ماه رجب است». (۹)

عمره رجبیه در روایات:

معاویة بن عمار از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

«المعتمر، يعتمر في أي شهر السنة شاء، و أفضل العمرة، عمرة رجب».

«عمره گزار در هر ماه از سال می‌تواند عمره انجام دهد و افضل عمره‌ها، عمره رجب است». (۱۰)

زراره از امام باقر (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«أفضل العمرة عمرة رجب».

«بهترین عمره، عمره‌ای است که در ماه رجب انجام شود». (۱۱)

از امام صادق (ع) پرسیدند:

«أي العمرة أفضل، عمرة في رجب أو عمرة في شهر رمضان؟ فقال: لا، بل عمرة في رجب أفضل».

- ۱- مناسک محشّی، مسأله ۲۷۰، چاپ پاییز ۱۳۸۵
- ۲- همان، مسأله ۱۹۶
- ۳- کتاب الأم، ج ۲، ص ۱۵۵
- ۴- المبسوط، سرخسی، ج ۴، صص ۱۷۱ و ۱۶۷؛ حاشیه ابن عابدین، ج ۲، ص ۶۳۹
- ۵- مغنی، ابن قدامه، ج ۳، ص ۲۱
- ۶- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۶۸۶
- ۷- فتاوی اللجنة الدائمہ، ج ۱۱، ص ۱۲۵
- ۸- تحریر الأحکام، ج ۱، ص ۵۶۰
- ۹- غنیة النزوع، ص ۱۹۷
- ۱۰- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۰۳
- ۱۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۰۱

ص: ۲۳

«فضیلت کدام عمره بیشتر است، عمره ماه رجب یا عمره در ماه رمضان؟ حضرت در پاسخ فرمودند: نه، بلکه عمره در ماه رجب افضل است.» (۱)

حضرت صادق (ع) در روایتی دایره عمره رجبیه را وسیع بیان فرموده؛ بدین صورت که: «اگر شخصی در ماه رجب مُحْرَم شود و در ماه شعبان اعمال عمره را پایان دهد، عمره‌اش عمره رجبیه است؛ و اگر در غیر ماه رجب مُحْرَم شود و طواف عمره را در ماه رجب انجام دهد، باز عمره او عمره رجبیه خواهد بود.» (۲)

محقق بحرانی / پس از آن که درباره فضیلت عمره مبتوله (مفرده) سخن به میان می‌آورد و روایات ویژه این باب را ذکر می‌کند، اینگونه ادامه می‌دهد:

«و یکفی فی کونها رجبیه حصول الهلال بها فی رجب و إن وقعت الأفعال فی شعبان».

«برای درک عمره رجبیه، کافی است در لحظات آخر ماه رجب مُحْرَم شود، اگر چه اعمال دیگر عمره را در ماه شعبان انجام دهد.» (۳)

ج) تکرار عمره

تکرار عمره، همانند انجام یکبار آن، مستحب است؛ لیکن میان فقها، در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف است. کسانی مانند حضرت امام خمینی ۱ قائل به فاصله ۳۰ روز هستند و در کمتر از آن تکرار عمره باید به قصد رجاء باشد. برخی قائل به فاصله یک ماه قمری می‌باشند؛ به طوری که اگر یک عمره را در آخر یک ماه و عمره دیگر را در اول ماه بعد انجام دهد، صحیح است. بعضی دیگر فتوا به جواز تکرار آن در هر ۱۰ روز داده‌اند و دیگر فقیهان، عمره‌گزاری در هر روز را جایز می‌دانند. (۴)

دعای ویژه احرام عمره مفرده یا مبتوله

مرحوم ابوالصلاح حلبی، در کتابش (کافی)، دعای ویژه احرام عمره مفرده را آورده است که آن را در جای دیگر نیافتیم؛ گفتنی است دعاهایی که در مناسک و رساله‌های حج و عمره آمده، تنها دعای احرام حج است و از دعای احرام عمره مفرده ذکر می‌شود به میان نیامده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي وَاعْنِي عَلَى أَدَائِهَا فَإِنْ عَرِضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي مِنَ النَّسَاءِ وَالطَّيِّبِ وَالصَّيِّدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يَحْرُمُ عَلَى الْمُحْرِمِينَ. أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ.» (۵)

۱- همان.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۰۲

۳- حدائق الناضره، ج ۱۶، ص ۳۳۰

۴- مناسک محشی، مسأله ۱۸۴، چاپ پاییز ۱۳۸۵، صص ۱۰۵-۱۰۴

۵- الکافی، ابوالصلاح حلبی، ص ۲۲۱

سفرهای حج ابن بطوطه سالهای (۷۴۹-۷۲۵)

رسول جعفریان

حاجیان مغرب اسلامی و حج

حجاج مغرب اسلامی، شامل اندلس و مراکش و بخش میانی آفریقای مسلمان، فاصله زیادی تا حجاز داشتند اما این راه را عاشقانه طی کرده و به دنبال ریشه های خود، به حرمین میآمدند. طی کردن این راه که چند هزار کیلومتر مربع است، آسان نیست و میتوان تصور کرد با امکانات آن روزگار، چه مقدار زمان لازم بوده تا این مسیر طی شود و زائر به حرمین برسد. تحمّل این سختیها بود که سبب شد از دیر زمان لقب «الحاج» به عنوان یک لقب مهم برای کسانی که از مغرب اسلامی به حج رفتهاند، روی این اشخاص بماند. این همان چیزی است که بعدها در شرق دور اسلامی هم رایج گردید.

منهای چند سفرنامه‌های که از دوره میانی تمدن اسلامی برجای مانده، مانند ناصر خسرو و ابن بطوطه و ابن جیبر و به خصوص پس از آن دوره، حجم زیادی از سفرنامه‌های حج که برجای مانده، متعلق به حجاج مغربی است. این آثار منبع بسیار مهمی برای شناخت ادبیات حج و تاریخ بلاد حرمین و همین طور شناخت راه حجاج مغربی است. تعداد زیادی از این سفرنامه‌ها به چاپ رسیده اما بخش بسیاری از آنها همچنان مخطوط برجای مانده است. گزارش یک صد مورد از این سفرنامه‌ها را دکتر عبدالهادی التازی در دو جلد کتاب فراهم آورده که به مناسبت سال ۲۰۰۴ که در آن، شهر مکه به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شد، توسط مؤسسه «الفرقان»، وابسته به زکی یمانی، به چاپ رسیده است. عنوان این کتاب و مشخصات آن چنین است:

رحلة الرحلات؛ مکه فی مائه رحلة مغربیة و رحلة، مکه المکرمة، مؤسسه الفرقان، ۲۰۰۵.

این کتاب شرح مطالبی است که در این سفرنامه‌ها، در باره مکه مکرّمه آمده است.

ویژگی این سفرنامه‌ها، به خصوص برخی از آنها؛ مانند سفرنامه عیاشی، که اخیراً در دو جلد بسیار بزرگ به چاپ رسیده، این است که نه تنها مشتمل بر مطالبی است که در سفرنامه‌های عادی آمده بلکه حاوی شرح حال تعداد زیادی از مشایخ و حتی طرح بسیاری از مباحث علمی و دینی است.

یک چهره مغربی، وقتی به شرق سفر میکند، با این پشتوانه است که در گذشته تاریخ تمدن اسلامی، اعتبار و ارزش ویژه‌ای برای شرق اسلامی قائل بوده و علم و حدیث و دین خود را از شرق میگرفته است. برای یک مغربی اهمیت دارد که گزارش این سفر را بنویسد و گزارش راه و سفر نه تنها دینی باشد، بلکه گزارش سفر علمی او هم به شرق اسلامی و شاگردیاش نزد مشایخ و گرفتن اجازه حدیث و غیره هم باشد. او این مطالب را در سفرنامه‌اش نشان میدهد.

ص: ۲۶

وقتی بحث از مغرب اسلامی میشود، منطقهای گسترده را- که در قرون نخستین اسلام حکم یک منطقه واحدی را داشت- شامل میشود. این ممکن بود که کسی اصلش از مغرب نزدیک؛ یعنی تونس باشد، در قرطبه؛ یعنی اندلس تحصیل کند و در مغرب میانی؛ یعنی تلمسان قاضی باشد و بعداً به منصب قضاوت در اشبیلیه برود یا حتی در مغرب دور؛ یعنی فاس به این سمت منصوب گردد.

مغربها در مکه کاملاً شناخته شده بودند و در متون تاریخی این دوره مکه، آثار آنان فراوان است. از آنان به عنوان «مغاربة» یاد میشود. رنگ پوست و ساختار جسمانی ایشان بیش از همه، حکایت حضورشان را داشت. بهخصوص در قرن دهم به بعد، تعداد زیادی از مغربها پس از انجام حج برای تحصیل یا عبادت و یا کار در حرمین، باقی میماندند. کتابی با عنوان «المغاربة فی المدینه المنوره» إبان القرن الثانی عشر الهجری» (از محمدعلی فهیم بیومی، قاهره، ۲۰۰۶) شرحی مفصل از حضور اینان در مدینه را به دست داده و نقش آنان را در زندگی اجتماعی و اقتصادی و دینی این شهر نمایانده است.

دکتر تازی در مقدمه کتاب «رحله الرحلات» نام نزدیک به صد نفر از علمای مغرب و آندلس، از قرن سوم به بعد را آورده است که اینان در مکه یا مدینه سماع حدیث کردهاند. بسیاری از اینان تا بغداد هم میآمدند. این افراد حسی را در میان عالمان مغربی ایجاد کردند که می بایست علم را در شرق جستجو کنند.

یکی از مشهورترین سفرنامههای مغربی، سفرنامه ابن بطوطه است که نه تنها سفرنامه حج بلکه گزارشی از بلاد اسلامی در دهه سوم و چهارم قرن هشتم هجری است. وی شش بار حج بهجای آورده و گزارش آنها را نوشته است.

در اینجا مروری بر این کتاب و شرحی که وی در مورد راههای حج، از نقاط مختلف داده است، ارائه میکنیم:

ابن بطوطه مغربی و راه حج

سفرنامه ابن بطوطه یکی از مشهورترین سفرنامهها در تمدن اسلامی است که برجای مانده است. این سفرنامه متعلق به شخصی به نام ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم لواتی طنجی، مشهور به «ابن بطوطه» است. وی در قرن هشتم و پیش از حمله تیمور می زیست.

ابن بطوطه به قصد سفر حج به راه افتاد اما این سفر چندان به درازا کشید و طولانی و پر مطلب شد که سبب گردید تا اثر او تبدیل به یک اثر بسیار مهم شود. سفرهای او به اقصا نقاط عالم اسلام؛ به ویژه اقامت چندین ساله او در برخی از کشورها، بهخصوص در هند و علاقه خاص او به ثبت آنچه که دیده و شنیده، این متن مهم را پدید آورده است. وی سفر به حج را در سال ۷۲۵ آغاز کرد. حج پنجم او در ۷۳۲ و ششمین آن در سال ۷۴۹ بود. سه حج میانی او- دوم، سوم و چهارم- در اقامت سه ساله او در مکه به انجام رسید.

اما در این میان مهم همین است که او به قصد انجام فریضه حج به راه افتاد و این انگیزه بود که او و دیگرانی مانند او را بر میانگیخت تا به نقاط دیگر جهان اسلام بروند و چنین آثاری را بیافرینند. ما در این گزارش از ترجمه محمدعلی موحد (تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۴۸) استفاده کردهایم.

اهمیت سفر ابن بطوطه به لحاظ تبیین راه حج در آن سالها جالب است.

اولاً: او در باره راه طنجه به مصر، اطلاعات جالبی را به دست داده و شهر به شهر مطالبی را بیان کرده است.

ثانیاً: در باره راه مصر به سمت عیداب و رفتن از راه دریا به سمت حجاج، توضیحاتی آورده است. البته وی تا عیداب آمده، اما به دلیل جنگ و نابود شدن کشتیها مجبور به بازگشت از بندر عیداب به قاهره شده و مجدداً راه خشکی را به سمت شام آغاز کرده است. از آنجا به بعد نیز وی منزل به منزل شرحی بیان کرده است. ما تنها بخشهایی را که مربوط به راه حج اوست بیان کرده و از باقی توصیفات وی، از شهرها جز در موارد استثنایی خودداری خواهیم کرد.

در راه حج

ابن بطوطه می نویسد: «روز پنج شنبه، دوم ماه رجب، سال ۷۲۵، به قصد حج و زیارت قبر پیغمبر (ص) یکه و تنها از زادگاه خود، طنجه، بیرون آمدم. نه رفیقی بود که با او دمساز باشم و نه کاروانی که با آن همراه گردم. میل شدید باطنی و اشتیاقی که برای زیارت آن مشاهد متبرکه در اعماق جانم جایگزین بود مرا بدین سفر برانگیخت. دل بر هجران یاران نهادم و بسان مرغی که از آشیان خود جدا افتد از وطن دوری گزیدم.» (۶/۱)

ابن بطوطه از طنجه به تلمسان می رود و پس از سه روز اقامت در این شهر، عازم «ملیانه» میشود. از آنجا همراه شماری بازرگان به سمت الجزایر می‌رود و بعد از آن، از راه متیجه به «جبل الزان» رفته عازم شهر «بجایه» می‌گردد.

وی در بجایه مریض میشود. وقتی به او پیشنهاد میشود آنجا بماند و استراحت کند، میگوید: «اگر مرگ من فرا رسیده باشد، بهتر است در راه خانه خدا بمیرم.» (۸/۱)

ص: ۲۷

مقصد بعدی شهر کنستانتین یا قسطنطنیه بوده که حاکم آنجا استقبالش کرده، لباس احرام و دو دینار (سکه طلا) به او می دهد. از آنجا عازم بونه میشود.

وی با وجود بیماری و تب عازم میشود. گرچه بازرگانان به دلیل ناامنی متوقف میگردند لیکن او به مسیرش ادامه میدهد تا به «تونس» میرسد. بی آنکه کسی را بشناسد، در مدرسه کتیبین منزل میکند.

ماه رمضان می رسد و ابن بطوطه تا عید را در تونس میماند. در این ایام قافله حج آماده رفتن میشود، اما نه برای حج همین سال بلکه برای حج سال آینده؛ زیرا تازه اواخر ذی قعدة از تونس حرکت میکند.

ابن بطوطه می نویسد: «ریاست قافله با شیخی بود به نام ابویعقوب موسی از اهالی آفریقا و اکثر افراد قافله از قبیله مصامده بودند. مسافری از میان خود، مرا به عنوان قاضی انتخاب کردند. اواخر ذی قعدة بود که از تونس حرکت کردیم و از راه ساحل به شهر «سوسه» رفتیم. این شهر کوچک و نیکو بر کنار دریا ساخته شده است و با تونس چهل میل فاصله دارد. پس از سوسه به شهر صفاقس رسیدیم ... از صفاقس به «قابس» رفتیم و در داخل شهر منزل کردیم و چون پیاپی باران میآمد، ده روز در این شهر ماندیم. آنگاه به قصد طرابلس حرکت کردیم. در برخی از مراحل این راه، در حدود صد سوار یا بیشتر با ما بودند و نیز عدهای تیرانداز در قافله بودند که قبایل بدوی از آنان حساب می بردند و از دستبرد خودداری می نمودند. عید قربان را در یکی از منازل بین راه گذرانیدیم. روز چهارم عید به طرابلس رسیده چند روز در آنجا توقف کردیم.» (۱/ ۱۰)

ابن بطوطه، دختر یکی از امنای تونس را به عقد خود درآورده و در طرابلس عروسی کرده است و از این پس همراه همسرش به راه ادامه میدهد؛ «از مسلاته و مسراته و قصور سرت گذشتیم. در اینجا طوایف عرب خواستند دستبردی بزنند، موفق نشدند و به ملاحظه آمادگی ما از تعرض خودداری کردند. پس از جنگلی عبور کرده به قصر برصیصای عابد رسیدیم». اینجا با پدر زنش اختلاف پیدا کرده، همسرش را طلاق می دهد و دختر یکی از طلاب قابس را میگیرد «در قصر زعافیه عروسی کردم و ولیمه دادم و قافله را برای این کار یک روز متوقف ساختم و همه را اطعام کردم.»

مقصد بعدی اسکندریه است. او می نویسد: «در اول جمادی الأولى به شهر اسکندریه رسیدیم». سپس در اینجا به وصف شهر می پردازد و از میوهها و باغات و دروازههای شهر و جز اینها سخن میگوید. در اینجا است که به گردش در شهرهای مختلف مصر رفت و از جمله آنها دمیاط است و هرجا که می رسد، از عالمان و عارفان و فقیهان و قاضیان و نیز خود شهر سخن میگوید. آشکار است که او کاروان حج را رها کرده و به دنبال گردشگری است تا موعد حج فرا رسد. پس از دیدن چند شهر، به قاهره می رسد و در اینجا به تفصیل از آن یاد میکند. (۱/ ۴۱-۲۹)

پس از آن می نویسد:

«از راه مصر علیا به قصد حجاز حرکت کردم و شب اول را در رباطی که صاحب تاج الدین حند در دیر الطین ساخته است، بهسر بردم ... بعد از رباط مذکور، به شهر کوچک «منیه القائد» که بر کنار نیل واقع است رسیدم و از آنجا به شهر بوش رفتم. بوش از حیث محصول کتان، بر همه شهرهای دیگر مصر برتری دارد و کتان آن به سایر نواحی مصر و آفریقا صادر میشود و از آنجا به شهر «دلاص» رفتم ... از آنجا به شهر «بیا» و «بهنسا» رفتم. بهنسا شهری است بزرگ و باغهای زیاد دارد و پارچههای پشمی خوبی در آن بافته می شود ... از آنجا به شهر منه خصیب «مینیا» رفتم. شهری است بزرگ و پهناور و وسیع و بر کنار نیل بند شده است و به حقیقت بر کلیه نواحی مصر علیا برتری دارد ...» (۱/ ۴۳-۴۲)

از آنجا به شهر کوچک منلوی، که دو میل از نیل فاصله دارد، رفتم ...

از منلوی به «منقلوط» آمدم که شهری است زیبا و خوش ساخت و پر برکت و بر کنار نیل نهاده است ...

از این شهر به اسیوط رفتم که شهری است بس نیک و بازارهای بدیع دارد ...

از آنجا به شهر احمیم رفتیم که شهری بزرگ و محکم و عجیب است ...

از احمیم به شهر «هو» که شهر بزرگی است در کنار نیل رفتم و در مدرسه تقی‌الدین بن سراج منزل کردم. در آنجا هر روز بعد از نماز صبح یک حزب از قرآن میخواندند ...

از شهر «قو» به «قند» رفتم ...

از آنجا به شهر بزرگ «قوص» رفتم. این شهر خیرات فراوان و باغهای سرسبز و بازارهای زیبا و مساجد زیاد و مدارس عالی دارد و حاکم نشین مصر علیا است ...

از آنجا «باقصر» رفتیم که شهرکی زیبا است ...

از آنجا شهر «ارمنت» رفتم. ارمنت شهر کوچکی است در کنار نیل که باغهای فراوان دارد ...

ص: ۲۸

از آنجا به شهر «اسند» رفتم که شهر بزرگی است و کوچهای وسیع و عایدات بسیار و زوایا و مدارس و جوامع متعدد و بازارهای خوب و باغات سرسبز دارد ...

از آنجا به شهر «ادفو» رفتم که فاصله آن تا شهر «اسند» از طریق بیابان یک شبانه‌روز راه است. (۱/ ۴۸)

سپس از نیل‌گذشته به شهر «عطوانی» رفتم و از آنجا شترانی کرایه کرده، با طایفه‌ای از عرب که دغیم نام دارند، حرکت کردیم. راه ما از صحرائی بود که آبادانی نداشت ولی راه امنی بود. یکی از منازل این راه حمیثرا است که قبر ولی خدا ابوالحسن شاذلی در آن است.

شهر عیذاب

پس از پانزده روز راه پیمایی، به شهر عیذاب رسیدیم. عیذاب شهری است بزرگ که ماهی و شیر فراوان دارد و غلات و خرما را از مصر علیا به آنجا می‌آورند. اهالی این شهر از طایفه بجات می‌باشند که رنگ پوستشان سیاه است و خود را در ملحفه زرد رنگی می‌پوشانند و بر سر خود عصابهایی می‌بندند که عرض آن یک انگشت بیشتر است ... در شهر عیذاب مسجدی است مشهور و متبرک که به شیخ قسطلانی منسوب است و من آن را زیارت کردم ... در آن زمان که ما به عیذاب رسیدیم «حدربی» پادشاه بجات مشغول جنگ با ترکان (ممالیک) بود. او کشتیهای ترکان را شکسته و آنان را به هزیمت داده بود. و به همین علت سفر ما از راه دریا میسر نشد. ناچار وسایلی را که برای این مسافرت آماده کرده بودیم فروخته و با همان اعراب، که شترهایشان را کرایه کرده بودیم، به مصر علیا مراجعت کردیم و به شهر قوص رسیدیم و از آنجا، از طریق نیل، که مصادف با موقع مد بود سرازیر شده، پس از هشت روز راه پیمایی به قاهره رسیدیم. ولی من یک شب بیشتر در آنجا نماندم و به قصد شام حرکت کردم و آن مقارن نیمه شعبان سال ۷۲۶ بود.

راه قاهره به شام

اشاره شد که ابن بطوطه به دلیل جنگی بودن منطقه دریا، در سواحل عیذاب، ناگزیر از بازگشت به قاهره و رفتن از راه خشکی به سمت شام شد. روشن است که سفر وی به این شهرها، تنها در مسیر حج نیست بلکه وی به دنبال دیدن آثار این شهرها و به خصوص ملاقات با مشایخ آنها است. با این حال، به تقریب در مسیر حج حرکت می‌کند. وی مینویسد:

«در این راه نخست به شهر «بلبیس» رسیدیم که شهری بزرگ است و باغهای زیاد دارد.

از آنجا به «صالحیه» رفتم و از آن پس، داخل ریگزار (بیابان) شده، منزلی مانند «سواده» و «راده» و «مطیلب» و «عریش» و «خروبه» را طی کردیم. در هر یک از این منازل، کاروانسرای است که آن را خان مینامند و مسافری با چارپایان خود در آن منزل میکنند. در بیرون هر خان چشمهای هست و دکانی که مسافری می‌تواند خود و مرکب‌های خود را از آن می‌خرند.

دیگر منازل معروف این راه «قطیا» است که مردم قطیه تلفظ میکنند. در این نقطه، از بازرگانان مالیات میگیرند. هیچ کس از مردم شام حق ندارد بدون اجازه حکومت مصر از این مرز عبور کند. همچنین کسانی که به سوی شام می‌روند، باید اجازه آن حکومت را ارائه دهند و این تدابیر به لحاظ حفظ اموال مردم و جلوگیری از فعالیت جاسوسان عراق (قلمرو حکومت سلطان ابوسعید بهادرخان) اتخاذ گردیده است. امنیت این راه بر عهده اعراب بادیه می‌باشد که چون شب فرا میرسد، از روی ریگها رد پاها را محو میکنند و امیر بامدادان خود برای معاینه محل می‌آید و اگر در روی ریگها رد پای ملاحظه شود، اعراب به تعقیب عامل آن می‌پردازند و به هر حال او را گیر آورده تسلیم امیر میکنند تا به مجازات برسد.» (۱/ ۵۰-۴۸)

آنگاه راه خود را دنبال کرده تا به شهر «غزه» که پس از مصر، اول بلاد شام است، رسیدیم. غزه شهری است وسیع و دارای عمارتهای بسیار و بازارهای خوب و مساجد متعدد و بارو و مسجد جامعی زیبا داشت ...

از غزه به «مدینه الخلیل» رفتم که شهری است به ظاهر کوچک و در معنی بزرگ و نورانی و زیبا و عجیب. این شهر در وسط درهای واقع گردیده است...» (۱/ ۵۱)

«از این شهر به سوی بیت المقدس روانه شدیم و در راه تربت حضرت یونس را زیارت کردم. این مقبره ساختمانی بزرگ و مسجدی هم دارد... آنگاه به شهر بیت المقدس رسیدم که در رتبت فضیلت بعد از مسجد الحرام و مسجد پیغمبر بر همه نقاط و اماکن متبرکه پیشی دارد...» (۱/ ۵۴).

از بیت المقدس به قصد دیدار عسقلان حرکت کردم. عسقلان اکنون بالمره خراب است و از آن ویرانه‌های بیش برجای نمانده است... در عسقلان مزار مشهوری است که سر امام حسین (ع) پیش از آن که به مصر فرستاده شود، در آنجا بوده است. این مزار عبارت است از مسجدی بزرگ و مرتفع که چاه آبی هم دارد. بنای مسجد چنانکه بر سر در آن نوشته شده است، به فرمان یکی از امرای عبدین (فاطمیان) صورت گرفته است (۱/ ۵۷).

از آنجا به شهر «رمله» رفتیم که همان فلسطین باشد. رمله شهری است بزرگ و کثیر الخیر که بازارهای خوب دارد....

ص: ۲۹

از آنجا به نابلس رفتیم. نابلس شهری است بزرگ دارای درختان بسیار و نه‌های فراوان که از حیث محصول زیتون، از پربرکت‌ترین بلاد شام محسوب می‌شود ...

از آنجا به شهر عجلون رفتیم و آن شهری است نیکو، دارای بازارهای زیادی و دژی مهم. نهر آبی گوارا از وسط آن جاری است. از این شهر به قصد لاذقیه به راه افتاده، از وادی غور، که در میان یک رشته تل واقع است، عبور کردیم. قبر ابو عبیده بن جراح در این محل است و ما آن را زیارت کردیم. (۵۸/۱).

از آنجا به شهر «صور» رفتیم. این شهر خود مخروطه است ولی در بیرون آن، قریه آبادی وجود دارد. بیشتر مردم آن رافضی (شیعه) هستند. روزی بر سر آبی رفتیم تا وضو سازم، یکی از اهالی آن قریه هم برای وضو آمد. نخست پاها را شست و سپس صورت را. مضمضه و استنشاق هم نکرد و آنگاه قسمتی از سرش را مسح کشید. من به این ترتیب وضو اعتراض کردم .. (۵۹/۱).

از آنجا به صیدا رفتیم. این شهر بر ساحل دریا قرار دارد و شهری قشنگ و پر میوه است ...

از آنجا به طبریه رفتیم. طبریه در گذشته شهر بزرگ و با عظمتی بوده و اکنون فقط آثاری از آن عظمت و بزرگی بر جای است. از آنجا به شهر بیروت رفتیم. بیروت شهری است کوچک، دارای بازارهای خوب و جامعی بسیار زیبا. اقسام میوه‌ها و آهن از این شهر به مصر می‌برند ... (۶۰/۱).

از بیروت به طرابلس رفتیم. این شهر یکی از مراکز پرجمعیت شامات است. چشمه‌سارها از همه سوی آن در جریان است و باغها و درختان سرسبز اطراف آن را فرا گرفته ...

از طرابلس به حصن الأکراد که شهرکی پر آب و درخت است رفتیم ...

از آنجا به شهر «حمص» رفتیم. حمص شهری است نمکین و دلنشین، دارای درختان سرسبز و جویبارهای فراوان و بازارهای گشاد ... اهالی حمص عرب و به فضل و کرم موصوفاند

سپس به حمات، که یکی از مراکز مهم شام و از زیباترین شهرهای آن است، رسیدیم. (۶۴/۱)

از آنجا به شهر «معره» که ابوالعلائی معری، شاعر و عده بسیار دیگر از شعرا به آن منسوب هستند، رفتیم. معره شهری است بزرگ و خوب و بیشتر درختهای انجیر و پسته دارد که محصول آن را به مصر و شام می‌برند ...

بعد از معره به شهر سرمین رسیدیم که باغهای فراوان دارد و بیشتر درختان آن زیتون است ... مردم این شهر نیز صحابه دهگانه را دشمن میدانند و سب و لعن میکنند. عجب آن که این مردم حتی از استعمال لفظ «ده» خود داری می‌نمایند و دلالتها که در بازار متاعی حراج میکنند، وقتی به عدد ده میرسند میگویند «نه و یک». و کلمه ده را بر زبان نمی‌رانند. روزی ترکی از آنجا میگذشت، دلالتی صدا می‌زد «نه و یک». ترک چماق برکشید و بر سر او کوفت و گفت: حالا بگو: ده!

این شهر مسجد جامعی دارد که نه گنبد برای آن ساخته‌اند و چون به مذهب، بدشان بر می‌خورد، مخصوصاً یکی را کم ساخته‌اند تا ده تمام نشود. (۶۵/۱)

از آنجا به شهر حلب رفتیم که شهری بزرگ و مرکزی مهم است. (۷۰-۶۵/۱) وی در این صفحات مطالبی در باره حلب مینویسد. از حلب به شهر «تیزین» رفتیم که در راه قنسرين واقع است. تیزین شهری است جدید البنا که ترکان آبادش کرده‌اند.

قنسرين شهری قدیمی و بزرگ بوده ولی اکنون فقط آثاری از آن برجای مانده است.

از قنسرين به انطاکیه رفتیم و آن شهری است عظیم و کهن

از انطاکیه به دژ غراس رفتیم که دژی است مستحکم و دارای کشتزارها و باغها ...

از بغراس به دژ قصیر رفتیم ...

از آنجا به شهر صهیون رفتم که شهری است نیکو، آبها روان و درختان سرسبز و قلعه خوبی دارد ... (۱ / ۷۱)

از آنجا به شهر لاذقیه رفتم که شهری است کهن بر ساحل دریا ... (۱ / ۷۹).

ص: ۳۰

از لاذقیه به دژ مرقب، که نظیر دژ کرک و از دژهای بزرگ است، رفتیم ...

از آنجا به سوی جبل الأقرع حرکت کردیم. اقرع بلندترین جبال شام و از طرف دریا که پیش روی، نخستین کوههای این ناحیه است ...

از آنجا نیز گذشته به کوههای لبنان که از سرسبزترین و خرمترین کوههای دنیاست رسیدم ... (۸۲ / ۱)

از کوهستان لبنان به شهر بعلبک رفتیم که شهری است نیکو و کهن و از بهترین شهرهای شام به شمار می‌آید ... در بعلبک یک نوع پارچه مخصوصی می‌بافند که پاره احرام بعلبکی هم از آن است ..

چون سخت مشتاق دیدار دمشق بودم، فردای آن روز، بعلبک را ترک گفتم و پنج شبه نهم رمضان سال ۷۲۶ به دمشق رسیدم و در مدرسه معروف مالکیان موسوم به الشرابشیه منزل کردم. دمشق بهترین و زیباترین شهرهای جهان است که ادای حق آن از قدرت وصف و بیان بیرون است ... (۸۳ / ۱)

این وصف تا صفحه ۱۱۱ به طول می‌انجامد.

حرکت در مسیر شام- مدینه

دراول شوال سال مزبور (۷۲۶) کاروان حجاز بهخارج دمشق رهسپار گردید و در قریه معروف «کسوه» فرود آمد. من نیز با کاروان حرکت کردم. امیر کاروان سیف‌الدین چوپان بود که یکی از امرای بزرگ به شمار می‌آید و قاضی آن شرف‌الدین اذرعی حورانی بود. در این سال صدرالدین غماری مدرس مالکیان نیز به حج می‌رفت. همسفران من طایفه‌های از اعراب بودند که عجارمه خوانده میشدند و امیرشان محمد بن رافع از اعظام امرا بود.

از کسوه به قریه بزرگ «صنیم» رفتیم و از آن پس به شهر کوچک زرعه، که از بلاد حوران است، رسیدیم و در نزدیکی شهر منزل کردیم و از آنجا به شهر کوچک بصری رفتیم. (۱۱۲ / ۱- ۱۱۱)

بُصری:

کاروان حج بهطور معمول چهار روز در بصری توقف میکند تا بقیه حاجیان هم برای کارهای خود، که در دمشق مانده‌اند برسند. بصری محلی است که حضرت رسول، در دورانیکه- قبل از بعثت- برای خدیجه تجارت میکرد به آنجا آمد و خوابگاه شتر آن حضرت در بصری هم اکنون شناخته شده است و مسجد بزرگی در آنجا ساخته‌اند.

اهل حوران در شهر بصری جمع میشوند و حجاج آذوقه و لوازم و مایحتاج خود را از این محل تهیه میکنند و از آنجا به بیرکه زیره می‌روند و یک روز در آنجا اقامت میکنند و سپس به لجون می‌روند. لجون آب روانی هم دارد. حصن کرک:

پس از لجون به «حصن کرک» میرسند که از عجیبترین و مستحکمترین و مشهورترین قلعه‌هاست و حصن الغراب هم خوانده میشود ... (۱۱۲ / ۱)

کاروان مدت چهار روز در خارج کرک در محلی موسوم به ثنیه توقف کرد تا خود را آماده ورود در صحرا گرداند. آخر حد شام «معان» بود که بعد از وصول بدان از طریق عقبه صوان وارد صحرا شدیم. در باره این صحرا گفته‌اند: هر کس در آنجا رود، راه خود را گم میکند و اگر بتواند جان به سلامت بدر برد چنان است که عمر دوباره یافته باشد.

پس از دو روز که راه رفتیم به ذات الحج رسیدیم و آن محل بایری است که آب زیرزمینی دارد

تبوک:

بعد از آن، به رودخانه بی آب بلح رسیدیم و از آنجا به «تبوک» رفتیم. تبوک سرزمینی است که محل وقوع یکی از غزوات پیغمبر

بود و در آن چشمه آب خردی وجود داشته که پیغمبر از آن وضو ساخته و به برکت وی آن آب فزونی گرفته و شیرین و گوارا گردیده است و هم اکنون نیز جریان دارد. حجاج شام چون به تبوک می‌رسند سلاح بر میگیرند و شمشیرها از نیام بر میکشند و حالت حمله و هجوم به خود می‌گیرند و درختان خرما را به شمشیر میزنند. چون معتقدند که پیغمبر به همین ترتیب وارد تبوک شده بود. کاروان بزرگ بر سر چشمه تبوک فرود می‌آیند و همه از آن سیراب میگردند. قافله حج چهار روز در آنجا استراحت میکند و شترها را آب می‌دهند و چون بین تبوک و العُلا، بادیه مخوفی در پیش هست، ذخیره آب نیز بر می‌دارند. سقاها اطراف چشمه را گرفته با آبدانهای، که از چرم گاومیش درست شده است، شترها را آب میدهند و ظرف و مشکهای قافله را پر میکنند. هر یک از امرا و بزرگان، آبدان مخصوصی دارند که شتران خود و کسان را از آن آب میدهند و مشکها را پر میکنند و سایر مردم نیز در مقابل پرداخت وجهی به سقاها شتران خود را آب میدهند و مشکها را پر میگردانند.

ص: ۳۱

قافله بعد از حرکت از تبوک، از خوف صحرا به تعجیل راه می‌رود. (۱۱۵/۱)

وادی اخضر در وسط این صحرا واقع شده که نعوذ بالله توگویی وادی جهنم است. در یکی از سالها باد سمومی که در اینجا میوزد مشقات و مصائب بزرگی برای حجاج بار آورد، ذخیره آب به پایان رسید و یک خوراک آب به هزار دینار خرید و فروش شد و سرانجام فروشنده و خریدار هر دو تلف شدند که داستان آن را روی سنگی در همین وادی نوشته‌اند.

بعد از طی این وادی، در برکه المعظم فرود می‌آیند که منسوب به الملك المعظم، از فرزندان ایوب است. در این برکه بعضی از سالها آب باران جمع می‌شود و در بعضی دیگر خشک و بی آب می‌باشد.

روز پنجم قافله به بئر الحجر می‌رسد. مقصود از حجر همان حجر ثمود است. چاهیکه در اینجا واقع است آب زیادی دارد، لیکن مردم با همه نیازمندی، از آب آن استفاده نمیکنند. چه، پیغمبر در غزوه تبوک بر سر آن چاه فرود نیامد و اجازه هم نداد که کسی از آب آن بخورد و کسانیکه با آن آب خمیر کرده بودند آنرا به شتران خوراندند. در این جایگاه دیار ثمود شروع میشود. این خانهها در کوهستانی واقع شده که از سنگهای سرخ رنگ تشکیل یافته و پلهکانهای پر نقش و نگاریکه بر آنها تراشیده‌اند چنان است که گویی تازه از زیر دست صنعتگر بیرون آمده باشد. استخوان‌های آن قوم، درون خانه‌هایشان پوسیده و مایه عبرت آیندگان گردیده است.

در این محل، بین دو کوه، خوابگاه ناقه صالح واقع شده و در آنجا مسجدی است که مردم در آن نماز می‌گزارند. بین حجر و العلا به قدر نصف روز یا کمتر فاصله می‌باشد. العلا ده بزرگ و نیکویی است که نخلستانها و آبهای جاری دارد. حجاج چهار روز در اینجا استراحت کرده لباسهای خود را می‌شویند و ما یحتاج خود را فراهم میکنند و هرچه اضافه بار دارند در این محل می‌گذارند و فقط به قدر کفایت از آن بر میدارند.

اهل این ده مردمان امینی هستند. تجار مسیحی شام، از اینجا قدم فراتر نمی‌گذارند و معاملات خود را با حجاج در همین محل انجام میدهند.

کاروان از العلا حرکت کرده، فردا به وادی عطاس می‌رسد که بسیار گرم می‌باشد و باد سموم کشندهای در آن میوزد. در یکی از سالیان، که به نام سال «امیر جالقی» معروف شده است، حجاج گرفتار شدت این باد گردیده و جز معدودی، همه تلف شدند. بعد از عطاس به «هدیه» می‌رسند. در این محل خاک را که حفر میکنند آب شوری در می‌آید.

روز سوم حرکت از العلا به خارج شهر مدینه منوره وارد می‌شوند. (۱۱۶/۱).

زین پس، ابن بطوطه به شرح آنچه که در مدینه و مکه سپری شده است می‌پردازد.

مکه به عراق از راه زبیده

ابن بطوطه مفصل از مکه و مسائل مختلف آن، به ویژه جنبه‌های دینی و آثار و بناها و نیز وضعیت سیاسی آن و نفوذ دولت ایلخانی در مکه سخن می‌گوید. مقصد بعدی وی مدینه است، اما وی این بار کاروان عراق را که از طرف سلطان ابوسعید خان بهادر ایلخانی اعزام شده همراهی میکند. قصد او آن است که پس از زیارت مدینه عازم عراق شود.

اطلاعاتیکه وی از کاروان و مسیر مکه به مدینه میدهد جالب است. گزارشی از آن را می‌آوریم. او می‌نویسد:

بیستم شهر ذی حجه در صحبت امیر قافله عراق پهلوان محمد حویج، که از اهالی موصل بود و پس از مرگ شهاب الدین قلندر امارت حجاج را بر عهده داشت از مکه حرکت کردم. (۱۷۹/۱)

امیر پهلوان برای من یک نیمه محمل تا بغداد کرایه کرد و کرایه را هم از خودش پرداخت و مرا در جوار خود پذیرفت. بعد از طواف وداع حرکت کرده به «بطن مر» رفتیم. همراهان ما عده بیشماری از مردم عراق و خراسان و فارس و ایرانیان بودند. زمین از

کثرت جمعیت موج میزد و گروه مردمان مانند توده‌های ابری که روی هم متراکم شده باشد، در حرکت بودند و ازدحام به حدی بود که هرکس از قافله کنار می‌رفت و علامتی با خود نداشت در مراجعت گم میشد.

در این قافله عده‌های شتر برای حمل آب به مسافری بی بضاعت تخصیص داده شده بود. همچنین مقداری خواربار به وسیله شتر برای احسان به بینوایان حمل می‌شد و دارو و مشروبات و شکر برای بیماران مهیا بود.

در هر منزل که قافله توقف میکرد، در دیگهای مسی بزرگیکه دسوت می‌نامیدند، غذا میپختند و درماندگان و مسافری بیتوشه را اطعام میکردند و یک دسته شتر، مخصوص حمل کسانی بود که از راه درمانده بودند و همه این وسایل از طرف سلطان ابوسعید تأمین شده بود.

همراه قافله، بازارهای معتبر و وسایل لازم و انواع اطعمه و میوه‌های موجود بود. هنگام شب راه میرفتند و پیشاپیش قطار محملها، مشعلها بر میافروختند چنان که شب مبدل به روز میگشت و زمین پر از نور و روشنایی میشد.

ص: ۳۲

از «بطن مر» به «عسفان» و از آنجا به «خلیص» رفتیم. از خلیص چهار منزل آن طرفتر «وادی السمک» نام شد و پنج منزل دیگر به «بدر» رسیدیم. این راه را دو منزل در یک روز طی میکنند و منزل دوم شب پیموده میشود. بعد از بدر به منزل «صفرا» رسیدیم و در آنجا یک روز استراحت کردیم. از صفرا تا شهر مدینه سه روز راه است. در مدینه توفیق زیارت پیغمبر برای دومین بار نصیب شد و شش روز در آن شهر توقف کردیم و به اندازه ذخیره سه روز آب برداشته حرکت کردیم.

راه حجاز- بغداد

ابن بطوطه پس از شش روز توقف در مدینه حرکت کرده و سه روز بعد در «وادی العروس» توقف کرده «از چاههای کم عمقیکه حفر میکنند آب گوارایی» بر میدارد و پس از آن که ذخیره آب خود را تجدید میکند «وارد سرزمین نجد» میشوند. وی مینویسد:

نجد سرزمین پهناوری است که تا چشم کار می کند گسترده است. پس از تجدید نفس از نسیم جانفزای نجد چهار منزل که پیمودیم بر سر آبی معروف به «عسیله» رسیدیم و بعد از آن آب دیگری بود به نام «نقره» که آثار حوض های بزرگی در کنار آن دیده می شد و سپس به «قاروره» رسیدیم که حوض هایی مملو از آب باران داشت و این آبدانها را زبیده دختر جعفر بنا کرده است. این محل در وسط سرزمین نجد واقع شده و بسیار دلگشا و دارای نسیم ملایم و زمین خوبی است و هوای آن همه فصول معتدل میباشد.

از آنجا به «حاجر» رفتیم. آبدانهایی در این محل وجود دارد که برخی از آنها خشکیده و به جای آنها چاههای بزرگی حفر کردهاند.

بعد از آن به «سمیره» رسیدیم که زمینی گود میباشد که در محوطه وسیعی واقع شده و قلعه مانند جایی دارد. در سمیره آب چاه فراوان است اما طعم آن تلخ میباشد. قبایل عرب گوسفند و روغن و شیر به این محل آورده، در مقابل پارچه خام به حجاج میفروشند و غیر از پارچه خام با جنس دیگر معامله نمیکند.

از سمیره به «جبل المخروق» رفتیم. جبل در بیابانی واقع شده و قسمت بالای آن را باد از هم شکافته است.

از آنجا به «وادی الکروش» رفتیم. آب در این محل نبود و ما شب را راه پیموده بامدادان به دژ «فید» رسیدیم. این قلعه بزرگ در زمین مسطحی واقع شده و بارویی هم دارد. اطراف این قلعه محلهای است که اعراب در آن سکونت دارند. گذران این جماعت از معامله با حجاج است. حاجیان عراق که به مکه می روند، قسمتی از زاد و راحله خود را، تا هنگام مراجعت در این محل میگذارند. دژ فید در وسط راه بغداد- مکه واقع شده و از آنجا تا کوفه دوازده روز راه است که از میان بیابان عبور میکند و در هر یک از منازل آن، آبدانهایی برای تأمین آب مشروب مسافرین موجود است. کاروانیان معمولاً در این محل با تجهیزات و احتیاط کامل حرکت میکنند تا اعراب به فکر دستبرد و غارت نیفتند. (۱/ ۱۸۱).

در این نقطه با امیر فیاض و امیر حیار پسران امیر مهنا ملاقات کردیم. عده زیادی از اعراب چادر نشین سواره و پیاده با آنان بودند و ایشان حفظ و حمایت قافله را به عهده گرفتند. اهل قافله در این محل هرچه میتوانند از شتر و گوسفند که اعراب برای فروش عرضه میکردند خریداری کردند.

از فید حرکت کرده به محلیکه به نام اجفر نامیده میشود رسیدیم. این محل به نام دو عاشق معروف جمیل و بشینه میباشد. شب را از راه بیابان حرکت کرده به زرود رفتیم. زرود زمین پهناور شنزاری است و خانههای کوچکی دارد که گرداگرد آن را مانند قلعه فرا گرفتهاند. در این محل چاههای آب وجود دارد اما آب آن خوشگوار نیست.

بعد از زرود به ثعلیه رسیدیم که قلعههای خراب دارد و روبهروی آن آب انبار بزرگی است که به وسیله پله به آن میروند. آب این انبار

از ذخیره باران فراهم میشود.

در اینجا گروه زیادی از اعراب برای فروش گوسفند و اشتر و روغن و شیر جمع می‌آیند. از ثعلبیه تا کوفه سه روز راه است. منزل نخست برکه المرجوم نام دارد. در این جایگاه تلّ بزرگی از سنگ فراهم شده و هرکس از آنجا رد شود سنگی بر روی آن می‌افکند. میگویند مرجوم مردی رافضی مذهب بوده و با قافل‌های به حج می‌رفته و در اینجا بین او و ترک‌های سنی مذهب مشاجره‌های به وقوع پیوسته و آن رافضی یکی از صحابه پیغمبر را دشنام داده و سنیان به سزای این عمل او را سنگسار کرده‌اند.

در برکه المرجوم خانه‌های زیادی هست که اعراب در آن سکونت دارند و آنان برای فروش روغن و شیر و غیره، تا نزدیکی کاروان می‌آیند. برکه آب انبار بزرگی دارد که زبیده آن را بنا کرده و کفایت ما یحتاج کاروانیان را میکند. در این راه مکه تا بغداد هر کجا که برکه یا چاه آبی پیدا شود از برکت زبیده و آثار خیر اوست و اگر عنایت او به این امر مهم نبود، مسافرت از این راه ممکن نمیشد. (۱/۱۸۲).

بعد از برکه، به مشقوق رسیدیم. در این محل دو آب انبار با آب صاف خوشگوار وجود داشت. اهل قافله آبی را که از پیش داشتند فرو ریخته از این آب با خود برداشتند.

ص: ۳۳

منزل بعد، تندنیر نام داشت که آن نیز دارای آب انبارهای مملو از آب بود. شب را به راه ادامه دادیم و چاشتگاه در زباله بودیم که قریه آبادانی است و عربها در این محل قصری ساخته‌اند. زباله دارای دو آب انبار و چاههای متعدد است و از منازل پر آب این راه به شمار می رود.

پس از زباله به «هیشمین» رسیدیم که آن هم دو آب انبار دارد و از آنجا حرکت کرده، پای به گردنه معروف به عقبه الشیطان فرود آمدیم و روز دوم از گردنه بالا رفتیم. تنها گذرگاه سخت این راه همین گردنه می باشد که آن هم زیاد طولانی و مشکل نیست. منزل دیگر، «واقصه» نام داشت که قصری بزرگ و آب انبارهای خوب در آن بود. واقصه آخرین منزل این راه است که آب دارد. از آنجا تا کوفه جز شاخههایی از فرات که از آن رودخانه جدا شده، آبی پیدا نمی شود. بیشتر مردمان کوفه برای تهنیت و چشم روشنی در همین محل، به پیشواز حاجیان می‌آیند و با خود آرد و نان و خرما و میوه می‌آورند.

بعد از واقصه به «لوره» رسیدیم که آب انبار بزرگی دارد و پس از آن به مساجد، که سه آب انبار دارد و سپس به محلی معروف به «مناره القرون» رسیدیم. این مناره بسیار بلند و در وسط بیابان واقع شده و اطراف آن را با شاخهای آهو تزئین کرده‌اند و دور و بر آن اثری از آبادی نیست.

بعد از مناره به وادی عذیب رسیدیم که محلی پربرکت و حاصلخیز و آباد است و اطراف آن را فلاتی حاصلخیز و خوش منظر فرا گرفته است.

منزل دیگر قادسیه بود که جنگ مشهور اسلام و مجوس در آن واقع شد و این جنگ منجر به پیروزی قطعی مسلمین و ذلت و زبونی آتش پرستان گردید که دیگر بعد از آن نتوانستند قد علم کنند. (۱/۱۸۳).

ابن بطوطه اینجا به عراق رسیده و نخستین شهری که زیارت کرده، شهر نجف است که گزارش آن را آورده و سپس از دیگر شهرهای عراق سخن گفته است.

سفر دوم به مکه و حج دوم و سوم و چهارم

ابن بطوطه از نجف عازم بصره شده، از آنجا به آبادان و شوشتر و ایذه و اصفهان و شیراز رفته باز به عراق باز میگردد. این باره، از کوفه و کربلا و بغداد دیدن کرده و سپس بهموصل و نصیبین و سنجار ماردین میرود و سپس به بغداد باز میگردد (۱/۲۶۱). وی می نویسد:

چون به بغداد رسیدیم، حاجیان آماده حرکت بودند. من پیش خواجه رفتم و از او خواستم که سفارش سلطان ابوسعید را در باره من به کار بندد و او یک نیمه محمل به من تخصیص داد و توشه راه به اندازه آب و خوراک چهارتن در اختیار من گذاشت و فرمانی نیز به دست من داد و به پهلوان محمد حویج، که امیر قافله بود، سفارش مرا کرد.

ابن بطوطه در اینجا شرح راه را نمی دهد. وی از راه عراق به مکه رفته و تنها اشاره به بیماری اسهال خود میکند که تا مکه ادامه داشته و تنها وقتی به منی رفته‌اند خوب شده است. او تمام سال را مانده و حج دیگری را هم در مکه بوده است. ابن بطوطه می نویسد:

آن سال را پس از گذراندن موسم حج در مکه ماندم ... در مدرسه مظفریه منزل داشتم و بیماریام بهکلی از میان برخسته، حالم بسیار خوش بود و تمام اوقاتم را به طواف و عبادت و عمره میگذرانیدم. در اثنای آن سال، حجاج مصر علیا به شهر مکه رسیدند ... در نیمه شهر ذی قعدة امیر سیف الدین یلملک به اتفاق جمعی از همشهریان من (اهالی طنجه) به مکه رسیدند. (۱/۲۶۲)

ابن بطوطه میگوید وقوف در عرفات در این سال؛ یعنی سال ۷۲۸، روز جمعه بود. سال ۷۲۹ را هم در مکه بوده است. او می نویسد: در این سال احمد بن رمیثه و مبارک بن عطیفة به اتفاق امیر محمد حویج و شیخزاده حرباوی و شیخ دانیال از عراق به مکه آمدند و

از جانب سلطان ابوسعید صدقات فراوان بین مجاورین و اهل مکه تقسیم کردند و هم در این سال بود که نام ابوسعید پس از نام الملک الناصر در خطبه ذکر شد و بر فراز قبه زمزم برای او دعا کردند و پس از نام او، از سلطان یمن «الملک المجاهد نورالدین» هم نام بردند. لیکن امیر عطیفه با این امر موافقت نداشت و توسط منصور، برادر خود، به الملک الناصر خبر فرستاد. وقوف سال ۷۲۹، روز سه شنبه بود و من سال ۷۳۰ را هم در مکه ماندم. در موسم حج آن سال بین امیر عطیفه و ایدمور ناصری امیر جاندار فتنهای برخاست. (۱/ ۲۶۴-۲۶۳)

وی بعد از حج، راه دریایی را انتخاب کرده، عازم یمن میشود. بنابراین، به جدّه آمده و از آنجا سوار نوعی کشتی به نام «جلبه» شده و در دریای سرخ به راه خود ادامه می دهد. او در این مورد مینویسد:

این کشتی از آن رشید الدین الفی عینی بود که اصلش از حبشه است. شریف منصور پسر ابی نمی هم در کشتی دیگری مسافرت میکرد و بسیار مایل بود که من با او باشم لیکن چون در کشتی او تعدادی شتر هم بود من ترسیدم و نرفتم. چه، من تا آن زمان مسافرت دریا نکرده بودم. (۱/ ۲۶۶).

ازین پس اقامت او در یمن است و گزارش تفصیلی در باره آن ناحیه ارائه کرده است. از آنجا عازم عدن و صنعا و سپس عمان شده و با پادشاه هرمز دیدار میکند. به جزیره کیش میرود و بحرین و قطیف و احساء و یمامه را پشت سر میگذارد.

ص: ۳۴

حج پنجم

در قطیف شیعیان را میبند و اینگونه به توصیف آنان می پردازد:

از بحرین به قطیف رفتیم. قطیف شهری است بزرگ و نیکو و دارای نخلهای فراوان، طوایفی از اعراب در آن سکونت دارند که جزو شیعیان و غلات می باشند و در این باره تقیه ندارند بلکه تظاهر هم میکنند چندانکه مؤذن در اذان خود بعد از شهادتین «أشهد أن علیاً ولی الله» و بعد از «حیّ علی الصلاة» و «حیّ علی الفلاح»، «حیّ علی خیر العمل» میگوید و بعد از تکبیر آخر، اضافه میکند: «محمد و علی خیر البشر، من خالفهما فقد کفر». (۱/ ۳۰۸).

وی از بحرین به «هجر» و از آنجا به «یمامه» میرود که هجر نامیده میشود و شهری است نیکو و پر نعمت و آب و درخت؛ طوایفی از عرب که بیشتر از بنیحنیفه از روزگار قدیم در این ناحیه سکونت ورزیده‌اند و امیر آنان طفیل بن غانم نام دارد. از یمامه همراه امیر طفیل به قصد زیارت خانه خدا رهسپار گشتیم و سال ۷۳۲ بود که به مکه تشرّف جستیم. آن سال را الملک الناصر، پادشاه مصر هم با گروهی از امرا به زیارت آمده بود و این آخرین حج «الملک الناصر» بود که احسان فراوان در حق اهالی مکه و مدینه و مجاوران آن دو شهر کرد. (۱/ ۳۰۹).

این پنجمین حج ابن بطوطه بود.

سفر دیگر به مکه در سال ۷۴۹

وی بیست سال پیش از سفر اخیرش - زمانی که به هند رفت و در آنجا مدت‌ها اقامت گزید و در بازگشت به سمت ایران آمد و از شیراز و اصفهان دیدن کرد و به بغداد و از آنجا به شام رفت. در شام بوده و زن حامله خود را در آنجا تنها گذاشته بود. وقتی در این سفر (۷۴۹) به دمشق وارد شد، سراغ پسرش را گرفت، اما معلوم شد که دوازده سال پیش از آن، در گذشته است. (ص ۷۶۳). ابن بطوطه از شام عازم مصر شده، به قاهره می رود. در آنجا میشوند که قاضی القضاة عزالدین، با قافله بزرگی برای عمره رجبیه به مکه رفته است. وی از قاهره از راه مصر علیا به عیذاب رفته و از آنجا سوار کشتی شده به جدّه می رود. وی در ۲۲ شعبان سال ۷۴۹ وارد مکه می شود. او مینویسد:

بعد از برگزاری موسم حج، همراه قافله شام به مدینه رفتیم و قبر مطهر پیغمبر را زیارت کردم و در مسجد متبرک وی نماز خواندم و قبور اصحاب پیغمبر را در بقیع زیارت کردم و از مشایخ مدینه با ابومحمد بن فرحون ملاقات کردم. از مدینه به علا و تبوک رفتیم و از آنجا از راه بیت المقدس، مدینه الخلیل غزه و از طریق رمله، که پیشتر یاد کردیم به قاهره رسیدیم پس در کشتی کوچکی که از آن یکی از اهالی تونس بود برنشستیم و در صفر سال ۵۰ به راه افتادم و به جزیره جربه آمدم ... به وسیله کشتی کوچکی به قابس رفتیم ... سپس سوار کشتی شده، به سفاقس و از آنجا به بلیانه رفتیم و آنگاه از راه خشکی به اتفاق اعراب حرکت کردم و پس از تحمل زحمات فراوان به تونس رسیدم و آن در محاصره اعراب بود.

از آنجا به فاس و بعداً برای شرکت در جنگ بر ضدّ کفار اسپانیا به اندلس می‌رود. (ص ۷۷۷)

راه حج حلب تا مکه مکرمه در دوره ممالیک، بر اساس ارجوزه ابن جابر اندلسی (قرن هشتم هجری)

راه حج حلب تا مکه مکرمه در دوره ممالیک، بر اساس ارجوزه ابن جابر اندلسی (قرن هشتم هجری) (۱)

ابو جعفر اصفهانی

حلب در شمال شرق دمشق، محلی است که در ایام حج، کاروانهای زیادی از آن عبور میکردند. بسیاری از ایرانیان، که از راه فرات به حج می‌رفتند، مسیر شمال عراق را طی کرده، به حلب میرسیدند و از آنجا همراه دیگر حجاج، به شام آمده و با کاروان شام به حج میرفتند. در باره راه فرات، در جای دیگر توضیح داده‌ایم.

شاعری به نام شمس الدین محمد بن احمد، علی بن جابر اندلسی، که در سال ۶۹۸ ق / ۱۲۹۹ م به دنیا آمد و از سال ۷۴۳ در حلب مقیم شد، از این مسیر به حج آمد و ارجوزه‌ای به شعر، در وصف این راه تا مدینه منوره سرود. وی در سال ۷۸۰ درگذشت. طبیعی است بخشی از راه، که راه شام تا مدینه است، در بسیاری از گزارشها توصیف گردیده، اما با این حال، به اختصار گزارش این شاعر را با برخی از نکات آن می‌آوریم. مهم آن است که وی بارها از حلب به حج مشرف شده و بنا بر این، اطلاعات وافیه و کافی در باره مسیر حج داشته است.

وی در این قصیده بلند خود، منازل حجاج را از آغاز تا مکه مکرمه بیان کرده است. «بیره» نخستین منزل پیش از حلب است که وی مدتی در آنجا مستقر میشود.

این شعر بیانگر راه حج، از دهه شصت یا هفتاد قرن هشتم هجری است؛ دوره‌های که ممالیک در اوج شکوه و عظمت تمدنی خود بودند. به همین ترتیب امر حج هم به خوبی و با امنیت کامل برگزار می‌شد.

وی در مرحله نخست، از بیره تا حلب را بحث کرده و سپس از اجتماع حجاج در حلب و آماده شدن برای حرکت گزارش میکند. او هفده روز در حلب بوده و این نشان میدهد که تا چه مقدار برای مقدمات کار، تمهیدات اندیشیده میشده است.

اما مسیر کوتاه اول، که از بیره به حلب بوده است. وی در نخستین گام از وداع یاران سخن گفته و عبور از فرات و اجتماع مردم در حاشیه آن، که برای بدرقه زائران جمع شده بودند. به مناسبت، وصفی از فرات به دست داده است.

حرکت، در آخرین روزهای ماه شعبان.

منزل بعدی در کنار نهر ساجور بوده که زیبایی خیره کننده‌ای داشته و نگاه به آن بسیار سرور آفرین بوده است.

و کان علی الساجور بعد مبیننا

فله ما أبهی و أبهجه نهرا

منزل بعدی مدینه‌الالباب است که کاروان اندکی در آنجا استراحت کرده و سپس به سوی حلب به راه می‌افتد.

در این وقت به حلب می‌رسد و از خاطرات گذشته خود، که در آنجا بوده، یاد می‌کند؛ خاطراتی که به هیچ روی نمیتواند آنها را به فراموشی بسپارد.

پس از اقامت هفده روزه در حلب، کاروان حرکت کرده، به سمت حماه می‌رود. فاصله راه حلب تا حماه سه روز به طول می‌انجامد. وی در راه، باغات و نهرهای زیبایی می‌بیند و به وصف فضای سبز اطراف آن می‌پردازد.

۱- این اثر تاکنون به چاپ نرسیده و بر اساس دو نسخه خطی، دکتر فوزی الهیب گزارشی در مجله مرکز الدراسات المدینه المنوره نوشته که آنچه در اینجا آمده خلاصه آن است.

ص: ۳۶

منازل بعدی، شهرهای رستن، حمص و قاره است. وی ضمن بیان منازل، گاه به بیان حالات مسافران هم می پردازد. چون وی ابزاریکه برای بیان برگزیده، شعر است، طبیعی است محدودیتهایی دارد. احساس عمومی همه زائران آن است که هرچه به اماکن مقدس نزدیکتر میشوند، بر شوق وصولشان میافزاید.

این کاروان در اول شوال به دمشق میرسد؛ جاییکه او آنرا بهشت دنیا میخواند و دار الغنی. این روز، روز عید بوده و این بر شوق او در بیان اشعار افزوده است.

إلی أن نظرنا من دمشق لبلدہ
غدث جنہ الدنيا فأكرم بها قطرا
ذلک يوم العید والدهر کله
لساکنها عید فیا حسنہ دہرا
ولکنها أرض الغنی ودائرة
ولا عیش فیها للذی یجد الفقرا

روز سوم شوال، کاروان شام که اکنون کاروان حجاج حلب هم به آن پیوسته، حرکت میکند. اما یکبارہ چنان و چندان باران میگیرد که به اجبار کاروان در قریه محجه توقف میکند و به انتظار توقف باران مینشیند. مسیر حرکت از دمشق به سمت حوران است.

کاروان یک روز راه می رود تا به شهر زُرَع میرسد و پس از استراحت اندکی حرکت کرده، به خلیف میرود. این مسیر ادامه مییابد تا به بصری میرسد.

بُصری مانند دیگر منازل نیست، منزلی است که رسول خدا (ص) در کودکی به همراه عمویش ابوطالب در آنجا توقف داشته است. این امر سبب شده است تا شاعر احساس خاصی داشته باشد و در آنجا احساس انس و الفت کند. به مناسبت و البته به اشارت، اخباری را که در کتابهای سیره در این باره آمده است و از جمله داستان بحیرا، دارد.

منزل بعدی ثنیه و سپس زُرَقاء است. فجر که طلوع میکند، آنان نماز را در سمنان میخوانند و از آنجا به «زیزا» میروند که محل استراحت کاروانهای حج است. اینجا در واقع محل اتراق بوده و سه روز در آنجا اقامت میکنند.

منزل بعدی «حساء» نزدیک «مؤته» است و بعد از (... روز راه رفتن به معان می رسند. اینجا هم محل اتراق است و سه روز می مانند.

در روز بعد، کاروان به «صوان» می رسد و بیابانی را با سرابهای طولانی پیشرو دارد. اینجا به جای امواج آب، کاروان با امواجی از سراب روبهروست.

پس از آن که کاروان سه روز راه از معان دور میشود، در اول ذی قعدة به «ذات حج» می رسد. کاروان راهش را ادامه می دهد تا آن که به تبوک می رسد. اینجا است که چشم کاروانیان به نخلستانهای سرسبز آنجا می افتد و از آب مبارک آن بهره مند میشود. شاعر در اینجا، از آبیکه برابر رسول خدا (ص) از زمین جوشید یاد میکند. قافله دو شب در تبوک اقامت میکند.

در ششم ذی قعدة، کاروان حج، به وادی اخیضر می رسد. روز بعد، به ماءالصفافی و بعد از آن، به ماء المعظم. کاروان در «ماء الجنیب» شب را به صبح میرود و پیش از فجر، به «ثمد الروم» میرسد. اکنون ظهر روز نهم ذی قعدة است.

صبح روز دهم به «مبارک الناق» میرسند و ظهر آن روز به «حجر»، سرزمین ثمود رسیده، با سرعت از آنجا میگذرند؛ زیرا سرزمینی است که عذاب الهی در آن فرود آمده است. بعد از غروب از «علا» هم میگذرند و بدین ترتیب از این سرزمین ملعون خلاصی

میابند.

کاروان پس از سه روز استراحت، حرکت کرده، در روز پانزدهم ذی قعدة به «ماء شعب» میرسند که آب نیکویی دارد. آنان شترانشان را در آنجا سیراب میکنند.

در روز شانزدهم، در وادی هُدیه خیمه زدند، اما به سرعت جمع و جور شده، حرکت کردند. صبح روز بعد، از جاییکه زمین آن از سنگهای سیاه بود، گذشتند؛ سنگهاییکه برای شتران بسیار بد بود و خون از پاهای آنها به راه افتاد. آنان رفتند تا آنکه در فحلتین مانده شب را به صبح رساندند. در ادامه، به وادی القری رسیدند. اینجا بود که نسیم حجاز را حس کردند و شوق و ذوقی در قلب هایشان پدید آمد. آنان روز بیستم ذی قعدة را در آنجا سپری کردند. از آب آنجا بهره بردند و مسیر را ادامه داده به شهر البتراء رسیدند.

ص: ۳۷

هرچه کاروان به مدینه نزدیکتر میشد، بر تپش قلبهای آنان افزوده شده و شوق آنان زیاد می گردید. زائران در فکر گناهان خود بودند و با خود سخن میگفتند. آنان در میان خوف و رجا بودند، اما به امید رحمت الهی، امید آنان بر یأسشان غلبه می کرد و فریادهای شوق سر میدادند. باقی مانده شب را حرکت کرده و همچنان تسبیح میگفتند. در همین مسیر بود که به گردنهای رسیدند و از آن که برآمدند، در نور صبحگاهان، چشمشان به باغات و نخلستانها افتاد. در این وقت، اشک از چشمان شاعر و دیگر زائران جاری میشود.

اکنون کاروان به مدینه رسیده است. کاروان به مسجد نبوی رفته و نوری که از حجره نبوی تلالؤ دارد، چشمان آنان را خیره میکند. اکنون ایمان در قلوب آنان به حرکت در میآید، توبهشان پذیرفته میشود. آنان برابر رسول الله میایستند و سلام می دهند و در روضه به نماز میایستند.

سپس بهبقیع میروند و قبور اصحاب و عباس و فاطمه زهرا و حسن: را زیارت میکنند. به احد میروند و قبر حمزه سید الشهداء و دیگر مساجد مدینه؛ از جمله مسجد قبا را زیارت میکنند. از برخی از چاه های مدینه که منسوب به رسول الله است، آب مینوشند. کاروان شام و حلب چندان در مدینه توقف نمیکند چون دلشوره اعمال حج را دارند. باقی مانده زیارت را برای بازگشت میگذارند.

زائران از مدینه راهی «ذی الخلیفه» شده محرم میشوند. سپس عازم «روحاء» شده از آنجا به «وادی غزاله» میروند. وی حکایتی را در باره وجه نامگذاری این وادی نقل میکند که مربوط به صید غزالی است که پناه به رسول الله برد تا آزاد شده، برود بچه هایش را شیر بدهد و برگردد و رفت و برگشت و به عهدش وفا کرد. صیاد هم ایمان آورد و او را رها کرد.

کاروان سپس به سمت «وادی صفراء» رفت تا آنکه به بدر می رسد. مسافران در «عدوة الدنيا» فرود میآیند، جایکه رسول الله و اصحابش فرود آمدند. آنان از جنگ بدر یاد کردند، جایی که ملائکه به کمک اصحاب شتافتند.

آنان شب را در بدر میمانند و سپس از چندین منزل عبور میکنند که عبارتاند از: بطن خبت، ودان، رابغ. اینجا جایی است که هلال ماه ذی حجه را رؤیت میکنند. سپس به «بیادر» می روند و صبحگاهان از «ذات السویق» یا «قرقره الکدر» عبور کرده، به «خُلَیص» میروند و شب را در «ظهر المدرج» استراحت میکنند. سپس به صبحگاهان به «عسفان» رسیده عصر به «المنحنی» می رسند.

صبح روز بعد، در باغستان «ابی عروه» هستند و آنجا استراحت اندکی کرده، از شوق رسیدن به مکه به سرعت حرکت میکنند.

فلما تعرّی الصّیْح عن ثوب لیلِه

إلی أن قطعنا رمل عالی الذی

وفی بطن خبت قد نزلنا وفی الدجی

وبتنا علی ودان ثم برابع

فسرنا وبتنا بالبیادر واغتدوا

وجاؤوا خُلَیصاً فارتقوا وتعجّلوا

فباتوا علی ظهر المدرّج واغتدوا

وما صَبّحوا إلا أبا عروه الذی

وبعد زوال الشمس ساروا وشوقهم

فباتوا علی أدنی المساجد منهم

رحلنا وعقدُ الشهب یبیدی لنا نثرا

تَظَلُّ القَطَا فِي قَطْعِ كِتَابِهِ حَيْثُ
سَرَوَا وَحُرُوفِ الْعَيْسِ قَدْ كَتَبَتْ سَطْرًا
فَلَاخَ هَلَالِ الشَّهْرِ لِلنَّاسِ وَافْتَرَا
فَجَاذُوا عَلَيَّ ذَاتَ السُّوَيْقِ بِنَاظِرًا

ص: ۳۸

إلى بلد ثقل الخطايا به يُدرا
 بعُسفانَ ثم المنحني نزلوا عصرا
 ترى العين من جناته كل ما سراً
 يحثهم قد شبّ وسط الحشا جمرا
 وقد نش — قوا من طيب أم القرى عطرا
 در این وقت است که طلوع خورشید را در مکه نظاره‌گر هستند و قلبهایشان سرشار از نشاط و شور است. این ادامه مییابد تا آنکه چشمشان به کعبه میافتد.

شاعر در اینجا از ورود به مسجد الحرام و طواف کعبه و نماز کنار مقام ابراهیم و سعی صفا و مروه و ورود به حجر و دعا در کنار ملتزم و اشک ریختن و گرفتن پرده کعبه و دعا کردن زیر ناودان و در نهایت خوردن از آب زمزم یاد میکند.

وإذ صعدوا فوق الثبئة أشرفوا
 ولما دنوا من كعبة الله أبصروا
 فمالوا إلى الركن الشريف وقبلوا
 فطافوا وختماً بالمقام ترکعوا
 ومُلتزم البيت المکرّم لازموا
 وقاموا لدى الميزاب يدعون ربهم
 إلیان وفوا بالسبع حتيا ذا انتھوا
 ومن زمزم العذب المذاق تذلّعوا
 وما ماؤه إلا لما قد شرّبته
 طعاماً لمحتاج وماءً لذی ظما
 علی صرة الدنيا لمن فهم السرا
 بدائع حسن تُخجل الكاعب البکرا
 كما قبل مشتاق من کاعب ثغرا
 وفازوا بأمن بعدما دخلوا الحجر
 وإن علقوا بالستر كان لهم ستر
 وفوق الصفا والوا لربهم الذکرا
 لمرّوتهم کزوا لنحو الصفا کرا
 فما رجعوا إلا وقد شفوا الصدرا
 فسلّ عنده ماشئت من نعم تتری
 وبزء لذی سقم فکم ألم أبرا

ص: ۳۹

اکنون زائران می توانند با آرامش در این ارض اقدس بخوابند. شاعر در اینجا به بیان مناسک حج در منا و عرفات و مزدلفه و جمرات پرداخته و شرحی از شعائر حج ارائه میکند:

«این ارجوزه یکی از کهنترین ارجوزههایی است که در وصف راه حج سروده شده است. کهنتر از این، ارجوزه‌های است در همین موضوع از احمد بن عیسی رداعی یمنی (م ۲۴۷) که به نام ارجوزه الحج نامیده شده و در وصف راه حج از طریق یمن به مکه است. مطلع آن چنین است: (صفه جزیره العرب، ص ۲۳۵)

اول ما أبدأ من مقالی

فالحمد للمنعم ذی الجلالی

در باره سفرنامه‌های که بتواند مسیر حج را از حلب به بیت الله الحرام نشان دهد می توان از «رحله الوحیدی من حلب إلى البیت الحرام» که متعلق به حجاج بن قاسم وحیدی پزشک است، استفاده کرد، که سفرش را از سوق الجمال، زیر قلّه حلب آغاز کرده و تا مکه ادامه میدهد. (بنگرید: عروق الذهب فیما کتب عن حلب، ص ۶۶).

ص: ۴۰

کبوتر حجاز

آن شب زمین شکست و سراسر نیاز شد
در زیر پای مرد خدا جانماز شد
کعبه خودش میان جماعت به صف نشست
آمد امام قبله و وقت نماز شد
دریاچه‌های آتش نمرود خشک شد
باران گرفت و خاک زمین دلنواز شد
کم کم نگاه رود به دریا رسیده بود
چون پستی و بلندی دنیا تراز شد
هر جا که بود لات و هیل لال می نمود
وقتی زبان معجزه نور، باز شد
آینه‌ای که قد خدا ایستاده بود
پا بر زمین نهاد و زمین سر فراز شد
دیگر خدا برای زمین نامه می نوشت
با آن کبوتری که رسول حجاز شد

ص: ۴۱

رحمان نوازی

نام جاودان

بر فراز غرور گلدسته، نام او نام جاودانِ هنوز
 از پسِ قرن‌های سر به فلکِ اوست سرمایه اذانِ هنوز
 ناز پرورد خلوت ملکوت، فاتح سبز قله معراج
 اوست تنها بشارت دم صبح به شب تار مومنانِ هنوز
 شمع‌نه! ... نام سردو تاریکی ست به تو که در تمام قدمت خاک
 پرده‌بردار هرچه شب بودی ... آفتابی در آسمانِ هنوز
 کهکشانشان‌ها صحابیان تواند، ابرها سخت سایبان تواند
 کفر حتی امان گرفته توست تا همین قرن بی‌امانِ هنوز
 تو حدیث تواتر نوری، سوره بی‌دریغ انگوری
 با تو تأویل آیه‌ها سهل است، نزد ایمان نیمه جان هنوز
 باش تا تیرگی جریمه شود، ماه از هیبت‌ات دو نیمه شود
 آخر راه با تو نزدیک است ... شب چراغ نرفتگان هنوز!
 از تو دل‌ها به عشق مجبورند، قوم تردید زنده در گورند
 رحمت از زمانه دور مباد آخرین وحی مهربان هنوز!

سودابه مهیجی

سؤال

چه بگویم از تو محمد؟

مگر از تبار بلالم؟

من خوار و از تو سرودن؟!

چه کنم که پیش تو لالم

تو پیامدار محبت

تو پیامدار همیشه

تو پیام سبز رسیدن

و منم که میوه کالم

پر از التماس و نیازم

که دوباره دست بگیری

ص: ۴۲

تو بزرگ کشتی نوحی

و منم که غرق زوالم

تو نماد سبز عروجی

پر و بال تو ابدیت

منم آن کبوتر زخمی

که هنوز بی پر و بالم

تو ورای درک زمینی

به زبان چگونه نشینی؟

تو حقیقتی تو یقینی

من اگر اسیر خیالم

چه بگویم از تو محمد؟

چه بگویم از تو محمد!

به زبان روشنت ای کاش

بدهی جواب سؤالم

میلاذ عرفان پور

شکوفه قرآن

مثل بهار سر زد و قرآن شکوفه داد

با او تمام هستی باران شکوفه داد

می آمد از قبیله مردان اهل عشق

آن شب که غنچه غنچه عرفان شکوفه داد

آنقدر گرم بود نفس های پاک او

که احساس سرد و زرد زمستان شکوفه داد

آن شب که مرد سبز خدا آفریده شد

گویی دوباره چهره انسان شکوفه داد

در سرزمین کفر به یمن حضور او

باغی شد از خدا و بیابان شکوفه داد

دشت امیدواری دل های منتظر

باران سرود و باز فراوان شکوفه داد

ص: ۴۳

آن مرد سبز، مرد خدا، مرد معرفت

آمد و شاخه شاخه ایمان شکوفه داد

مهرناز آزاد

شهر پیغمبر گل‌ها

آفتابِ قدح و مشرق جام است اینجا

باده جز از لب دلدار، حرام است اینجا

اختر شوق فشان از مژه بر در گه عشق

بارگاه کرم و رحمت عام است اینجا

منبر عاطفه‌ها بنگر و محراب فروغ

راستی ماهِ رخ دوست، تمام است اینجا

گوهر اشک به دامان بقیع افشانیم

تربت پاک امامان همام است اینجا

در غروبی که غم آویز بود قامتِ عشق

غربتِ فاطمه و چار امام است اینجا

شهر پیغمبر گل‌هاست، بزن ساغر نور

بلبل خاطره‌ها، مست مُدام است اینجا

«صائم» از جام ولا نوش، زلال صلوات

جای تسیح و مناجات و سلام است اینجا

صائم کاشانی

می خانه بعثت

عروس شعر شیدایی، به یاد یار می رقصد

هزار از شوق گل، در دامن گلزار می رقصد

زالال نور می نوشند، یاران طرب امشب

شراب بوسه در جام لب دلدار می رقصد

لب جانان نمی دانم، چه رمزی گفت با ساغر

که در مینای شادی، باده گلنار می رقصد

نمی دانم چه رازی در سه تار مطرب است امشب

که مضراب دل شور آفرین، بر تار می رقصد

ص: ۴۴

مگر گلباده چل ساله می‌ریزند در ساغر
 که در میخانه بعثت، در و دیوار می‌رقصد
 گل مهتاب می‌روید، به دشت دیده باور
 به یاد یار، عاشق تا سحر بیدار می‌رقصد
 غزل با ناز می‌خوانند یاران طرب امشب
 غزال ذوق من صائم، به شوق یار می‌رقصد
 صائم کاشانی
 یاد محمد (ص)

در دلم هر لحظه با یاد تو توفان می‌شود
 زندگی سخت است اما با تو آسان می‌شود
 یاد اعجاز تو می‌افتند از هر فرقه‌ای
 یک زن بی‌روسری وقتی مسلمان می‌شود
 با کتاب تو سر سجاده، هنگام دعا
 چشم‌های مادرم لبریز باران می‌شود
 می‌نشینم پای اخبار جهان و باز هم
 قبل از اعلام خبر نام تو عنوان می‌شود
 تو نباشی، پس چه چیزی باید آرامش کند
 یک پدر وقتی که دور از واژه نان می‌شود
 بی‌گمان حتی خدا نام تو را آورده است
 با نفس‌هایش که گرم خلق انسان می‌شود
 تو همان حس غریبی که تمام روزها
 در دلم هر لحظه با یاد تو توفان می‌شود
 رضا نیکوکار

بوی تبسم

برای پیام آور وحدت حضرت محمد (ص)
 می‌گفت: بریزید به دریا گله‌ها را
 تا؛ بنده نمایید دل قافله‌ها را
 این شبه و با - قهر زمینی - همه گیر است

ص: ۴۵

طفلانه مگیرید تب فاصله‌ها را
 حتی بکشانید به ایوان دل خویش
 با بوی تبسم نفس چلچله‌ها را
 تا کعبه جان را به تماشا بنشینید
 باید که بسازید غم آبله‌ها را
 می‌گفت: علی (ع) نیست مگر جان محمد (ص)
 با او بسپارید شب مرحله‌ها را
 وقتی نسپردیم شب مرحله با حق
 دیدیم به چشمان بلا؛ زلزله‌ها را
 دیدیم که دستان ستم یکسره می‌ریخت
 در کاسه ارباب دنائت صله‌ها را
 پرپر شده دیدیم هزاران گل «امید»
 وقتی که شکستیم پر چلچله‌ها را
 سید فضل الله طباطبایی ندوشن (امید)
 تقدیم به پیامبر صلح و دوستی
 آن روزها که در افق مکه سر زدی
 با شش هزار آیه لبخند آمدی
 قرآن درست در وسط سینه‌ات شکفت
 پر شد لب تو از گل یاس و محمدی
 ای هیبت تو هیبت شمشیر پس چرا
 چندیست پیش از آنکه بجنگی مرددی؟
 برخیز و کوه‌های جهان را به هم بزن
 دیگر نگو به گوشه گرفتن مقیدی
 این موج توست که به تلاطم رسیده است
 تو آخرین مهاجم یک سیل ممتدی
 حتی یهود هم به تو سوگند می‌خورد
 با این که کاسه - کوزه‌شان را به هم زدی
 باید که اتفاق بیفتد نگاه تو
 اما نه، تو بلندتر از هر چه بایدی

محمد مرادی

بررسی مشکلات حاجیان پیش از انقلاب در میز گردی با حضور علامه شهید مرتضی مطهری

حج گزاری ایرانیان همواره و به خصوص پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، با مشکلات و گرفتاری های فراوانی روبه‌رو بوده است. نا امن بودن راه ها، فقر امکانات بهداشتی و درمانی، نبود حداقل امکانات رفاهی، نابودی صدها هزار لاشه قربانی حاجیان، بدرفتاری برخی از حمله‌داران، شیعه آزاری ساکنان مکه و مدینه و ... بخشی از این گرفتاری‌ها و مشکلات بوده است. عالمان و فرهیختگانی که در آن سال‌ها به حج مشرف می‌شدند، هنگام رویارویی با این گونه مسائل، به فکر چاره افتاده، تا از حجم مصائب حجاج بکاهند و زشتی‌ها را به زیبایی‌ها تبدیل کنند.

خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی ۱ حج ابراهیمی احیا شد و با پیام‌ها و توصیه‌های ایشان، مسؤولان خدمتگزار به فکر چاره‌اندیشی برآمدند، تا آنجا که امروز بسیاری از مشکلات گذشته مرتفع گردیده و ایرانیان بحمد الله آبرومندترین حج را انجام می‌دهند.

اجاره بهترین منازل برای اسکان زائران، آشپزخانه‌های مدرن و بهداشتی جهت طبخ متمرکز غذا برای حاجیان، تهیه جزوات و کتب و فیلم‌ها و سی‌دی‌ها و تشکیل جلسات آموزشی توجیهی متعدد برای ضیوف الرحمان، استفاده از روحانیون و مدیران لایق و کارآمد برای هدایت کاروان‌ها و نظارت کامل بر عملکرد آنان، از ویژگی‌های حج گزاری ایرانیان پس از برقراری جمهوری اسلامی در ایران است.

میز گردی که با حضور علامه متفکر و اندیشمند بزرگ اسلامی حضرت آیت‌الله شهید مطهری ۱ و جمعی از اندیشمندان اسلامی در حسینیه ارشاد برگزار گردیده، بخشی از مشکلات فقهی و اجرایی حج گزاری ایرانیان را به تصویر کشیده که مقایسه آن با وضعیت کنونی می‌تواند بیانگر تحول به وجود آمده در این عرصه باشد.

سپاس خدای را که بیشتر مشکلات یاد شده به همت مسؤولان جمهوری اسلامی و نیز اقدامات انجام شده توسط دولت عربستان مرتفع گردیده است.

امیدواریم تا مشکلات باقیمانده نیز به تدریج از سر راه برداشته شود و حاجیان بتوانند با آسودگی خیال و فراغت بال، پله‌های معنویت و رشد را یکی پس از دیگری پشت سر نهاده، به موفقیت‌های بزرگ معنوی دست یابند.

«میقات حج»

استاد مطهری: برای اینکه آقایان محترم توجه بیشتر داشته باشند و بدانند که جلسه ما برای چیست، توضیحاتی می‌دهم: آقایان می‌دانند که اجتماع و جلسه ما، در مورد «حج» است. هر کس که به حج می‌رود، دو احساس در او پیدا می‌شود:

الف) غرور و عظمت؛ مراسم حج، اجتماع بسیار عظیمی است که هم از نظر کمی بینظیر است و هم از نظر کیفی؛ یعنی اجتماعی است که متجاوز از یک میلیون نفر از خارج و داخل عربستان، در یک جا جمع می‌شوند. و خیال نمیکنم در دنیا اجتماع دیگری مانند آن، از لحاظ کمیت وجود داشته باشد.

از لحاظ کیفیت هم، اگر ما تنها همان جنبه طبیعی بودن آن را در نظر بگیریم؛ یعنی مردم روی احساسات و ایمان و عقیده خودشان در اینجا جمع می‌شوند. هیچ قدرت و زوری و طمعی آنها را جمع نمیکنند، بلکه آمدنشان برخلاف مطامعشان است؛ یعنی از پول خودشان صرف نظر میکنند. رنجی را متحمل میشوند و به حج می‌روند.

به هر حال، بسیار اجتماع عظیمی است و از این جهت انسان احساس عظمت و غرور میکند؛ به خصوص اگر اهل مطالعه باشد، میبیند که خود دین مقدس اسلام، از زبان پیشوایان دین، بلکه اشارات قرآنی، میرساند که این، حکمت و فلسفه بزرگی دارد؛ به تعبیر

قرآن (قِيَامًا لِلنَّاسِ) است و به تعبیر امیرمؤمنان (ع) «تَقْوِيَةٌ لِلدِّينِ» است و فلسفه‌های دارد. هرکسی این احساس را پیش خود میکند.

ص: ۴۷

ب) ناراحتی و رنج؛ در موسم حج، برای هر انسان فهمیده‌های این حس نیز پدید می‌آید که نوعی نقص، بلکه نواقصی در برگزاری این فریضه وجود دارد که اینها دیگر به برنامه مربوط نمیشود، بلکه به چگونگی اجرای برنامه مربوط است. در گذشته مردم اینها را چندان متوجه نمیشدند، ولی حالا روی اینها فکر و حساب میکنند.

هر آدمی که درک میکند حج امر بزرگ و عظیمی است و شارع مقدس اسلام آن را رکن و پایهای برای ابقای دین، احیای مردم، اتحاد کلمه، حُسن تفاهم در میان ملل اسلامی، رفع سوء تفاهمهای مختلف، اصلاح اخلاق مردم و ... قرار داده است، احساس وظیفه میکند که در این راستا گامهایی بردارد. البته اینها مسائلی است که در باب فلسفه حج باید بحث شود و اموری واضح و روشن است و خود پیشوایان دین گفته‌اند که هست. آری، حج چنین فلسفه بزرگی دارد. البته در مقابل، نواقصی هم در انجام آن به وجود می‌آید که باید احساس وظیفه کرد و تا حدودیکه برای ما مقدور است، باید اقدام کنیم که آن هدفها و منظورهای اسلام بهتر تأمین شود.

روی این احساس وظیفه است که گاهی وقتها، رُفقا و دوستان، مکرر، شاید از هفت، هشت یا ده- پانزده سال پیش تذکراتی میدادند. افرادی که قبلاً به حج رفته بودند. خود ما هم که دو سفر رفتیم، اینها را به چشم دیدیم، تا اینکه امسال عدهای از دوستان رسماً پیشنهاد کردند که اگر وظیفه هست، در حدّ مقدورات خودمان اقداماتی بکنیم و ببینیم که چگونه میتوانیم این نواقص را برطرف سازیم و اصلاح کنیم.

یادم هست امسال که ما از مکه برگشتیم، عدهای از رفقا که آمدند، این موضوع را طرح کردند و تمام هفت، هشت یا ده نفری که آنجا بودند، تأیید کردند و گفتند: بیایم جلساتی، اجتماعاتی یا سمینار حجی تشکیل دهیم و اقدامی بکنیم. به دنبال آن، جلساتی تشکیل شد، در دو یا سه جلسه من هم شرکت داشتم و قرار شد از بعضی از آقایانی که به هر حال صاحب نظریه هستند و همه یا اکثرشان به سفر حج رفته‌اند و میتوانند در این زمینه همفکری و همکاری داشته باشند، دعوت به مشاوره و همکاری شود و آنچه که به فکر ماها رسیده اکنون بنا است به اطلاع همدیگر برسائیم و از نظریات یکدیگر استفاده کنیم و ببینیم که چه نوع همکاری میتوان کرد و چه تصمیمی میتوان گرفت. در این دو یا سه جلسهایکه تشکیل شده، بهطور خلاصه عرض میکنم: مجموع نواقصی که به نظر رسیده، پنج یا شش قسمت است:

۱. نقصی که به شرکت کنندگان در حج مربوط می‌شود؛ یعنی افراد فهمیده‌های که می‌روند و بر میگردند، غالباً از اخلاق حجاج شکایت میکنند. از جهل و نادانی و عدم استطاعت روحی و اخلاقیشان گله دارند. ببینم چه اقداماتی میشود کرد که افراد، این جور جاهلانه و کورکورانه نروند و برنگردند.

کسی که به حج میرود، از روی فهم و شعور و ادراک باشد و بعد هم استفاده‌های بکند و برگردد.

همین امسال در حسینه ارشاد، جلساتی راجع به حج برگزار شد، آنجا سخنرانیهایی بنده در زمینه حج داشتم. راجع این موضوع، به خصوص پیشنهادی کردم که دوستان آن را تصویب کردند و پیشنهاد درستی میدانستند. بنابر این شد که ما کلاسهایی در زمینه حج دایر کنیم و از امسال؛ یعنی چند ماه قبل از آغاز حج، افرادی را ببینیم و برنامه‌های برایشان تنظیم کنیم به عنوان کلاس «آمادگی حج» که این البته نمونه باشد و بعد هم دنبال شود؛ یعنی افرادی که میخواهند به حج بروند، هم دستورات فقهی حج را قبلاً درست بیاموزند و هم دستورات اخلاقی و اجتماعی را یاد بگیرند.

۲. نقص دیگر، مربوط به وضع پذیرایی‌ها است؛ و نیز اجتماعاتی که در آنجا هست. وضع حمله‌داریها و کاروان‌ها و ...

۳. نقص دیگر به امور دینی مربوط است؛ کاروانها برنامه ندارند. امروزه بهترین کاروان، کاروانی است که مسکن یا غذای خوب برای افراد تهیه میکند. کاروانیکه غذای روحی به زائران بدهد. چنین نیست که وقتی حاجی برای اولین بار به مدینه می‌رود، اخبار و

احادیث و فلسفه این سفر را بشنود و آگاه شود. مردم که به مدینه می‌روند، باید در آنجا تاریخ پیغمبر را متذکر شوند و به ایشان تعلیم داده شود در ده سالی که پیامبر خدا (ص) در مدینه بودند، چه کردند؟ اینجا کجاست؟ آنجا کجاست؟ و ... چنین کارهایی تا حالا انجام نشده و حتی کاروان‌ها هم این کارها را نکرده‌اند.

برای این کار هم، دوستان پیشنهاد کردند که کاروانی نمونه تشکیل شود. در سال گذشته چنین گامی را، هر چند ناقص، حسینیه ارشاد برداشت.

۴. نقص دیگری که وجود دارد، وضع رساله‌های عملیه است؛ ما در سفر حج با اعتراضاتی مواجه شدیم. مرتب اعتراض میکردند به وضع رساله‌ها که انصافاً هم نواقصی وجود دارد. باید افرادی با آقایان علما و مراجع تماس بگیرند یا به هر شکل دیگری، این‌ها را اصلاح کنند. بعضی مسائل هست که واقعاً اساسی است و الآن برای خود مراجع هم مطرح است و هر سال هم با غرغر کردن عده‌های و تصدیق کردن عده‌های دیگر خاتمه پیدا میکند.

مثلاً وضع طواف، مخصوصاً حالا که حاجی زیاد شده و گاهی وضع ناراحت کننده‌های پیدا میکند یا وضع قربانیها الآن مشکلی شده است برای افرادی مثل ما. دائماً انسان باید جواب مردم را بدهد. میپرسند آیا اگر پیغمبر (ص) بود، اسلام از ما همین را می‌خواست؟ آن سال ما به مذهب نرفته بودیم، امسال رفتیم، واقعاً وضع جوری است که انسان نمیتواند بگوید اسلام از ما همین را می‌خواست. حاجی وقتی میخواهد یک گوسفندی تهیه و قربانی کند، باید از روی چهار طبقه لاشه گوسفند و از خون بگذرد، و بعد به چه شکلی آن را پیدا کند! و بعد آن را بالای یک گوسفند دیگر ذبح کند و بعد این لاشه‌ها بگندد و بو بگیرد و ...

ص: ۴۸

امسال یکی از آقایان مراجع که آنجا بودند، گفتند: من اگر امسال بتوانم بروم نجف، حتماً این قضیه را با علمای نجف حل میکنیم. البته راههای حل دیگر هم دارد که به دولت سعودی مربوط می شود. ما در اینجا فعلاً نمیخواهیم راه حل ارائه کنیم. میخواهیم بگویم یک مشکلهای است. باید رسیدگی شود.

۵. مشکل دیگر رفتار مأمورین دولتی ایران در صدور گذرنامه است؛ که این هم ناراحتکننده است. بعضی از امرحج میترسند، به خاطر سوء رفتاریکه با آنها هنگام دادن گذرنامه میشود. در اینکه آیا میشود در این زمینه اقداماتی انجام داد؟ باید افرادی که با دولت نزدیک هستند، تماسهایی بگیرند بلکه بهبودی در این قسمت حاصل شود. شما می بینید وقتی انسان میخواهد گذرنامه بگیرد، برای گرفتن یک ورقه نصف روز صرف می شود! چه قدر جانکاه است برای آدم!

۶. وضع حجرالأسود هم ناراحت کننده است؛ که این از موضوعات مربوط به دولت سعودی است؛ چون در اختیار آنها است. مسلماً اگر حُسن نیت باشد و هیچ غرضی غیر از غرض دینی نباشد، حالا- یا با اطلاع دولت یا بدون اطلاع دولت. باید فکر کرد که مصلحت چیست. باید به آنها گفته شود که وضع حجرالأسود ناراحت کننده است. امسال شنیدم در آن فیلمیکه برای حج نشان میدادند، این هم جزو فیلم بوده است. بعضی از آقایان وعاظ و غیر وعاظ که قبلاً دیده بودند، خواهش کرده بودند که این بخش؛ یعنی حجرالأسود را از فیلم حذف کنند، چون ناراحت کننده است. درست نیست که شرطه و مأموری با یک شلاق همیشه بالا سر حجرالأسود بنشینند و کارش این باشد که دائماً به سر حُجاج بزنند، مردم هم هجوم بیخود ببرند. بالأخره این را میشود حل کرد. هم هجوم مردم هجوم بیخودی است، هم ایستادن آنها با شلاق، عمل بی خودی است. چون اینکه کار واجبی نیست. البته شنیدم که امسال یک فکری برای آن کرده اند و دستور داده اند محفظه های بلوری در اروپا برایش ساخته شود تا آنرا در آن محفظه بگذارند و دیگر دست مردم به حجر نمیرسد، هر چه هم میخواهند هجوم بیاورند.

رمی جمرات نیز موضوعی است که اگر دولت سعودی بخواهد نظمی در آن ایجاد کند، میتواند. به سادگی میشود آن را حل کرد، ولی چون نظم ندارد، یک دفعه انسان می بیند یک هجوم عجیبی پیش آمد که به هزار زحمت آدم خودش را میتواند به جایی برساند. بعد چشمش را باید پایین بگیرد که یک وقت سنگ به چشمش نخورد. به سر افراد که زیاد میخورد. امسال آقای مهندس هویدی را دیدیم سرش شکسته بود. در اینها برای حاجی نباید رخ دهد. چنین عوارض ناراحت کننده های باشد.

البته افراد زیادی هستند که اینها را به حساب اجر و ثواب و این جور چیزها می گذارند، ولی بعضی میگویند اجر و ثواب را آدم باید یک زحمتی متحمل شود که اثری بر آن زحمت بار است. اما سنگ بخورد به سر، روی یک کاری که هیچ دلیلی ندارد. چرا؟ اینها نواقصی است که میشود با در میان گذاشتن با دولت سعودی حل کرد. این هم یک قسمت است.

در قسمتهای دیگر هم، البته نواقص هست؛ از مطالعه تاریخ حج و سیره پیشوایان دین، به خصوص حضرت رسول (ص) استفاده میشود که در حج باید حقایق اسلام نشر یابد. خود حضرت در آن یک سفر، که اهل مکه مسلمان بودند حج گزارند، چقدر از این سفر استفاده تبلیغی کردند. مهمترین خطابه های حضرت در این سفر القا شد. و یک خطابه را دوبار، بلکه سه یا چهاربار القا کردند و در هر باری هم مردم را مأمور کردند که به یکدیگر برسانند. حتی مبلغ به اصطلاح بلندگوی انسانی راه انداختند؛ یعنی افرادی را و میداشتند که صدای حضرت را به دیگری برسانند. او به یکی دیگر، سومی به چهارمی و چهارمی به پنجمی ... برای اینکه پیام حضرت در مسجدالحرام، عرفات و منا به همه برسد. اینکار هم مربوط به دولت سعودی است؛ چون همه چیز را در اختیار خودشان گرفته اند و برنامه ها را هم خودشان تنظیم میکنند. گرچه برنامه های هم ندارند!

در روز هفتم ذیحجه، که امسال روز جمعه بود، بزرگترین اجتماع، همان اجتماع مسجدالحرام بود که ما آنجا تخمین زدیم افرادی که در نماز شرکت کرده بودند، حتماً متجاوز از پانصد هزار نفر بودند و امام جماعت متصل به رادیو بود. افراد دیگر، صدای او را از رادیو

گوش می‌کردند که راجع به اسلام چه می‌گوید. وقتی گوش کردیم، دیدیم همان مناسک ساده را بیان می‌کند. به هر حال، اینها مطالبی است که به نظر ما میرسید و وظیفه است بر طبقه فهمیده جامعه که این نواقص را اصلاح بکند و در واقع تأمین منظورهای شارع مقدس اسلام است. اینهایی که در این جلسات به نظر ما رسید. البته آقایان محترم ممکن است نظریات دیگر داشته باشند.

هر کس در این موضوع، پیشنهادی دارد، بفرماید. آقایان گفتند که برنامه اینگونه باشد تا جلسه نظم پیدا کند. لازم است یک نفر به عنوان رییس و مدیر جلسه انتخاب شود تا هر صحبتی با نظر ایشان باشد. آقایان خواهش می‌کنند که آقای مزینی قبول کنند ریاست جلسه را.

آقای مزینی: از رسول گرامی (ص) نقل است که «نماز جمعه حج فقراست» از این مطلب چنین استفاده میشود که «جماعت جمعه» هم، خود حج است و چون امروز روز جمعه است و این جلسه تشکیل شده، من این را یک حج می‌دانم؛ زیرا همین تعداد، دور هم جمع شده‌ایم ...

تمام مطالب ما در مورد دیدن نقایص و طرح آن نیست. باید دید که ما چگونه می‌توانیم این نقایص را به وجه احسن رفع کنیم و حتی پیدا کردن نقص، کار آسانتری است تا رفع آن. این نکته‌ها که شما (آقای مطهری) فرمودید، مطالب حسّاسی است. اما اکثر افراد که به حج می‌روند بر میگردند، با قیافه مخصوصی هستند! و آنهایی هم که هنوز حج نرفته‌اند، شاید هیچ‌یک از اعمال اسلامی را، به ضرس قاطع باید گفت عمل نکرده‌اند و غسلشان منحصر است به دو مورد؛ یکی غسل ولادت و دیگر غسل میت! این نکته به نظر میرسد که ما یک سردکنها و یخچالهایی درست کنیم که این گوشتها نفل و تلف نشود؛ چون واضح است امروزه دنیا نسبت به مسائل «مادی» خیلی نظارت دارد و همچنین نسبت به مسائل «بهداشتی و حفظالصحه» و نظافت هم سومین مسأله است. بالأخره این وضعیت خیلی زننده است، ولی اینرا نمیشود با سرعت رسیدگی کرد. نمیدانم به عرضتان رسیده یا نه، قبلاً در این خصوص یک اقداماتی شده بود. در

ص: ۴۹

خدمت حضرت آقای جزایری و خدا رحمت کند مرحوم آقا سید احمد لواسانی و آقای طباطبایی جلساتی تشکیل دادیم و با شیخ‌المطوفین آنجا صحبت شده بود و نماینده غنام هم حتی اینجا منزل ما آمد. صحبت کردیم. برای این کار یک بحثی شده بود که آن مذبح سابق را به ما اختصاص بدهند؛ به جماعت شیعه. نامه‌های نوشته شد و جوابی دادند آنها. برای اینکه - به فرمایش سرکار - یک الگو و نمونه‌های تهیه شود ولی آن‌ها گفتند مشاعر دین را نمیشود به کسی اختصاص داد. گفتیم ما نمیخواهیم اختصاص به ما داده شود. نمیخواهیم برای خودمان مالکیت قائل شویم، میخواهیم آنجا یک وضعی درست کنیم یا یک جایی باشد که بتوانیم بر اوضاع مسلط باشیم. آقا سید ضیاءالدین هم در این خصوص بهاندازه‌های وارد شدند و حرفهایی هم زدند. بنابراین، این قضیه چنین سوابقی هم دارد. حالا - چطور باید بر این مشکلات فائق شویم ...، آنچه که به نظر بنده، از همه بیشتر مهم است و به اصطلاح ...

یکی از حضار: ببخشید، مسأله تماماً راجع به ذبح نبود. اصلاً یکی از چیزهاییکه در حج من گرفتارش شدم و واقعاً جای تأسف است، این است که وقتی گوسفند را ذبح می‌کنند، در آن‌گرما، وضع آلوده‌هاست. اکثر حاجیها که سابقاً فوت میکردند در همان مذبح مریض می‌شدند. در آن پستی‌ها و بلندی‌ها، مخصوصاً در آن وضعیت! تا سر گوسفند را می‌بریدند، تلشش مال فقرا و یک چیزی از آن مال رفقا! هنوز گوسفند دست و پا درست نزده، یک تک‌هش را می‌بریدند و بهسرعت غیب میشدند. در این خصوص بحث است گوسفندی که هنوز جان دارد و قطعهای از تنش را جدا میکنند این میده هست یا نه؟ این اوضاع عجیب و غریبی است! به نظر بنده آنچه که از همه درستتر است، همان کلاسه‌های آمادگی است که فرمودید. از این کلاسه‌ها غافل نباشید. حقیقتاً یک عده‌های می‌آیند آنجا و بر میگردند که از جهات عدیده، جای سخن دارد؛ اولاً بحث درست بودن حجشان و مطابق موازین فقهی بودن آن است.

بعد، بحث رفتارشان در خرید است که پنج هزار تومان، چهار هزار تومان خرج میکند و یک یا دو دست لباس کهنه، از آن کهنه‌های فرسوده شسته شده می‌خرد برای سوغاتی. من انتقاد نمیکنم و نمیگویم بد است، ولی قابل تذکر است.

مورد بررسی قرار دادن این کلاس به نظر بنده بسیار لازم است. باید دید اولین کسیکه از انسان شنوایی دارد کیست. به نظر اول چیزی که از انسان شنوایی دارد بدن خود انسان است و فرمانده هم مغز است؛ همین مغزیکه به خود بنده فرمان میدهد، اگر من بدنم را برای این مغز تربیت نکنم، خود این بدن، که جزو من است، اطاعت نمیکند اوامر مغزم را. برهانش هم این است که این مغز به دست راست دستور داده عمل کرده کتابت را و به دست چپ فرمان دیگری داده و او انجام داده وظیفه‌اش را. کارهاییکه از دست چپ ساخته است، از دست راست ساخته نیست. بعد نوبت میرسد به آنهایی که اطراف انسان هستند.

پس این را اول شروع کنیم و کار آسانی هم نیست. یک عده‌های را حقیقتاً آموزش بدهیم. حالا آن هم به چه شکل، خودش بحثی است، که اولاً ما خواهشکنیم مثلاً از اشخاصی که در شهرستانها هستند که آنها کلاسه‌هایی راه بیندازند. یا این جا کلاسی راه بیندازیم و خواهش کنیم یک دوره یک‌ماهه، دو ماهه ببینند. انسانهای خیری باشند مثلاً شام و غذا و پذیرایی راه بیندازند. این‌ها خودش از جهات عدیده مورد بحث است. بعد سایر مسائل هم یکی بعد از دیگری مطالعه شود و روی آن نظرهای عملی داده شود که چه جور وارد شویم که توفیق برایمان حاصل شود. اینها کلیاتی است که به نظر من می‌رسد. ولی همان‌طور که فرمودید، مباحث دیگری هست. اگر آقایان فرمایشی دارند بفرمایند که ...

آقای حاج سید غلامرضا سعیدی: در سال ۲۷ که بنده توفیق زیارت بیت‌الله را داشتم، اغلب این مشکلاتی را که این جا آقایان اشاره فرمودند، درک کردم و پس از مراجعت از آن سفر، ضمن پانزده - شانزده مقاله در روزنامه «وظیفه» نوشتم. عده‌های از رفقا، از جمله خدا رحمت کند مرحوم صدر در قم، خیلی اظهار لطف و عنایت فرمودند که اینها جزو مسائل عام‌البلوی است ولی کسی روی

کاغذ نیاورده است. و خیلی اظهار مکرمت فرمودند به این که همه اینها را بایست قابل توجه دانست. بنده به ایشان عرض کردم: قابل توجه دانستن مورد تقاضای ماست و شما و امثال شما که مراجع هستید، بایستی به این قضایا رسیدگی بفرمایید. مرحوم صدر هم فرمود: خیلی خوباست و مثل خیلی از آرزوها دفن شد!

متعاقب این جریان و از جمله مسائل مذبح که فعلاً بیشتر روی آن بحث یا اشاره شد، مورد ابتلا واقع شده. بنده با اطلاعات خیلی سطحی که از دوره تحصیلات ابتدایی مدرسه داشتم و بعداً در کتاب ابراهیم بیگ خوانده بودم و جای دیگر، همین طور که نیش میزدند معترضین بر این عمل، آنجا متوجه شدم که این یکی از لکهای بسیار زننده و حساسی است که بر دامن تعلیمات اسلامی نشسته. به هر قیمتی هست بایستی دفع کرد. با اطلاعات خیلی سطحی و قشری ابتداییکه از فقه داشتم، به خیال خودم تصور کردم که من مجاز باشم این ذبح را اینجا (من) انجام ندهم و برگردم در ایران انجام دهم که به مصرف صحیح برسد. یکی از همسفرها که دقیقتر و حساستر بود، گفت: نه آقا، حج ما باطل میشود و ... گفتم: اگر باطل هم بشود من این جور حساب میکنم. وسوسه زیادتری کرد و چادر ما نزدیک چادر آقای حاج شیخ خلیل کمرهای بود و گفتیم برویم با آقایان صحبت کنیم. بنده آمدم و مطرح کردم و چند نفر از علما و دیگران بودند، گفتند: نمیشود! گفتم: آقا! اجتهاد یعنی چه؟! یعنی اینکه مجتهد میان دو امر متعارض رسیدگی کند و یک رأی قاطع بدهد. از یک طرف ما مبینیم به حکم قرآن اسراف حرام است، از یک طرف میگویید ذبحکن. حالا ما می بینیم که این عمل اسراف است باید چه کنیم؟ گفتند: نمیشود و باید در اینجا قربانی کرد. رفتیم دو رأس گوسفند ذبح کردیم و بر تلفات آنجا افزودیم و آمدم! ایام محرم بود که رسیدیم به کربلا و رفتیم خدمت مرحوم سید هبه‌الدین - خدا رحمتش کند حیات داشت - سلام کردیم و نشستیم آقا چشمش نمیدید. از صدا ما را شناخت و دو - سه نفر از علما، که از جنوب بودند. آقا گفتند: آقای حاج سید غلامرضا سعیدیکه جنجال داشتید راجع مذبح؟! گفتم: بله، همان عنصر کذا و کذا است. مرحوم هبه‌الدین پرسیدند: چیست مطلب؟ گفتم: این است. تأملی کرد و گفت: حق با فلانی است. گفتم: لطفاً بنویسید. آقا فرمود: از ما بزرگترها هستند. دو یا سه سال بعد، آقای شیخ جواد مغنیه که خودش رفته بود مکه، در رساله‌الاسلام این مسأله را مورد بحث قرار داد و گفت: این لکه باید از دامن تعلیمات اسلامی شسته شود. دیگر نفهمیدیم چه شد.

این مسأله مورد ابتلا - همچنان هست و امسال هم شنیدم یکی از مراجع که مشرف شدند این مسأله مورد توجهشان شده و یک اقداماتی هم کردند.

ص: ۵۰

و امّا مسائل عمومی را که جناب آقای مطهری طرح فرمودند، به عقیده بنده همانطور که جناب آقای مزینی تأیید فرمودند، مسأله کلاس درس مکه از واجبتین کارها است.

از چند سال پیش، به اتفاق آقای سلیم و چند تن از رفقای دیگر، ما هم یک جلساتی داشتیم. در حدّ توانایمان، مقدماتی را فراهم کردیم و حرفهایی زدیم و همین بحث مطرح شد که در تهران یک دسته از آقایان خودشان را مجهز کنند برای پنج یا شش ماه پیش از موسم حج و به علاوه، یک رساله صحیح و تمیز و روشنی در دسترس اشخاص گذاشته شود، یک آیین‌نامه‌های از جهت تنظیف، از جهت آشنایی با مقدمات حج چاپ شود و در دسترس اشخاصی که آماده می‌شوند برای زیارت مکه، گذاشته شود؛ چه در ولایات و چه در این جا. حالا- به عقیده بنده، اقدام مهم از همینجا باید آغاز شود، بین عده‌های از آقایان، که در صلاحیت خودشان میبینند یا اولویت دارند، این کارها تقسیم شود و برعهده کمیته‌ها یا کمیسیونهایی قرار داده شود که هر چند نفر از این آقایان، یک بخشی از مطلب را بگیرند، روی کاغذ بیاورند تا بعد به اطلاع همه برسد و برنامه موزون و مربوطی تهیه شود که همه مشکلات رفع گردد و این کار، همانطور که آقای مطهری فرمودند، واقعاً از وظایف اولیه هر آدم مُدرکی است. از بلاهاییکه باعث سرشکستگی و دلشکستگی است، که انسان در مکه میبیند اشخاصی هستند که هیچ فرقی نمیگذارند که امامزاده داود آمده‌اند یا مکه! اینها وظیفه کیست!؟

اینها را باید پیش از موسم، با توجه به تمام این بی‌اطلاعیهایی که وجود دارد، روی کاغذ آورد و همانطور که مرجع تقلید جزء به جزء آداب و احکام را نقل میکند، ما هم در حد توانایی خودمان برای ارشاد مردم همه این مطالب را روی کاغذ بیاوریم و به امید خدا برنامه شود. اگر سال اول نشد، سال دوم درست شود و دوم نشد سوم.

خلاصه، رفع این نواقص از ضرورترین کارهاست که به امید خدا رفع شود.

یکی از حضار: ضمن تأیید بیانات کسانی که قبل از بنده صحبت فرمودند، برای این که از جلسه نتیجه بگیریم، پیشنهاد میکنم این مطالبی که جناب آقای سعیدی فرمودند، مورد توجه قرار گیرد و به عقیده بنده هم، برای نتیجه‌گیری لازم است که مسائل کلاسه شود و هر کس هر مسأله‌های را که میتواند مطالعه کند، انجام آن را بپذیرد و یا بهقول آقای سعیدی، کمیته‌ای مأمور مطالعه شود و نتیجه مطالعات آن را در زمان معین به اطلاع برسانند و نتایج‌اش بعد منتشر شود.

آقای مُرتاضی: مسائلیکه مطرح شد، عموماً درست بود و بایستی روی همه فکر شود، ولی به نظر من نقطه ضعف خیلی بزرگیکه در مسأله حج وجود دارد و چشمگیر و مهم است، همین مسأله ذبح است. البته نامنظم و نا مرتب آمدن عده‌های از ایرانیها و اینکه برخی برای معامله و خرید می‌آیند و میخواهند چند برابر خرجیکه کرده‌اند در بیاورند و ... هم از مسائلی است که هست که باید فکری برای اینها کرد. باید اینها را اصلاح کرد. البته اینها خیلی چشمگیر نیست، چیزی که چشمگیر است، همین مسأله ذبح است که باید در اولین اقدام وضع فقهی و شرعی ذبح را روشن کنیم و ببینیم منظور از ذبح چیست؛ یعنی علما و فقهای ما این مسأله را روشن کنند که مقصود از ذبح چیست؟ به چه صورت باید انجام شود. وقتی مقصود روشن شد، آن وقت در اداره مطلب فکر میکنیم. مثل همین مطلبیکه جناب آقای حاج سعیدی فرمودند، میشود همانجا ذبح کرد یا آمد در وطن ذبح کرد و اگر ذبح نکنیم، همانطور بیندازیم دور یا امکان اینکه در سردخانه‌ها نگهداریم، به صورتیکه معمول در دنیا است. بعد بهتدریج به مصرف فقرا برسانیم. این صورتها اگر روشن شود، بقیه مطالب آسان است.

در انتقاد منتقدین، آنچه اهمیت دارد، همین مسأله ذبح است. اگر در مورد ذبح کار کنیم و مسأله‌اش روشن شود، کار بزرگی صورت گرفته است. آنوقت امکان تشکیل سردخانه و مانند را هم اگر حل کنیم بقیه کار کوچکی است که زودتر میشود آنها را انجام داد.

آقای معین فر: قربانی و ذبح، مسأله‌های است که صرف نظر از موضوع داخلی و ایرادهاییکه میکنند، مسأله عمومی اسلامی است و الآن مواجه با تعصبات و ناراحتیهای دولت سعودی هستیم؛ یعنی مسأله‌های نیست که بتوان آن را به دست شیعه کرد؛ یعنی اگر شیعه اقدام به حل آن کند، معلوم نیست عمومیت پیدا کند و در جهان اسلام عملی شود. امید داریم آقایان این شهامت را داشته باشند و روی این موضوع فکر بکنند و آرزو میکنیمکه اگر فکریکردند به نتیجه‌هاییرسند و محافظه‌کاری- که آقای سعیدی فرمودند- پیش نیاید و طوری نشود که مطلب اصلاً درز نکند و همه وحشت داشته باشند از بیان اجتهادی که روی مسأله‌های کردهاند.

البته اگر به فرض هم فکری بشود و اجتهاد خاصی روی موضوع انجام گیرد، به جهت موانعی که از سوی دولت سعودی و علمای اهل سنت داریم، نمیتواند عمومیت پیدا کند، ولی اگر این موضوع را جمع کنیم، با آن مطلبیکه جناب آقای مزینی فرمودند که ملاقاتها و مذاکره‌هایی صورت گیرد که مذهب شیعه جدا شود، شاید این امر بتواند نمونه و الگو شود برای تمام دنیای اسلام؛ به این شکلکه مذهب شیعه جدا باشد و عده‌های هم باشند که مذهب را به صورت آبرومند و تمیز درآورند و این حالت کثیفی و لجن و لاشه‌های رویهم انباشته را تبدیل بهمحیط تمیز کنند. در این صورت تعداد قربانیهای شیعه محدود میشود. میتوانیم وسایلی داشته باشیم و چون از نظر حیثیت اسلامی موضوع مهمی است، سردخانه کوچکی بسازیم و ... وضعیت آبرومندی خواهیم داشت.

بنابراین، یک دستگاهی باشد و عده‌های باشند که آن را راه بیندازند و بعد گوشت آن میان گرسنه‌های مسلمان دنیا توزیع شود. این شاید یک نمونه‌ای باشد و موجب شود بعد از هفت- هشت سال زائران دیگر کشورها هم همینکار را بکنند و نیز برای دولت سعودی هم سرمشقی باشد.

آقای مطهری: بنده ضمن اینکه میخواهم تقاضا کنم دیگر در باره ذبح بحث نشود، فقط عرض میکنمکه با نظر آقای مهندس معینفر موافق نیستم؛ پیشنهاد مثبتیکه ایشان میکنند، بهنظر من غیر عملی است، از دو جهت:

الف) از جهت فقهی

ص: ۵۱

(ب) از جنبه عملی (در دولت سعودی).

موضوعی که ایشان گفتند، چون تنها مربوط به ما نیست، این عملی نیست. اولاً این فکر؛ یعنی اعتراض به این وضعیکه وجود دارد، به جایی نمیرسد، چون دولت سعودی است که روی این پافشاری میکند و گرنه این فکر در میان همه مسلمانان پیدا شده است. وقتی در رساله‌الاسلام به آن صراحت نوشته شده و اعتراض میشود، این نماینده یک فکر است؛ فکریکه در همه‌جا پیدا شده، اگر علمای شیعه، به قول شما این شهادت را بهخرج دهند و بگویند، آقای خوبی مثلاً گفتنند: «نظر من این است که میشود ذبح را در خارج قربانگاه انجام داد، ولی من این نظر را در یک زمانی با صراحت میگویم که دیگران با ما موافقت کنند. تنها نمیگویم این حرف را، که دیگران بگویند خیر، این خلاف است و از این حرفها». اتفاقاً شیعه اگر چنینکنند؛ یعنی یک مرتبه تمام حاجیان شیعه تصمیم بگیرند آنجا ذبح نکنند، این به عنوان اعتراض به روش سعودی تلقی میشود؛ یعنی میگویند: از صریح قرآن استفاده میشود که این (وَ أَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ) است. این برای (وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ) است. در مقابل آن، فکری است که اصلاً تحریم میکند گوشت حیوانات را.

ما باید از گوشت حیوانات استفاده کنیم و به فقرا بدهیم. وقتی در دنیا همه چیز تغییر کرده و همان تغییرات دنیا سبب شده که یک میلیون و دویست هزار نفر در این موسم جمع بشود، همان دنیا از این جهت هم تغییر کرده که بشود یک سردخانه با عظمتی در آنجا (منا) ساخته شود. باید به آنها اعلام کنیم که شما باید این کار را بکنید و اگر نکنید ما ذبح خودمان را در منا انجام نمیدهیم. فقه به ما اجازه میدهد قربانی را در محل بکشیم. اگر یک مرتبه، یک جمعیت بیست هزار نفری، به عنوان اعتراض به دولت سعودی، این کار را بکنند، سبب میشود که تسلیم شوند و من اطلاع دارم که این کشمکش در خود دولت سعودی وجود دارد؛ یعنی دولت سعودی الآن میخواهد اینکار را بکند، ولی فقهای سعودی خشک نظری و به اصطلاح کله‌خشکی میکنند، همانطور که در مورد مقام ابراهیم چنین کردند.

امسال که ما مشرف شدیم، دیدیم در پشت مقام ابراهیم، به فاصله پنج- شش متر، شکل مقام ابراهیم را ساخته‌اند. از آقاییکه دانشجوی ایرانی سنی اهل لار و در کاروان بود، پرسیدیم: جریان چیست؟ گفت: در هر سال، ایام حج، در پشت مقام ابراهیم ازدحام است؛ چون نزدیک حجرالأسود است و افراد تازه وارد، طواف را از اینجا آغاز می‌کنند و نیز آنهایی که در پایان طواف میخواهند از مطاف بیرون بروند، از اینجا خارج می‌شوند. بنابر این، ازدحام جمعیت در آنجاست و مقام ابراهیم هم در آنجا واقع است. بهخصوصکه معلولان را هم، که روی هودجها سوارند، از همانجا عبور میدهند. او مدعی بود که هر سال، پنج- شش نفر در اینجا تلف میشوند.

چند سال پیش هم ملک سعود تصمیم گرفت محل مقام را عوض کند که من اخیراً در روایت دیدم که در زمان حضرت رسول (ص) مقام اینجا (محل کنونی) نبوده است. بهر حال، کسانی از مسؤولان خواستند جای مقام را عوضکنند و چند متری عقب‌تر بیاورند، اما علمای عربستان مخالفت کردند و با اینکه جا و محل آن ساخته شده بود، نگذاشتند جایش عوض شود. گفتند: این دیگر مقام ابراهیم نیست، مقام سعود است و او هم مجبور شد که صرفنظر کند.

ولی اخیراً در اثر اینکه ناراحتی زیاد شد و به گفته آن دانشجوی، چندین نفر در آنجا تلف شده‌اند، علمای سعودی تسلیم شدند. بر سر قضیه ذبح هم، الآن چنین کشمکشی میان دولت و علمای عربستان وجود دارد. مسلم است که اگر چنین اقدامی از سوی شیعه صورت گیرد، به عنوان اعتراض، مجبور هستند که تسلیم شوند. چون میدانند که فردا مذاهب و فرق دیگر هم این کار را میکنند. من این را مفیدتر و عملیتر می‌دانم تا آنکه مثلاً مذبح جدایی برای شیعه اختصاص دهند، که اولاً خود این، بوی تفرقه و جدایی میدهد و ثانیاً همان فقهاییکه راجع به ذبح در منا اشکال میکنند، در اینجا هم اشکال میکنند.

و اما سردخانه، روشن است که به این زودی عملی نیست که سردخانه‌های در آنجا ساخته شود.

اگر آقایان مذاکرات درباره ذبح را کافی میدانند، بفرمایند که در باره موضوعات دیگری صحبت شود. معلوم شد که موضوع ذبح برای همه حساس است و همه دلشان می‌خواهد در این مورد صحبت کنند و همه هم احساس ناراحتی میکنند. بنده دیگر عرضی ندارم.

آقای سعیدی: از موضوعاتی که بنده در سفر حج به رییس تذکره حج متذکر شدم، این بود که گفتم: شما در مکه معظمه و مدینه طیبه، سمت نیابت عامه مسلمانان را دارید و خدمتگزار مسلمانها هستید. این حکومتیکه بر همه فزق میکنید، حکایت حاکمیت نیست، نیابت است. حالا ما ایجاد جنجال و خصومت نمیکنیم. بعد در ضمن سفرنامه حج هم نوشتم.

من تهدید کردم که آقا! این خدمتگزاری شما، به نیابت از عامه مسلمین است و این تضيیقاتیکه ایجاد میکنید و این حکومت قاهرهای که برای خودتان قائلید، عاقبت روشنی ندارد و دیر یا زود منورانی از جهان اسلام به این فکر خواهند افتاد و به شما خواهند گفت که: آقا! شما نابید و خدمتگزار، این تضيیقات و اشکالات را کمتر کنید. مقصود عرض بنده این است که این مسأله را هم با کمال نزاکت و با کمال دقت نظر باید به خورد آقایان فقها و حکام و مدیران امور سیاسی حکومت سعودی بدهیم تا متنبه شوند و متذکر باشند. این بود عرض بنده.

آقای مرتاضی: از مجموع مطالب آقایان و به خصوص از بحث اول، که آقای مطهری اینجا طرح فرمودند، میشود این نتیجه‌ا گرفت که بهطور کلی اشکالات ما سه نوع است:

۱. اشکالاتی که بیشتر متوجه فقها میشود، که در صلاحیت آنها است بنشینند و مسائلی را که پیش آمده؛ مانند ذبح، حل بکنند که منحصر به ذبح تنها هم نیست. گاهی بعضی مسائلکه مشکلات را بیشتر میکند به فقه شیعه مربوط میشود تا اهل سنت؛ مانند طوافکه ما میگوییم از کعبه سیزده متر بیشتر نباید فاصله بگیریم، درحالیکه آنها اجازه میدهند بیش از این باشد. اگر همه طبق فتوای شیعه عمل کنند، چه میشود! حال در نظر

ص: ۵۲

بگیرید ده سال یا بیست سال دیگر را که جمعیت شاید چند میلیون شود! تقریباً غیر ممکن میشود؛ یعنی دیگر قابل عمل نیست و همینطور در مسائل دیگر.

بنابراین، بنده پیشنهاد میکنم آقایانیکه دراینکار تناسب و خبرگی بیشتری دارند و تماس بیشتری میتوانند با آقایان بگیرند، این مسأله را به عهده بگیرند و تعقیب کنند و تک تک آقایان را اگر میشود ملاقات کنند. اگر میشود جلسهای تشکیل دهند و آنها را به یکجا دعوت کنند و این مسائل را در حضور همه مطرح کنند. معلوم است که اگر تعقیب نشود، همانطور که جناب آقای مزینی و جناب آقای سعیدی فرمودند، گفته می شود و بعد همینطور میماند و از بین می رود؛ یعنی افرادی مسؤولیت قبول بکنند و تعهد کنند که این مسأله را به این شکل از طریق افرادی که باید حل بشود به نتیجه برسانند.

۲. برخی مسائل هست که مربوط به حکومتها است؛ حکومت ایران و حکومت سعودی. نظیرش در اینجا اشاره شد؛ مثلاً بنده وقتی در اولین سفر که در خدمت آقای مطهری بودیم و مشرف شدیم به منا، البته الآن میگویند کمی بهتر شده است گرچه در فیلم یک چیز دیگر دیدیم. حالا- شاید در فیلم خیلی معلوم نیست چون فیلم است. روز سوم در یکی از خیابانهای منا، بنده پایم را که بلند میکردم میخواستم بگذارم روی زمین، جا پیدا نمی کردم، و میگذاشتم روی مدفوع یا حد اکثر روی لاشه گوسفند! بسیار کشیف شده بود و واقعاً تأسف انگیز بود برای ما. ما که به حساب مهندسی میدانیم، من فکر میکنم اگر یک سال، نفری ده تومان از همین حجاج بگیرند، که یک میلیون نفر هستند، ده میلیون تومان میشود و با ده میلیون تومان میشود منا را آباد کرد و این کار عملی است. مردمیکه آنجا می آیند، پول خرج میکنند. با حساب ما بیش از پنج هزار تومان و بعضی خیلی بیش از اینها هزینه میکنند، ده تومان که رقمی نیست و افراد، حتی آنهایکه خیلی ضعیف هستند و مال خود آنجا هستند، با سهولت میتوانند این پول را بدهند. بنابراین، مسائلیکه به دولتها مربوط میشود، دولتها هم صلاحیت دارند و هم قدرت دارند که این کار را بکنند. اینها را فقط آنها میتوانند انجام دهند. ما تنها می توانیم این را تعقیب کنیم و بخواهیم از دولتها و به صورت برنامه های به ایشان بدهیم و بگوییم این مشکلات شما است.

مثلاً یکی از آنها رمی جمره بود که بنده خودم در سفر اول، وقتی لحظه اول وارد شدم، دیدم که دو تا حوله یک نفر افتاده و فریاد میزد یک حوله به من بدهید. لخت هستم! کفش خودم لحظه اول رفت بعد یکی از دوستان را دیدم که سرش خونآلود بر می گردد! وقتی از رمی برگشتم، فکر خانم و مادرم بودم که اینها را چه کنم؟!

این مشکلات را میشود با یک برنامه ریزی، با نصب میلههایی درست کنند. با صف از یک جا بروند از جای دیگر برگردند. صد نفر بینظم تأثیر ازدحام هزار نفر را دارد. اینها مطالبی است که ما الآن داریم میگوییم، اگر ده سال دیگر جمعیت بشود ده میلیون نفر چه می شود؟! اصلاً عملی نیست.

۳. مسأله سوم رفتاری است که با حجاج ما داشتند و حالا- هم تا حدی هست. متأسفانه بسیار زشت و زننده و تحقیر آمیز بود در سالهای گذشته، خیلی بدتر هم بوده که خوشبختانه الآن وضع خیلی بهتر شده است. در فرودگاه افراد را می آوردند جلو آفتاب و نگه میداشتند و شنیدم از پسرگردنشان می گرفتند و پرت میکردند توی هواپیما؛ هواپیمایکه صندلی نداشت. کاری نداریم که عدهای به این سفر میروند درحالیکه اعتقاد ندارد، ولی با وجود این، من فکر میکنم رفتنشان بهتر از نرفتن است. بالاخره محیط مذهبی است و سفر مذهبی اثر روانی دارد، ولی باید تغییراتی داده شود و اصلاح شود. یکی از دوستان من توصیف میکرد که یکی از میهمانداران هواپیما از بستگان ما است و او میگفت: من وقتی در هواپیما پذیرایی میکردم، در همین سال گذشته، دیدم یک آقای خیلی لاغر نشسته روی صندلی، وقتی رفتم کمر بند صندلیاش را ببندم، دیدم نمیشود از بس کلفت است! تعجب کردم، گفتم: آقا! شما به اینلاغری، چطور کمر بند به کمرتان نمیرسد؟! بعد متوجه شدم سیزده تا کت روی هم پوشیده است! کت های کهنه را از جده کمی

ارزان خریدی که در ایران بفروشد و این وضع خیلی زشت را به وجود آورده. از این نمونهها زیاد است. آن کلاسی که پیشنهاد شد برگزار شود، به این منظور است که ما این را اعلام کنیم. امکانات زیاد و کلاسها گسترده شود و بعد گفته شود که لازم نیست زیاد طول بکشد. ده- پانزده روز بیشتر نیاز نیست آنجا باشند. ضمن این که تعلیم می دهند که چه برنامه‌های آنجا دارند، تذکر بدهند که این کارها را نکنید زشت است. مسافرتیکه انسان این همه رنج را تحمل میکند، حالا اگر یک کت نخرد چه میشود! ممکن است کمی ارزان باشد و سودی بیاورد، ولی از آن بگذرید، به خاطر این که آبروی مسلمین را حفظ کنید. بنده فکر میکنم این سه موضوع را اگر از همدیگر جدا کنیم، شاید بتوانیم نتیجه بگیریم.

«پرواز بر بال نیابت»

محمد رضا سبحانی نیا

حج میثاق بنده و پروردگار است و از بزرگترین فرایض الهی به شمار می‌آید.

همه ساله، افزون بر صدها میلیون دل بی‌قرار در موسم حج، از راه دور، لحظه لحظه مراسم حج را در ذهن خود مرور می‌کنند، میلیون‌ها تن نیز از سراسر دنیا سختی‌های این سفر را بر خود هموار کرده و در حرم امن خدا گردهم می‌آیند تا ضیافت الهی را رونق ببخشند.

آن هنگام که زائر بیت الله لباس تعلقات دنیا را از تن دور می‌کند و جامه سفید میهمانی میپوشد و دوشادوش دیگر مسلمانان، از نقاط مختلف دنیا، با رنگ‌ها فرهنگ‌ها و زبان‌های متفاوت، می‌ایستند و ندای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سر می‌دهد، بر شکوه و زیبایی مسلمانان اش افتخار می‌کند و از اینکه چونان قطره‌ای در این دریای موج سفید پوشان، تا ساحل ساده و بی‌آلایش کعبه در تلاطم است، به خود می‌بالد.

بر اساس آیات قرآن (۱) و روایات ائمه اطهار: (۲) در زندگی هر مسلمانی، به شرط توانایی و استطاعت، یک بار حضور در مراسم حج واجب است. اما شرکت همه ساله در حج و کثرت انجام این عبادت الهی، در روایات دیگری مورد تأکید و تشویق قرار گرفته است. (۳) امام صادق (ع) به عیسی بن ابی منصور سفارش می‌کند که: اگر بتوانی نان و نمک بخوری ولی همه ساله به حج بروی چنین کن. (۴)

و امام سجاد (ع) در دعای خود، از خداوند می‌خواهد که حج و عمره را تا زمانی که زنده است همه ساله روزی او سازد (۵). در روایت دیگری بی‌نیازی و توانگری (۶)، سلامتی از بیماری‌ها (۷)، خیر کثیر (۸) و دوری از هراس قیامت (۹) از آثار پیوسته حج گران به شمار آمده است.

برخی از حاجیان که توفیق سفرهای متعدد حج رایافته‌اند، پس از انجام حج واجب خود، سفرهای دیگرشان را به نیابت از افرادی که این توفیق نصیبشان نشده، به جا می‌آورند و از آن روی که حج نیابی؛ چه از طرف افرادی که دستشان از این دنیا کوتاه است یا آنان که به جهت کهولت سن یا بیماری، توان این واجب الهی را ندارند، به صورت تبرعی یا استیجاری انجام می‌پذیرد، به نظر می‌رسد که تلقی خوبی از انجام حج نیابی در اذهان نباشد و برخی را گمان آن است که این عبادت خالصی نیست اما با توجه به روایت امامان معصوم: این تلقی نابجایی است. بر اساس دسته‌ای از احادیث، انجام حج نیابی به هر دو صورت، نه تنها پسندیده است، بلکه ثواب و پاداش بیشتری هم دارد. (۱۰)

بر اساس سخن نورانی پیامبر گرامی (ص) خدای متعال با یک حج سه نفر را وارد بهشت می‌سازد؛ «مرده»، «کسیکه از طرف مرده حج نیابی به جای آورده» و «آن که برای مرده نایب گرفته است». (۱۱) همچنین آن بزرگوار بازماندگان مرده را به انجام حج به نیت فرد در گذشته ترغیب می‌کردند. (۱۲)

امام صادق (ع) در پاسخ ابن مسکان، که از پاداش نایب در حج سؤال می‌کند می‌فرماید: «کسی که به نیابت از دیگری حج می‌کند پاداش ده حج را دارد». (۱۳)

در سخن دیگری، علاوه بر پاداش ده حج، آمرزش الهی را تحفه حج برای فرد نایب و همه خویشاوندانش به حساب می‌آورد. (۱۴) همچنین حازم بن حبیب را به پرداخت هزینه حج نیابی برای پدر و مادر در گذشته‌اش ترغیب می‌فرماید. (۱۵) عبدالرحمان بن سنان می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که مردی به حضور وی آمد. حضرت سی دینار به او پرداخت که به نیابت از اسماعیل

فرزند امام صادق (ع) حج انجام دهد و حتی هروله (۱۶) مستحبی در وادی محسر (۱۷) را فرو گذار نکرد. سپس فرمود: فلانی! اگر این کارها را انجام دهی، برای اسماعیل - که از مال خود خرج کرده - یک حج است و برای تو، که بدن خود را به رنج می‌افکنی، نه حج خواهد بود. (۱۸)

البته همانطور که عبادت نیابی، در بیشتر ابواب عبادت، به ویژه در حج تمتع راه یافته، نیابت در بعضی اعمال حج یا عمره هم مورد سفارش قرار گرفته است. طواف و نماز آن، از جمله این اجزاء است که به عنوان عبادتی مستقل معرفی شده است.

موسی بن قاسم از امام جواد (ع) اجازه می‌خواهد که به نیابت از امامان معصوم: طواف به عمل آورد، حضرت در پاسخ می‌فرماید: هر چه می‌توانی طواف کن که این جایز است.

موسی بن اسماعیل که در سالی دیگر طواف نیابی خود را بر امام (ع) گزارش می‌کند، عملش مورد تأیید امام جواد (ع) قرار گرفته و به علاوه امام (ع) او را به نیابت طواف از مادر بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا ۳ ترغیب می‌کنند. (۱۹)

نگارنده سطور، که در موسم حج تمتع سال ۱۴۲۷ هـ. ق. توفیق تشرف به اماکن مقدس مکه و مدینه و انجام حج نیابی را داشتیم، بر آن شدم که پس از بررسی روایات حج نیابی، نگاه کوتاهی به نیابت در حج، در فرهنگ زائران ایرانی داشته باشم.

در شهر مکه مکرمه، یکی از پرسشهایی که بارها از روحانیان کاروان‌ها پرسیده می‌شد، امکان نیابت در اعمال، به ویژه عمره مفرده و طواف نیابی بود. روحانیون کاروان‌ها، نظر به فتوای احتیاطی مراجع معظم تقلید نسبت به انجام دو عمره در یک ماه قمری، زائران را به انجام عمره مفرده تشویق نمی‌کردند. با این حال، به هنگام احرام برای عمره مفرده، بیشتر زائران ایرانی در مسجد حاضر شده و برای اعمالی دوباره، مُحرم می‌شدند. در این میان، به استثنای کسانی که به جهت انجام حج نیابی، عمره مفرده را برای خودشان بهجا می‌آورند، غالب آنها به نیابت از بستگان یا شهدا و در گذشتگان خویش و بعضی به نیابت از ائمه اطهار: به ویژه امام حسن عسکری (ع) که حج به‌جا نیاورده‌اند، به احرام عمره مفرده احرام می‌بستند.

این تلاش‌های مشتاقانه، از تمایل زائران خانه خدا به عبادت بیشتر در این اماکن مقدسه و توجه به عبادت نیابی، حکایت داشت. گویی برای زائران محترم ایرانی علاوه بر سوغات مادی این سفر، شریک کردن خویشان و اقوام در ثواب عبادتها سوغاتی معنوی بود که با خود به وطن می‌بردند.

۱- آل عمران: ۹۷

۲- الخصال، ص ۶۰۶ و راجع الحج و العمرة فی الكتاب و السنه، باب وجوب الحج و شرائطه، ص ۱۸۶

۳- الحج و العمرة فی الكتاب و السنه: ص ۲۲۵، باب فضل ادمان الحج.

۴- تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۴۲، ح ۱۵۳۷

۵- صحیفه سجادیه، دعای ۲۳

۶- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۶، ح ۲۲۰۶؛ الخصال، ص ۱۱۷، ح ۱۰۱

۷- الکافی، ج ۴، ص ۲۵۴، ح ۸

۸- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۶، ح ۲۲۰۵؛ الخصال، ص ۶۰، ح ۸۱

۹- امالی الطوسی، ص ۶۶۸، ح ۱۳۹۸؛ الحج و العمرة فی الكتاب و السنه، ص ۲۲۹

۱۰- الحج و العمرة فی الكتاب و السنه، ص ۴۴۷، باب فضیلت حج نیابی.

۱۱- السنن الکبری، بیهقی، ج ۵، ص ۲۹۳، ح ۹۸۵۵؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۱۲۵، ح ۱۲۳۴۳

۱۲- السنن الدارمی، ج ۱، ص ۴۶۹، ح ۱۷۸۱؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۸۱

۱۳- الکافی، ج ۴، ص ۳۱۲، ح ۲

۱۴- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۲۲۳۹

۱۵- الغیبه للنعمانی، ص ۱۷۲، ح ۶

۱۶- هروله: رفتاری میان راه رفتن و دویدن، با شتاب راه رفتن.

۱۷- وادی محسر؛ سرزمین کوچکی است میان مشعر و منا. سال‌ها پیش از طلوع اسلام، سپاه ابرهه که به قصد تخریب کعبه لشکر کشی کرده بودند، به اراده خداوند، در این مکان توسط پرنده‌گان کوچکی سنگباران شده و از میان رفتند.

۱۸- الکافی، ج ۴، ص ۳۱۲، ح ۱

۱۹- الکافی، ج ۴، ص ۳۱۴، ح ۲

ص: ۵۴

نگارنده نیز بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده گرفته بودم، در هر عملی از اعمال فریضه حج، به یاد متوبعنه خود بودم. مرحوم حاج عبدالله خاک‌نیا فردی متدین از اهالی شهرستان گراش از توابع لارستان استان فارس، که حدود دو سال پیش در جوار رحمت حق آرمید.

با اینکه تا پیش از حج، نه آن مرحوم را می‌شناختم و نه فامیل و شهر و دیارشان برایم آشنا بود، اما در آغاز هر عملی به یاد او بودم و خود را در جای او می‌دیدم. به وقت احرام بستن و لبیک گفتن و طواف گرد کعبه، به هنگام تکبیر نماز طواف، یا در سعی و تقصیر و وقوفین و اعمال روز عید قربان و یا در طواف حج و سعی و طواف نساء و بالأخره همه جا، حاج عبدالله خاک‌نیا همدم و مونس خاطر من شده بود و توگویی احساس دوستی و خویشاوندی با وی داشتم. به همین جهت وقتی از سفر حج به شهرم، قم باز گشتم، پذیرش درخواست سرور گرامی‌ام جناب آیت‌الله سیدعباس معصومی امام جمعه سابق شهرستان گراش، که واسطه این نیابت بودند، مبنی بر سفر به شهر گراش برایم دشوار نمی‌نمود.

رسم خانواده مرحوم خاک‌نیا همچون سایر اهالی این شهر، این بود که از نایب در حج، همانند حاجی خویش استقبال کرده و مراسم ولیمه حج را با حضور او بر پا دارند. لذا پس از هماهنگی‌های لازم، چند روز پس از بازگشت از سفر حج، با پرواز تهران- بندرعباس به مقصد جنوب گرم کشور عزیزمان بار سفر بستم. در فرودگاه بندرعباس دو تن از اهالی خون گرم گراش به استقبال آمدند تا مسیر سه ساعته بندر تا گراش برایم آسان شود.

هوای گرم و شرجی بندرعباس، در آغازین روزهای بهمن ماه، برای هر تازه واردی زیبا می‌نمود و پهناوری و چهارفصلی ایران عزیز را یادآوری می‌کرد.

بندری پر ازدحام از مسافران، ساکنان و دستفروشان که ماهی و میوه‌های گرمسیری، کالای با ارزش آنان بود. رانندگان بسیاری که کامیون‌های خود را برای به حرکت در آوردن چرخ صنعت و بازرگانی میهن اسلامی در کنار اسکله‌های شهید رجایی و شهید باهنر به صف کرده بودند و کشتی‌های بزرگ و کوچک، که در فاصله نسبتاً زیادی از بندر، در انتظار نوبت تخلیه بار در اسکله‌ها ایستاده بودند و ... همه از جذابیت‌های بندرعباس بود.

سفر از بندرعباس تا شهرستان لار و سپس گراش سه ساعتی طول کشید. در استان فارس هر چه به لار نزدیک‌تر می‌شدیم نخلستان‌ها فراوان‌تر و باغات مرکبات انبوه‌تر می‌شد. در روستاهای کنار این جاده مساجدی را می‌دیدم که از نوع بنا و مناره‌های آن معلوم بود که مساجد برادران اهل سنت هستند. (۱)

گراش، شهری کوچک اما زیبا و مذهبی است. زیبا به جهت دامنه‌های سرسبز کوهستانیش، که پر از درختان مرکبات و نخلستان خرما است و منازل و خیابان‌هایی که با سلیقه خوبی ساخته شده‌اند و مذهبی، به جهت فراوانی مساجد، حسینیه‌ها و اماکن مذهبی، که در آغازین روزهای ماه محرم الحرام با بیرق‌ها و کتیبه‌های عزای حسینی آراسته شده و برای اهالی شهر، سند افتخاری بر خادمی دستگاه اباعبدالله الحسین (ع) به حساب می‌آیند.

در شهر گراش، خانواده مرحوم خاک‌نیا نایب حج پدرشان را آن گونه استقبال کردند که اگر پدرشان در قید حیات بود آن می‌کردند. از ذبح قربانی تا چاوش خواندن و تبریک و خیر مقدم گفتن و نثار گل و شیرینی و سپس مراسم ولیمه حج، همه نشان از روح سخاوت و معنویت این مردم داشت. این استقبال گرم و صمیمی در ذهن سؤالاتی را پدید آورد. با مطالعه‌ای که در این زمینه انجام دادم، به دست آوردم که در بسیاری از نقاط ایران اسلامی چنین سنت حسنه‌ای جاری است. در برخی از شهرها این رسم چنان اهمیتی دارد که یا نایب را از شهر خود بر می‌گزینند و یا اگر نایب اهل شهر دیگری باشد، شرط می‌کنند که در بازگشت از حج به شهرشان باز گردد و پیش از آن که به جایی دیگر رود، به منزل آنان گام بگذارد و در این هنگام است که منوب‌عنه یعنی

فرد که‌نسال یا در گذشته خود را حاجی می‌نامند.

در بعضی نقاط، حتی بدرقه کردن و خداحافظی قبل از سفر نیز اهمیت دارد. مردم این شهرها خوش دارند که حج‌نایشان از شهر خودشان آغاز شود. پس با او برای انجام حج‌بلدی؛ یعنی حجی که از شهر خودشان آغاز شود، پیمان می‌بندند.

پس دریافتم این سنت حسنه، نه ویژه این شهر، که در میان بیشتر مردم کشورمان، به ویژه مردم خون‌گرم و متدین جنوب از خوزستان تا هرمزگان جاری است و من اکنون میهمان یکی از این خانه‌های گرم و صمیمی هستم.

برای این خانواده متدین که میهمان خود را با اشک چشم، خیر مقدم می‌گفتند، شاید ظرف آبی از چشمه زمزم، بهترین هدیه بود که آنان قدر آن را خوب شناختند.

صبح فردا خاطرات خود را در حالی مرور می‌کردم که کوه‌های سفید از برف و زیبای سرزمینی پهناور ایران از پنجره هواپیما دیدگانم را نوازش می‌کرد ... والسلام.

۱- این مساجد در جنوب استان فارس مرا به یاد خاطره شیرینی در حج‌امسال انداخت.

در مسجدی در شهر مکه خطیب وهابی پس از نماز جماعت سخنرانی می‌کرد. موضوع سخنان او توسل از دیدگاه اسلام بود. وی توسل را دارای اقسامی معرفی کرد که به عقیده او برخی از آنها حلال و مشروع و برخی نامشروع شمرده می‌شد.

او توسل به اولیاءالله و ارواح شهدا و امامان را از مصادیق توسل نامشروع دانسته و آن را نزدیک به شرک می‌شمرد. فردی از روحانیان اهل سنت کشورمان که از کاروان‌های جنوب استان فارس به مکه آمده بود، داوطلب شده بود تا سخنان خطیب را برای ایرانیان حاضر در مسجد به فارسی ترجمه کند. این اقدام او ابتدا بر ما گران آمد و باعث تعجب ما شده بود، اما به وقت ترجمه، متوجه شدیم که مترجم از همه سخنان خطیب آن قسمت را که مورد اتفاق شیعه و سنی بود به خوبی و شیوایی ترجمه و تفسیر نمود ولی در آن بخش از سخنان خطیب که محکوم کردن توسل به ارواح مقدسه اولیا و ائمه اطهار: بود و با عقیده شیعیان ناسازگار، با درایتی ستودنی گفت: البته جناب شیخ مطالبی هم می‌فرمایند که چون برادران شیعه ما در مجلس حاضرند و همچنین در موسم حج هستیم که ایام وحدت و برادری مسلمانان است، از ترجمه این بخش از سخنان شیخ خودداری می‌کنم. مصلحت سنجی این برادر اهل سنت ما حقیقتاً ستودنی بود که مورد تشویق ایرانیان حاضر در مسجد قرار گرفت.

ص: ۵۶

رسم «تهنیه» در ترکیه

اسرا دوغان

دولت عثمانی، در طول تاریخ حیات خود، حساسیت زیادی به مناطق مقدس داشته و برای انجام فریضه حج اهمیت بسیار قائل بوده است؛ همان طور که مسلمانان ترک زبان نیز برای انجام این امر، اشتیاقی وصف ناپذیر داشتند. این شوق و شور، در هیچ دوره‌های از تاریخ، نه تنها کم نشده، که بیشتر هم شده است.

در خانواده‌های سنتی، تمایل به انجام مناسک حج و حاجی شدن، از انجام یک امر دینی فراتر است. حج برای حاجی اعتبار ایجاد می‌کند و این امر، بعد فرهنگی قوی دارد و پاسخگوی انتظارات گوناگون هر فردی است.

واجب شدن بهشت، برای کسی که کعبه را دیده و خاصیت و ویژگی شفابخشی قائل شدن برای اشیای موجود در کعبه و این که ثواب انجام یک بار حج، برابر است با ثواب ۷۰ سال عبادت و ... در جامعه سنتی، ارزش‌های کمی نیست.

این امتیازات حج را به یک فریضه تبدیل می‌کند و یک مسلمان ترک، از اینکه علم خود را به این مراسم بیاورد کراهت ندارد. همچنین دو مقوله دین و سیاست با هم، در این مراسم آمیخته می‌شود و دین به سیاست می‌پیوندد.

حاجی، هنگام بازگشت از حج، حالت روحانی خاص را در خود احساس می‌کند خستگی و تحوّل روحی او نشان می‌دهد که سفر سختی را پشت سر گذاشته است. گویی با آن حال و روزش، به ما گوشزد می‌کند که «نا برده رنج، گنج میسر نمی‌شود».

آری، رفتارهای او بهتر می‌شود و شادابی بیشتری پیدا می‌کند. چهره اش با لبخند و بر تواضع‌اش افزوده می‌شود، تا جاییکه اگر حتی بچه‌ها به زیارتش بیایند، برایشان می‌ایستند و آنها را بدرقه می‌کند و حتی افراد ناشناسی را که به دیدنش آمده‌اند، در آغوش می‌گیرد و با او روبروسی می‌کند.

فریضه حج را مانند یک جشن برگزار می‌کنند. به دنبال این دید و بازدیدها، روابط مردم با یکدیگر بهتر می‌شود و از نو شکل قویتری به‌خود می‌گیرد

حاجی با لبیک گفتن، در واقع دعوت خدا را اجابت می‌کند. سفر حج برای او، اولین سفرش به خارج از کشور است. در این سفر اشیای مقدس و جدید می‌بیند. وقتی باز می‌گردد، در محیط زندگیش صاحب نفوذ می‌شود و بالأخره به خواست معنویاش، که حاجی شدن است، میرسد.

حاجی، در سایه اعتباری که به دست آورده، محترم‌ترین فرد در روستا می‌شود. در اختلافات میان افراد، میانجیگری می‌کند و به عنوان داناترین فرد در محیط زندگیش، مورد احترام واقع می‌شود. داد و ستد را کنار می‌گذارد و در سیاست، پست و مقامی نمی‌گیرد. امور دنیوی او را مجذوب خود نمی‌کند. همه همّتش را صرف امور معنوی و سرای آخرت می‌کند. البته باید پذیرفت که گاهی از طرف بعضی حاجیها عنوان «حاجی» مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد.

قبل از انقلاب، وقتی مردم ترکیه از حج بر میگشتند، روی کلاهشان به عنوان نشانه حاجی بودن عمامه می‌بستند و عبای مخصوص شامی می‌پوشیدند و دیگر ریش خود را نمی تراشیدند. (معمولاً کسانی که ریش دارند، به حاجی ملقب می‌شوند). مردم ترکیه ضرب المثلی دارند که می‌گوید «هر ریشداری که حاجی نمی‌شود» و هنوز هم می‌بینیم که بعضی از افراد، وقتی از حج بر میگردند، باز هم از دروغ و گناهان توبه نمی‌کنند

از آنجا که در گذشته‌های دور، مردم با شتر و اسب به حج می‌رفتند، ماهها طول میکشید تا بازگردند و بعضی از آنها هرگز باز نمی‌گشتند؛ برای همین، کسانی که به حج می‌رفتند از فامیل و دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبیدند؛ چون امکان باز نگشتن وجود

داشت.

آنان برای رفتن به حج، نه تنها از کسی پول قرض نمیگرفتند، بلکه کسی که عازم حج بود، پیش از رفتن، همه دیون و بدهیهای خود را میپرداخت و به اندازه روزهایی که در سفر بود، همه احتیاجات و نیازهای خانوادهاش را فراهم میکرد و آنان را به یکی از نزدیکانش میسپرد.

در ترکیه زنان نمیتوانستند بدون محرم بهحج بروند.

بعد از این سفر معنوی، بر احترام و اعتبارحاجیان در میان مردم افزوده میشد و برای حاجی، که این عنوان با سختی به دست میآورد، بعد از بازگشت از سفر، جشنی به پا میکردند.

در سالهایی که دولت ترکیه تأسیس شد؛ یعنی ۱۹۴۰، به خاطر همزمانی آن با جنگ جهانی دوم، و نیز جنگ اعراب و اسرائیل، تعداد کسانی که به حج میرفتند کاهش یافت. بنابراین، همان افراد اندک هم که توفیق سفر می یافتند، در استقبال از آنها، هنگام بازگشت، مبالغه و زیادهروی میشد.

ص: ۵۷

گاهی سفر حج ۳ یا ۴ و یا حتی ۶ ماه به طول میانجامد. از همینرو، هنگام بازگشت حاجی، از وی با اشتیاق و با شکوه استقبال میشد. برای همین وضعیت، ضرب المثلی نیز در ترکیه بر سر زبانها است که: «منتظر است، مثل انتظار حاجی».

تهنیه در شهر

در روزگاران گذشته، استقبال از حاجی با مراسم تهنیه انجام میشد و این در ترکیه یک سنت بود. واژه «تهنیه» یعنی استقبال و جشن و شادی در خوش آمدگویی.

گفتنی است، پیش از آنکه حاجی سفر مکه را آغاز کند، خویشاوندان برایش صندوقی می‌خریدند و آن را رنگ سبز میزدند و در روز حرکت، وسایل مهم او را که پوشاک باشد، داخل صندوق می‌گذارند. و از این زمان به کسی که عازم سفر بود، «حاجی افندی» می‌گفتند. هنگام حرکت، صندوق پیشاپیش به حرکت در می‌آمد.

برای او قاورمه هم حاضر می‌کردند. قاورمه گوشتی بود که سرخ می‌کردند تا حاجی در طول سفر از آن استفاده کند.

خویشاوندان بدرقه‌اش می‌کردند. هر کدام از آنها برای حاجی، آجیل و نیز حوله‌های کوچک برای نظافت هدیه می‌آوردند.

در روزها و ایامی که حاجی در سفر بود، همسرش در خانه انتظارش را میکشید. او نه به میهمانی میرفت و نه در شادیهای بیرون از خانه شرکت میکرد.

یک ماه پیش از برگشتن حاجی در خانهاش را با رنگ سبز رنگامیزی می‌کردند. به همه اتاقها رنگ سبز میزدند. برای زن، مادر زن و دختر حاجی لباس مخصوص با رنگ سبز میدوختند.

اگر مادر زن داشت، برای او روسری، با حاشیه‌های تزیین شده تهیه می‌کردند.

روزی که حاجی به خانه برگشت، در وسط اتاق میزی را قرار می‌دادند و بر روی آن، روغنی را که حاجی از حج آورده بود و نیز ظرفی را برای ریختن آب زمزم می‌گذاشتند.

غذاهای گوناگون می‌پختند و به خویشاوندان و همسایگان انگشترهای رنگارنگ هدیه میدادند و همه با هم، برای استقبال، به سوی کشتی میرفتند.

وقتی افندی به سرش چفیه و به دوشش عبا میانداخت، در او تحولی ایجاد میشد و آنگاه که خویشاوندان با وی رو به رو میشدند، همگی کتف راست و سپس چپ او را میبوسیدند.

خویشاوندان درجه اول، دست حاجی را گرفته و در پیشاپیش جمعیت راه میرفتند و مردم با آهستگی و هماهنگی، پیاده و الله اکبرگویان، او را به خانه می‌آوردند. کسانی همکه توان رفتن به استقبال نداشتند، در خانه اجتماع کرده به انتظار مینشستند. افندی بسم الله گویان داخل خانه میشد و به اتاق سبزیکه برایش آماده شده بود، می‌رفت. استقبال کنندگان پیرامونش جمع میشدند، یکی از دو نفری که کنار میز نشسته بود، به میهمانان آب زمزم میداد و دیگری ظرف کوچک فلزی را که حاوی روغن بود، بر آنان تعارف میکرد.

در قسمت خانم‌ها نیز قضیه به همین شکل است. دو خانم، با لباسهای سبز، خود را زینت می‌دهند و تاج به سر می‌گذارند. به همین شکل به میهمانان تعارف میکنند. بعد از سلام و احوالپرسی، میهمانها برای نهار دعوت میشوند، بعد از غذا شربت به میهمانان داده میشود به نام «خوش آب» (نوعی کمپوت است که با آب و شکر و کشمش میسازند) از سفره‌های ترکان کم نمیشود، با این تفاوت که داخل آن راحه الحلقوم و فندق که به مناسبت آمدن حاجی اضافه شده، میریزند.

حاجی افندی برای میهمانان هدایایی چون آب زمزم، حنا، سرمه، حلقه‌های عقیق، تسبیح عقیق، مسواک، حلقه‌های نقره‌ای که به آنان حلقه یا صبور می‌گویند می‌آورد.

تا شب، قهوه و شربت و سیگار به میهمانان تعارف میشود.

از قهوه‌خانه قلیان‌هایی می‌آورند. آجیل مخصوصی که به «آجیل حاجی» معروف است نیز تعارف می‌کنند.

حاجی ماجراهای سفرش را برای میهمانان می‌گوید. سفر کردن با شتر، گفتن لَبیک در عرفات، سفر به شهر طائف و ... را از اول تا آخر تعریف میکند

آنهایکه سخنان حاجی را میشنوند، همه یکباره میگویند خدا نصیب ما هم بکند.

زن حاجی با ناز و وقار کنار حاجی مینشیند و او را میبوسد.

ص: ۵۸

در همه شهرهای آناتولی، به خصوص در بورسه، واژه «تهنیه» استفاده میشود. در آناتولی استقبال حاجی شکل‌های گوناگون دارد، ولی در بورسه، پایتخت قدیم عثمانیها، در کنار آداب و رسوم گوناگونی که بود، رسم زیبایی نیز نسبت به بقیه رسمها وجود داشت، که به آن اشاره میکنیم:

خویشاوندان مرد در ۲ یا ۳ کیلومتری به استقبال حاجی میرفتند.

به کسانی که به استقبال میرفتند، از طرف خانواده حاجی خلعت‌هایی به نام «چفیه» داده میشد که آن را به گردن می‌پیچیدند و بعد از آن، به عنوان یادگاری نگه میداشتند. این چفیهها، بعدها، در قرن ۱۸ و ۱۹ که مردم عثمانی کلاه قرمزی به سر میگذاشتند، دور آن پیچیده میشد. مردها پیاده و زنها به وسیله گاری به خانه بر میگشتند. حاجی به جای اینکه مستقیم به خانه خود برود، به خانه همسایه میرفت. در جای مخصوصیکه برایش آماده شده بود، مینشست. به بالش‌های مخصوصی تکیه میداد و روی دیوار قالی‌های ابریشم مخصوص، که نمودار تصاویر مکه و مدینه بود، برای او نصب میکردند.

استقبال کنندگان و میهمانان کف دست حاجی را میبوسیدند. سپس مدتی سکوت حاکم میشد و حاجی گزارش سفرش را برای همه بیان میکرد. مهمترین حادثه و ویژگی تهنیه این بود که جشن سه روزه‌ای برای میهمانان زن به پا میشد.

زن‌ها و دخترهای محله، از چندین روز قبل خود را برای این جشن آماده میکردند.

صاحب‌خانه از همسایه و دوستانش ملاف‌های اطلس و ابریشم آراسته و پارچه‌های مخمل مزین، رومیزی برای تزیین دیوار و سقف‌های خانه قرض میگرفت و خانه به این شکل تزیین میگردد.

میزها و مبلمان خانه، با پارچه‌های اطلس و زرین پوشیده میشد. دختران دم‌بخت، روز اول تهنیه لباس‌های سنتی به نام کافتان و لباس‌های عروسی اطلسی میبوسیدند و بر سرشان تاج عروسی میگذاشتند. از میهمانان پذیرایی میکردند. ظروف ساخت هندوستان، حاوی آب زمزم، سینی خرما، سرمهدان، گلابدان، کاس‌های پر از انگشتر نقره، جعب‌های پر از پنبه برای عطر گل، که از حج آمده، یک آینه برای کشیدن سرمه، از قبل روی میز حاضر میشد.

دختران، روز دوم نیز لباس‌های مخملی و عروسی می‌پوشیدند. گردنبند‌های طلائی از قرن ۱۹-۱۸ مزین با الماس بر گردن می‌آویختند.

حاجی در آغاز ورود، ابتدا به زیارت کسی میرود که از میان از حج‌رفتها آخرین نفر است. این عمل به معنای به رسمیت شناختن مقام برتر حاجی قبلی است.

روز سوم تهنیه، دخترها لباس‌های سبز رنگی به تن میکنند که خودشان دوخته‌اند و روسریهایی به سر میکنند که حاشیه‌هایش گلدوزی شده است. این مراسم نقش مهمی در جامعه آن روزگار ایفا میکرد. زنان دارای پسر جوان، در خانه حاجی، دختران دم‌بخت را- که لباس‌های آراسته پوشیده بودند- برای پسر خود میبوسیدند. از همین رو، در این رونها، نه تنها برای تبریک و زیارت قبولی به حاجی، بلکه برای انتخاب دختر هم به آن خانه می‌آمدند. دخترها هم از این قضیه آگاه بودند و انگیزه بیشتری برای حضور در خانه حاجی داشتند.

در اثنای این دیدار، شیرینیای به نام «عاشوره» این شیرینی در اصل یک شیرینی نذری است که مردم ترکیه در روزهای محرم برای یادآوری شهادت امام حسین میان مردم پخش میکنند. که با دیگ‌های بزرگ پیشتر آماده شده، به آنها داده میشود. این پذیرایی برای حاجیه خانم افندی هم به همین شکل بود.

تهنیه در روستا

تدارکات حج، قبل از رفتن حاجی و یک ماه مانده به عید قربان آغاز میشد. ابتدا نزدیکان حاجی در روستا، حاجی را به نوبت،

برای صرف غذا دعوت می‌کردند، سپس نوبت به دعوت همسایگان می‌رسید. در هر نوبت، عالم روستا هم حاضر میشد. بعد از غذا، همه به مسجد می‌آمدند و نمازی می‌خواندند. از این به بعد، موضوع گفتگوی اهالی روستا، حج سال قبل و حاجیان امسال بود. حاجی در روز بدرقه تمام کسانی را که احتمالاً به بدرقه‌هاش می‌آمدند، برای صرف غذا دعوت می‌کرد. دعوت شدگان دور و غیر فامیل در صورتیکه عالم و آخوندشان را همراه داشتند، به صورت گروهی وارد خانه حاجی میشدند. به خاطر زیاد بودن تعداد دعوت شدگان، بسیاری از آنها به خانه‌های همسایگان می‌رفتند. غذاهایی که روی سینیها از خانه حاجی خارج میشد، در خانه‌های همسایه، در اختیار میهمانان قرار میگرفت. همه اهل روستا؛ چه در تهیه غذا و چه در پختن آن، به همدیگر کمک می‌کردند. بعد از غذا به مسجد می‌آمدند. مولودی گوش می‌کردند. شربت می‌نوشیدند. عطر می‌زدند و عود و عنبر می‌سوزاندند. سرودهای دینی می‌خواندند و دعا می‌کردند. همه اهالی روستا در خرمنگاه (میدان) جمع میشدند، در آنجا با گروهی که از مسجد بیرون می‌آمدند، حلقه می‌زدند. حاجی سکه‌هایی که از قبل برای مراسم تهیه کرده بود، به طرف مردم می‌انداخت. بزرگ و کوچک همه دوست داشتند که حد اقل یک سکه را بگیرند. هر کسکه از این سکه‌ها میگرفت، آن را- با این اعتقاد که سکه حج میمون و مبارک است- به کیسه پولش میدوخت. بعد از این ماجرای شیرین، حاجی ابتدا از پیر مردان حلالیت می‌طلبید. دست آنها را میبوسید و سپس جوانان و بچه‌ها دست او را میبوسیدند. در جلوی شاهدان، او به همین شکل، از اهالی حلالیت می‌طلبید. دیگر نه به کسی بدهکار و نه از کسی طلب داشت.

وسیلهاییکه او را به فرودگاه میرساند، در بیرون ده منتظر میماند، ولی حاجی هنوز کارش را تمام نکرده، به قبرستان میرفت و از مردگان هم اجازه میگرفت و فاتحه میخواند. به این صورت حاجی بدرقه میشد و در این میان به خانواده حاجی میگفتند: ان شاء الله به زودی بر میگردد.

ص: ۵۹

او بعد از ۳۸ روز با نام «حاجی» باز میگشت. ماشینیکه حاجی را سوار کرده بود، وقتی به روستا نزدیک میشد، مردم «مژده حاجی می‌آید» سر میدادند و راه بیرون روستا را برای استقبال از وی در پیش میگرفتند. اولین کسانی که به ماشین حاجی میرسیدند، او را در میان میگرفتند و به سمت روستا همراهیاش میکردند. زنان برای بوسیدن دست حاجی به طرف او هجوم می‌آوردند. اگر به خاطر ازدحام نمیتوانستند دست حاجی را بگیرند، لباسش را می بوسیدند. دست راست حاجی به صورت باز و رو به حضار بود تا آنها بوسند.

دست حاجی بعد از این دیگر مقدس بود؛ زیرا که آن دست بیت الله را لمس کرده است. حاجی که برای این سفر زحمات زیادی را تحمل کرده بود، چه بدنی خسته و کوفته، اما روحی آرام و شاد و چشمانی نمناک داشت.

بازدید از حاجی

حاجی جدید روستا، از همه گناهانش پاک شده، شاد و خوشحال منتظر اهالی روستا بود. خانهاش را فقط برای رفتن به مسجد و گزاردن نماز و زیارت بزرگان ترک میکند و برای آنها به نام شفا، آب زمزم می‌آورد. همه اهالی روستا برای دست بوسی می‌آمدند. او از همه اهالی ایستاده با تبسم استقبال میکرد و «زیارت قبول و نصیب شما» حرفهایی بود که میان دو طرف رد و بدل میشد. هدیههایی که حاجی از مکه برای اهل روستا می‌آورد، بین آنها پخش میشد. تسبیح، انگشتر، عرقچین و روسری، هدایایی بود که از مکه می‌آوردند. نگهداری این هدایا ثواب تلقی میشد. در این میان، پسر جوان آب زمزم و خرما در ظرفهای مخصوص بر روی سینی برای میهمانان می‌آورد. هر کس آب زمزم به دست گرفته، برمیخاست و روبه قبله می‌ایستاد و بعد از گفتن «بسم الله...» آنرا مینوشید. به کسانی که از روستاهای دیگر می‌آمدند، نهار داده میشد؛ زیرا خوردن غذای حاجی ثواب داشت. روغنی که حاجی از مکه می‌آورد، در جعبه کوچک فلزی نگاه داشته میشد، حاجی جعبه را از جیبش بیرون می‌آورد و به سمت افراد تعارف میکرد. فرد مقابل، از سوراخ کوچک روی جعبه، با انگشت روغن بر میداشت و به محاسن خود میمالید.

بر بالای در حاجی علم نصب میشد تا افرادی که از خارج روستا می‌آیند، بتوانند به راحتی خانه حاجی را پیدا کنند.

گفتگو آغاز میشد و حاجیان قدیم از حاجی جدید امتحان میگرفتند؛ فلان جا رفتی؟، اسم آنجا چه بود؟ و... حجاج روستایی که از حج بر میگشتند، مدتی در مسجد روستا میماندند و به مردمی که رفت و آمد به مسجد داشتند هدایایی می دادند.

لطیفه معروف در مورد حج

یک روستایی ساده لوح فکر میکرد برای خریدن بوی عطر به حج میروند. روزی روستایی ساده ما نیز به حج رفت. هنگام گردش در بازارهای مکه، کنار مغازه‌های ایستاد و داشت نگاه میکرد. صاحب مغازه بیرون آمد و گفت: حاجی! عطر نمیخوری؟ حاجی گفت:.. اگر عطر نمیخواستم، پس برای چه آمده‌ام

امروزه فراهم شدن امکانات زیاد برای سفر حج، به این سفر شکل یک چهره عادی بخشیده و بسیاری از سنتهای قدیمی از میان رفته است؛ از جمله فرهنگ تهنیه که امروز به خصوص، در شهرها جز نامی از آن باقی نمانده است.

حج در ادیان

بر گرفته از دائرة المعارف ترکیه / قدیری تللیک

زیارت اماکن مقدس، با انگیزه الهی یا قصد قربت، یکی از ارکان پنجگانه در اسلام است. واژه «حج» در زبان عبری «حگ» است؛ به معنای عید. این واژه از ریشه «ح» و «گ» به معنای «پیرامون چیزی گشتن و طواف کردن» است.

حج یا حگ، از تعابیر قدیمی زبان سامی بوده و غیر از زبان عبری، در زبانهای آرامی و صائبی نیز وجود داشته است. معنای اصلی این لغت، پیرامون چیزی طواف کردن و دور زدن و حلقهوار اطراف آن را گرفتن است.

حج، در زبان عربی به معنای رفتن، رو آوردن و زیارت کردن است و در اصطلاح فقهی، به مجموعه‌های از اعمال و مناسک گفته می‌شود که مسلمان مستطیع باید در زمان معین بهجا آورد. این اعمال شامل زیارت کعبه، عرفات، مزدلفه، منا و انجام وظایف عبادی خاص در این مکانها است. کسانی که این عبادت را انجام میدهند، در عربی «حاج» (جمع؛ حجاج) و در ترکی «حاجی» نامیده می‌شود.

حج در ادیان پیش از اسلام

در اصل حج، باور و اعتقاد به «تجلی الوهیت در یک مکان» نهفته است. اماکنی که از دیدگاه ادیان، مقدس شمرده میشوند، از لحاظ مکانی با جاهای دیگر تفاوتی ندارند، ولی در اینجا تجلی الوهیت، یا وقوع حادثه‌ای مرتبط با اعتقاد و باور مردم و یا ارتباط تنگاتنگ این مکان با شخصیتی دینی، آن را از اماکن دیگر متمایز می‌سازد و به آن قداست می‌بخشد. همچنین اسرارآمیز و خوفناک بودن چنین مکانهایی، از عناصر قداست‌بخش آن است. پس انسان، مکان مقدس را، نه انتخاب، که کشف میکند.

انسان دینمدار بر مکانهای مقدس، نگاهی متفاوت دارد و معمولاً آن را با سنگ‌چینها یا خاربهستهایی، از اماکن دیگر جدا می‌کند. این جداسازی، تنها برای نشان دادن تقدس مکان نیست؛ بلکه آن نشانه‌ها و موانع موجب میشود که افراد بی‌توجه و بدون آمادگی وارد حریم آن نشوند؛ روشن است که ورود به صحن مقدسی، آداب ویژه و متعدد دارد. اهمیت آستانه خانه یا معبد نیز از همینجا نشأت می‌گیرد. (۱)

واژه مکان مقدس و سنت زیارت چنین جایگاهی، در طول تاریخ و در همه ملتها وجود داشته است. زیارت اماکن مقدس، برای کسب منافع مادی، معنوی و اخلاقی صورت می‌گیرد؛ منافی است که از ناحیه قدسیت آن مکان برای شخص زائر حاصل می‌شود. (۲) حج در حقیقت این است که شخص از سرزمین خود، به طرف مکان مقدس یا معبدی مسافرت نماید. در این صورت، در مقابل زحمتی که متحمل شده، انتظار دارد که منافع مادی و معنوی بسیاری به دست آورد، از رفع مشکلات جسمی، تا حیات ابدی. (۳) در تمام ادیان قبیله‌ای، ملی یا جهانی، اماکن مقدس وجود داشته و زیارت آنها مرسوم بوده است. در خاور نزدیک از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، جایگاههای حج وجود داشته است؛ به خصوص در سرزمینهایی که دارای تمدن بوده‌اند.

نیپور (۴) در بابل و نینوا (۵) در عاشور، مراکز زیارتی بوده‌اند. از اوراق به دست آمده Mari نیز اینگونه برمی‌آید که در قرن ۱۸ قبل از میلاد، معبد سین (۶) در حاران و معبد بلیت اکاله (۷) در قاتنا (۸) از زیارتگاههای مشهور بوده‌اند.

در عصر برنز در معبد بائولتیس (۹) در بیلاس (۱۰) هدایای بسیاری وجود داشت که از مصر آورده شده بود.

در میان سومریها معبد انلیل (۱۱) که در نیپور واقع شده بود و در میان سامیها معبد اشتار (۱۲) در نینوا شهرت داشت. بعد از سومر

نیز، گذرگاه‌های مقدس به وجود آمد. بت‌های اساگیل (۱۳) و ماردوک (۱۴) هم بت‌هایی بوده‌اند که زائران برای زیارتشان راه‌های دور و نزدیک را می‌پیمودند.

در تاریخ چین کهن، اولین مراکز حج، پنج کوه بوده‌اند با نام‌های: سانگ‌شان (۱۵) تای‌شان (۱۶) هُواشان (۱۷)، هنگ‌شان (۱۸) و نونیاشان (۱۹) که هم تائوئیست‌ها و هم بودائیها بر فراز این کوه‌ها معابدی برای زیارت می‌ساختند و همین معابد بعدها از مراکز مهم حج برای پیروان این ادیان گردیدند.

علاوه بر این در آیین بودا، مراکز بزرگ و جدیدی برای حج به وجود آمد؛ معابدی که وقف بودا و بودائیان شده بود و نام‌هایشان عبارت بود از: ووتای‌شان، (۲۰) اومی‌شان، (۲۱) پوتوشان، (۲۲) چیوهُواشان. (۲۳)

مهم‌ترین این معابد «وو تای شان» در شمال شرقی چین بود که پنج تپه را شامل می‌شد.

صدها سال است که نه تنها از چین، بلکه از ژاپن، مغولستان، مانچوریا، آسیای میانه و هندوستان، زائران بسیاری برای برپایی مراسم حج ویژه بودائیان به این مکان می‌آیند.

در مراسمی که در پاییز برگزار می‌شود، حاجیان در حالی که لباس‌های زرد و قرمز بر تن دارند و چوب‌های بخور و کاسه‌ها را در دست گرفته‌اند، در گروه‌های ده تا پانزده نفری، بی‌صدا عبادت می‌کنند. (مدیتاسیون) تنها از گیاهان تغذیه می‌شوند، در طول این مسافرت طولانی، توبه می‌کنند و موقع رسیدن به محل حج، شست و شو می‌نمایند و وارد معبد می‌شوند. این عبادت و ریاضت، تا زمان برگشت به سرزمین‌های خود، ادامه می‌یابد.

۱- M. Eliade, *Le Sacretle profane*, s. ۲۵۲۶; a. mlf; *traite a histo des religions*, s. ۳۱۵ ۸۱۳

۲- DBS, ۷, ۵۶۷

۳- ERE, ۱۰, ۱۲

۴- Nippur

۵- Ninova

۶- Sin

۷- Belit Ekalli

۸- Qanta

۹- Baoltis

۱۰- Byblos

۱۱- Enlil

۱۲- Ishtar

۱۳- Esagil

۱۴- Marduk

۱۵- Sung shan

۱۶- Tai shan

۱۷- Hua shan

- Heng shan – ۱۸
- Non ya shan – ۱۹
- Wu tai shan – ۲۰
- O mei shan – ۲۱
- Pu to shan – ۲۲
- Chiu hua shan – ۲۳

ص: ۶۱

عبادت حج در هندوئیسم نیز وجود دارد. همزمان با استیلای آریاییها بر شبه جزیره هند، و ایجاد معابد هندوها، تعداد مکانهای زیارتی بیشتر شده است. در قرون وسطی رفتن به سرزمین‌های دور به قصد حج، مرسوم بوده است. در جنوب خلیج کومورین، (۱) در شرق، اُرسیا، (۲) در غرب کاتپیاوار (۳) و هیمالیا، مکانهای حج محسوب می‌شده‌اند. زیرا محل عزلت‌گزینی روحانیون بوده‌اند. در این حج، غسل و طواف از عناصر اصلی به شمار می‌آیند. در عقاید هندوئیسم، زیارت بنارس (۴) و غسل در نهر گانژ، (۵) حیات مجدد پس از مرگ و داخل شدن در زمره اهل سعادت را بشارت می‌دهد.

حج در بودیسم در مکان‌هایی انجام می‌شود که یادگارهای بودا را در خود دارند. یکی از مریدان بودا به نام آناندا، (۶) به سفارش بودا وظیفه داشت که پس از مرگ، خاکستر بدن او را در استوپا (۷) (اماکنی که یادگارهای بودا در آن نگهداری می‌شود). مخفی کند. پس از مرگ بودا، خاکستر بدن او به هشت قسمت تقسیم شد، بعدها دو قسمت دیگر از آن نیز جدا شد و در ده استوپا نگهداری گردید.

سلطان آشوکا (۸) این استوپاها را که به همان شکل حفظ شده بودند، باز کرد و خاکسترها را به ۴۸ قسمت تقسیم نمود (و در مکانهای متعددی قرار داد).

غیر از خاکستر بدن بودا، آیین بودایی، دو میراث دیگر هم از او دارد: یکی اشیایی که از او به جا مانده، مانند ظرف صدقه‌ای که از آن استفاده می‌کرده و جای پاها و نشانه‌هایی که از خود به جای گذاشته و دیگری مجسمه‌هایی که مانند ستوپاها یادآور بودا هستند، اما خاکسترهای بدن بودا را در خود ندارند.

در بودیسم، قدیمی‌ترین سندهای مربوط به حج، دستورات سلطان آشوکاست. آشوکا می‌گوید که در همین سال حکومتش، سفری برای یافتن حقیقت (۹) انجام داده و به مکانی که بودا روشنایی کسب کرده، رفته است. یعنی به «بودهاجایا». (۱۰) از آن روز تا کنون بودهاجایا مهم‌ترین جایگاه حج برای بودائیان بوده است.

مکانهای دیگری که بودائیان به عنوان حج زیارت می‌کنند، عبارت‌اند از، سیدهارتها‌گوتاما (۱۱) در پنال (محل تولد بودا) (۱۲) پارک گوزن (۱۳) که در نزدیکیهای بنارس واقع است. (بنارس اولین مکانی است که بودا در آن سخنرانی و موعظه کرده است) و کوشیگاراتا (۱۴) در اوتارپردادش (۱۵) که محل رسیدن به نیروانا (۱۶) یعنی مرگ بودا می‌باشد.

ولی هیچ یک از این مکان‌ها برای بوداییها جایگاه معنوی بودهاجایا را ندارد؛ زیرا بودها جایا ممثّل زایش بودیسم است. علاوه بر این از هندوستان تا سریلانکا هر چه که از بودا به جا مانده است و مکان‌هایی که معتقدند بودا آنها را زیارت کرده است، اکنون به عنوان مراکز حج بودایی شناخته می‌شوند.

کسانی که این مراکز را زیارت می‌کنند، سه دسته‌اند. گروه اول کسانی که می‌خواهند نیروی سحرآمیز موجود در این مکان‌ها را به دست آورند؛ گروه دوم کسانی که زیارت را مرحله‌ای برای رسیدن به بودا و راهی که به روشنایی می‌انجامد، می‌دانند؛ و گروه سوم آنان که می‌خواهند با این زیارت ارزش و اعتباری کسب کنند.

در این دنیا حجبی که با رو آوردن به بودا آغاز می‌شود، با رسیدن انسان به درک صحیح (۱۷) که همان حج درونی است، به بالاترین مرتبه خود می‌رسد.

در اعتقادات ژاپنی، کوهها و وطن خدایان هستند. بنابراین دامنه کوهها صدها سال است که جزو مکان‌های زیارتی است. از هفت قرن پیش تا کنون دامنه کوهها در میان بودائیان نیز به عنوان مکانهای حج زیارت شده است.

در رسوم ژاپن، مکان‌های متعددی برای حج وجود دارد که متعلق به شینتوها و بودائی‌هاست. حج ژاپنی‌ها، (۱۸) زیارت کردن منظم و متوالی مکان‌های زیارتی است که در بخش‌های مختلفی از کشور پراکنده‌اند.

نوعی حج هم وجود دارد که در آن تنها یک محل زیارت می‌شود.

معبدی که در ایسه واقع شده است، مرکز حج شینتوها می‌باشد. که برای والاترین خدای شینتوئیسم زندگی می‌کنند.

در ادوار دینی مختلفی که تا قبل از روم هلنیست در مصر وجود داشت، عبادت حج همواره مرسوم بوده است. عمده‌ترین مکانهای حج «دو» (۱۹) یا «بوسپریس» (۲۰) (خانه اوسیریس) در دلتا و همچنین «بوباتیس» (۲۱) در دلتا بود که معبد خدایان کله‌گره‌ای در آنجا واقع شده است.

بنابر گفته هزدوت، شمار کسانی که برای عید بزرگ به بوباتیس می‌آمدند، بالغ بر هفتصد هزار نفر بوده است.

آبدیاس (۲۲) یا آبدو (۲۳)، در مصر فوقانی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر مکانها برخوردار است. در این مکان که سر اوسیریس در آن واقع است، اسرار اوسیریس را جشن می‌گرفتند و اعتقاد داشتند که با زیارت این مکان به سعادت اخروی می‌رسند.

Comorin –۱

Orissa –۲

Kathiavar –۳

Benares –۴

Ganj –۵

Anand –۶

Stupa –۷

Ashoka –۸

dharmayatra –۹

BodhGaya .Buddhu Gaya .Bodhygaya –۱۰

Siddhartha Goutoma –۱۱

Lumbuni –۱۲

isipatano –۱۳

Kushinagara –۱۴

Utar pradesh –۱۵

Nirvana –۱۶

Drahma –۱۷

Junrei –۱۸

Dedu –۱۹

Busiris –۲۰

Bubiastis –۲۱

Abdias –۲۲

Abdu –۲۳

ص: ۶۲

بعدها دشت آمون (۱) - که امروز سیوا (۲) نامیده می‌شود از مراکز مهم حج گردید. در دوران پتولم‌ها (۳) هم آیین سرابیس (۴) رونق پیدا کرده بود و زیارتگاه ممفیس (۵) اهمیت خاصی داشت.

در سوریه نیز بیلابس، (۶) آفاکا، (۷) بعلبک، «هلیوپولیس تیر» (۸) به خصوص هیراپولیس (۹) مهم‌ترین مراکز حج به شمار می‌آمد. در دوران رومی‌ها، توریستهای بسیاری از کشورهای دور برای زیارت این مکان‌ها می‌آمدند. هر کس که به زیارت هیراپولیس می‌آمد، باید قبل از ورود به شهر، برای زیارت حج، موها و ابروهایش را کوتاه می‌کرد.

طواف کردن یک معبد یا سنگ مقدس، در میان اعراب قبل از اسلام نیز رایج بود. (۱۱۱، ۱، BD تورات تمام مردان یهود را وادار می‌کرد که هر سال سه بار در قدس، بارگاه یحوه (۱۰) حضور یابند. (۱۱) در سه عید فصح (فتیر)، (۱۲) چاوت (هفته‌ها) (۱۳) و سوکوت (سایبان‌ها). (۱۴)

در ساختار سنتی یهودیت، کلمه hag، حج و عید دینی را به هم مرتبط می‌ساخت. اعیاد مهم دینی با جایگاه‌های عبادت مرتبط بودند و حاوی گردش‌گری مذهبی نیز بودند.

اساساً حج سنتی در زبان عربی (Aliyyah leregel قدم زنان خارج شدن) نامگذاری می‌شود. حج از زمانی که یهودیان ملتی مستقل شدند، سازماندهی شد و از مردان خواسته شد که در سه عید به قدس بروند.

مکانهایی که در آیین یهود به عنوان حج زیارت می‌شوند، سه دسته‌اند:

۱) مکانهایی که در قدس و اطراف آن پدید آمده، صاحب ویژگی‌های تاریخی‌اند و در تاریخ کتاب مقدس ذکر شده‌اند.

۲) مقبره دانشمندانی که نامهایشان در تلمود و کابالا آمده و عموماً در جلیله واقع شده‌اند.

۳) مراکز مختلفی در اسرائیل که برای دانشمندان دیاس پورا (۱۵) (محل‌های زندگی یهودیان خارج از فلسطین) و زاهدان نذر شده است.

مکانهایی که در عهد عتیق ذکر شده‌اند، بعدها برای شخصیت‌های مهم روی داده، نام برده شده‌اند. در زمان حضرت ابراهیم شکم، (۱۶) بیت ایل، (۱۷) حبرون یا مامده (۱۸)، بیرشبا (۱۹)، بیرلاهای روی؛ (۲۰) در زمان حضرت یعقوب پنیل، (۲۱) بیت ایل (۲۲) و شکم از این مکانها هستند.

محل‌های نام برده، معمولاً مرتفع و دارای منابع آب بوده‌اند. از سوی دیگر محل دفن شخصیت‌های بزرگ چون حضرت ابراهیم، ساره، اسحاق و یعقوب نیز در حبرون زیارت می‌شد.

در دوران حاکمان با فتح کنعان، زندگی ثابت شروع شد. قربانگاهها نقشهای متنوعی را ایفا کردند و از لحاظ محلی و قبیله‌ای، بین اقوام مختلف، مکانهای زیارتی متعددی ایجاد شد.

اما حج به معنای واقعی، اولین بار در سیلو (۲۳) انجام شد. در سیلو که صندوق عهد هم در آن قرار داشت، هر سال عید رب جشن گرفته می‌شد. دختران جوان در باغها می‌رقصیدند و الکانا (۲۴) هر سال برای قربانی به آنجا می‌رفت. (۲۵) عبادت در سیلو تا زمان تخریب آن به دست فلسطینی‌ها ادامه داشت. در دوران پادشاهی، دو گونه زیارتگاه وجود داشت. یکی قربانگاه بیت ایل و دان و دیگری قدس که هم صندوق عهد در آن قرار داشت و هم معبد بود.

پس از تکمیل معبد سلیمان نیز جشن سه عید آغاز شده است. (۲۶)

سخنان پروبوآم (۲۷) در زمینه حج نیز بر اهمیت معبد قدس تأکید دارد. (۲۸)

کشش و جذابیت خاص قدس، و نیز واکنش‌های پیامبران نسبت به قربانگاه‌های جدایی طلب، مهم‌ترین رویدادهایی بود که زمینه ساز مرکزیت عبادت گردید. ولی برای رسیدن به این هدف، وجود یک حاکم نیاز بود. به همین دلیل حزقیل از قرن هشتم به بعد

مردم را برای جشن پرشکوه پاسکالیا (۲۹) به قدس فراخواند. (۳۰)

رفرم اصلی بعد از یافتن تشنه در سال ۶۲۱ از طرف پادشاه یوشیا (۳۱) انجام شد. زیارت قدس بعد از تخریب معبد هم ادامه داشت. (۳۲)

در یهودیت الوهیت (۳۳) و یاهویست (۳۴) که قوانین باستانی یهود را تعیین کرده بودند، بر ضرورت برپایی سه جشن تأکید می‌کردند: در سال سه بار باید برای من جشن (gah بگیری). تمام مردان تو در طول سال باید سه بار در حضور رب (Yahava) حضور یابند. (۳۵)

با اینکه فرمان انجام حج متوجه مردان بود، امام همان گونه که در زیارت سیلو تجلی یافته بود، رنگ خانوادگی به خود گرفته بود.

۱- Amon

۲- Siya

۳- Ptolem

۴- Serapis

۵- Memphis

۶- Biblos

۷- Aphaka

۸- Heliopolis tyr

۹- Hiera polis

۱۰- Yahve

۱۱- خروج ۱۴/۲۳، ۱۴، ۱۷؛ ۲۳/۳۴

۱۲- Fysyh Paskalya

۱۳- Chavuat Penteksat

۱۴- Sukkot

۱۵- Diaspora

۱۶- آفرینش ۱۲/۶

۱۷- آفرینش ۱۲/۸ و ۱۲/۳

۱۸- آفرینش ۱۲/۶

۱۹- آفرینش ۲۱/۳۳

۲۰- آفرینش ۳۰/۲۲

۲۱- آفرینش ۳۰/۳۲

۲۲- آفرینش ۶/۱۵، ۳۵/۱۶، ۲۲/۲۸

۲۳- یسوع ۱/۱۸؛ حاکم ها ۲۱/۱۸

۲۴- Eikana

۲۵- ساموئل ۱

۲۶- حاکم ها اولیه ۲۵ / ۹

Yeroboum - ۲۷

۲۸- همان ۲۷ / ۹

Paskalya یا fisih - ۲۹

۳۰- پادشاهان دوم ۲۲ / ۲۳ و تاریخهای دوم ۱۳ / ۳۰.

Yoshiya - ۳۱

۳۲- یرمیا ۱۴ / ۱۵.

Elohist - ۳۳

Yahovist - ۳۴

۳۵- خروج ۱۴ ۱۷ / ۲۳

ص: ۶۳

از میان سه عید یهود، مهم‌ترین آنها عید سوکوت بود. الکانا در این عید به سیلو می‌رفت. سوکوت تا زمان مورخ یهودی، جوزف، بزرگترین و مقدس‌ترین عید عبریها بود. اساسی‌ترین مراسم این جشن، برپا ساختن سایبانها بود که در اواخر دوران اسارت مرسوم شده بود. (۱)

در این سه عید که حج هم برگزار می‌شد، از آنجا که دست خالی رفتن مناسب نبود، هر کسی بر اساس برکتی که خداوند به او عطا کرده بود، موظف بود به اندازه توانش هدیه‌ای برای معبد بیاورد. حجاج معمولاً هدایا را خودشان تهیه می‌کردند، فقط به نظر می‌رسد تدارک قربانی معبد، سازماندهی تجاری مشخصی داشته است. (۲)

بعد از اشغال بابل، معبد بازسازی شد و حج سال ۵۱۵ با عید فسیح از سر گرفته شد. (۳) جشن سوکوت با شکوه تمام برگزار شد. (۴) به مرور زمان، چون ضوابط مربوط به حج و اهمیت رعایت آن نمایان‌تر شد، بعد تقوا در حج تجلی بیشتری یافت. (۵) شکل حقوقی و کلی حج که در سفر خروج و تثبیه مطرح است، در میشنابه شیوه‌های سنتی با توضیح و تفصیل بیشتر بیان شده است. حج تنها بر مردان واجب بود. زنان، اسرا، معلولین، نابینایان، بیماران، سالمندان، یتیمان و کودکان از این عبادت معاف بودند. (۶) بر اساس آنچه در انجیل لوقا آمده است، (۷) کودکان پس از رسیدن به ۱۲ سالگی و هنگامی که بتوانند از مادرشان جدا شوند، (۸) می‌توانند در این مسافرت شرکت کنند.

در این اعیاد، مردم از یک ماه قبل آموزشهای لازم را می‌دیدند. پانزده روز مانده به عید، یک دهم گله‌ها جدا می‌شد، مالیاتها جمع‌آوری و در طول عید برای مصارف مشترک از خزانه معبد برداشته می‌شد. برای امنیت و دیگر ملزومات حجاج آمادگی‌های لازم را تدارک می‌دیدند. میدین و کوجه‌های شهر را آماده و خیابان‌ها را تعمیر می‌کردند. چاه‌ها لایروبی و پل‌ها مرمت می‌شد. هفتاد سال پس از میلاد، بعد از تخریب معبد، مراسم حجی که مربوط به معبد بود، از بین رفت. اما زیارت ارض مقدس یهودیان ادامه داشت. خاطرات گذشته و آرزوی برگشت به آن سرزمین‌ها و قبور بزرگان یهودی در آن مکانها، یهودیان را به آن سرزمین می‌کشید.

در قدس «دیوار گریه» که به اعتقاد آنها باقی مانده معبد سلیمان است، از مکان‌های مهم زیارتی شد. علاوه بر قدس، مکانهای زیارتی یهود از این قرار است: قبور: زبولوم (۹) در سیدون، (۱۰) رابی (خاخام؟) میر (۱۱) در تیریاس، (۱۲) در مروم، (۱۳) پیامبر هوشنا (۱۴) در سادف، (۱۵) بنی‌ساموئل در سامویل، (۱۶) راحل (۱۷) در بیت‌الحم، داوود در قدس، ناهوم (۱۸) در اطراف موصل، عذرا در باسوراح (۱۹) نزدیک کورنا، (۲۰) حزقیل در بابل، دانیال در کرکوک، استرو (۲۱) موردکای (۲۲) در همدان یرامیا (۲۳) در فوستات (۲۴) و غارایلیا در تپه کارمل. (۲۵)

اصول و آداب حج یهودیان، توسط علمای یهود تثبیت شده و در میشنا بخش مستقلی را به خود اختصاص داده است. رابی یوهانان بن زکای (۲۶) نیز حج را تشویق کرده است.

از آنجا که دیگر معبدی وجود نداشت، عمل قربانی کردن حذف شده بود، اما به اهمیت خود باقی بود. رابی گامالیل دوم، دعا برای تجدید قدس را نیز به مراسم افزوده بود.

در سال ۱۲۱۱، سیصد نفر از رابی‌های غربی برای مراسم حج به فلسطین آمدند. امروزه نیز در روزهای مشخصی، یهودیان این مکانها را زیارت می‌کنند. اعتقاد آنان این است که این زیارت‌ها برایشان شانس می‌آورد و بدشانسیها را از بین می‌برد.

از اعمالی که در مراکز حج انجام می‌شد می‌توان دعا، به جا آوردن نذر، نوشتن خواسته‌ها و آرزوها بر کاغذ و قرار دادن در این مکان‌ها و ... را نام برد.

غیر از دیوار گریه و دیوار غربی معبد سلیمان، زائران در سایر مراکز، از مقدسین التماس شفاعت و دعا می‌کنند.

در عهد جدید یهود، حج جایگاه مشخصی ندارد. بنا بر انجیل لوقا حضرت مسیح تنها یکبار در عید برای حج به فلسطین رفته است. (۲۷) ولی انجیل یوحنا می‌گوید حضرت عیسی ۷ هر سال در این مراسم شرکت می‌کرده است. (۲۸)

در باور مسیحیت، حضرت عیسی با آخرین سفرش به قدس، حج اسکاتولوژیکش (۲۹) را به شهر خدا انجام داده و پادشاهی خدا را شروع کرده است.

مسیحیان اولیه نیز مانند یهودیان معبد قدس را زیارت می‌کردند. (۳۰) با این حال کلیسا می‌خواست معبد تازه‌ای بسازد. بنا بر گزارش اپیفون، (۳۱) در هنگام سفر پادشاه هادریانوس (۳۲) در سال ۱۳۰، قدس ویرانه‌ای بیش نبود. تنها چند خانه، و یک کلیسای کوچک در نزدیکی محل تجمع شاگردان حضرت مسیح. (خانه‌ای که بعد از عروج مسیح به آسمان، آنجا جمع می‌شدند.) باقی مانده بود. این کلیسا بعدها کلیسای سیون (۳۳) و زیارتگاه حاجیان مسیحی شد.

به گفته اورینگن (۳۴) که از سال ۲۱۶ به بعد، عموماً در آن سرزمین‌ها حضور داشته، غاری در بیت اللحم (محل تولد مسیح) و مکان به صلیب کشیده شدن آن حضرت در گولگوتا، (۳۵) زیارتگاه مسیحیان بوده است.

۱- نهمیا ۸ / ۱۷

۲- ۵۸۷، ۷۱۱، SBD

۳- عذرا ۶ / ۱۹

۴- نهمیا ۸

۵- مزورها ۱۲۰ / ۱۳۴

۶- میشنا، حقیقا ۱ و ۱

۷- ۴۲ / ۸۸ / ۲

۸- میشنا، سوکا ۸ / ۱۱

۹- Zebulum

۱۰- Sidon

۱۱- Rabbimeir

۱۲- Tiberias

۱۳- Merom

۱۴- Hoshea

۱۵- Sodef

۱۶- Samvil

۱۷- Rohel

۱۸- Nahum

۱۹- Bassorah

۲۰- Kurna

۲۱- Ester

Mordekay -۲۲

Yeremya -۲۳

Fustat -۲۴

Karmel -۲۵

Yohanan ben Zekkay -۲۶

-۲۷ متا، ۱۱ ۱۱ ۱۵ ۱۷ / ۲۱. و مارکوس، ۱ / ۱۰ ۱۱ و لوقا ۱۹ / ۲۸ ۴۰.

-۲۸ ۲ / ۱۳ ۶ / ۱۰ / ۴ ۱۱ / ۲۲ / ۵۵.

eskatolojik -۲۹

-۳۰ امور رسل، ۵ / ۴۲ و ۳ / ۱.

Epiphone -۳۱

Hadrianus -۳۲

Sion -۳۳

Origene -۳۴

Golgotha -۳۵

ص: ۶۴

در زمینه توسعه یافتن حج در قدس، بیش از انگیزه‌های دینی، تأثیر کنستانتین (۱) اول مشهود است. او با ساختن کلیساهای متعدد در جابه‌جایی قدس، توجه مسیحیان بسیاری را به زیارت مکان‌های مقدس جلب کرد؛ مکانهایی که مسیح در آنها متولد شده، زندگی کرده، و به صلیب کشیده شده بود.

در کنار زیارت قدس، زیارت بارگاه‌ها و حتی راهبانی که در معابد زندگی می‌کردند، نوعی حج محسوب می‌شد. و همچنین زیارت کلیساهایی که بر قبور شهدا و اولیا بنا شده بودند.

پراکندگی خاستگاه‌های حج در مسیحیت شرقی از فلسطین، محل تولد و تبلیغ مسیح آغاز می‌شود و تا مصر، مهد زندگی عبادی عیسی (ع) ادامه می‌یابد.

در یهودیت قدیم و دوران اولیه مسیحیت، معنی حج یکی بود. با این تفاوت که در بنی‌اسرائیل، زیارت این معبد، سه بار در سال اجباری بود، اما مسیحیان عقیده دارند که حضرت عیسی این کار را در آخرین سفر خود به این معبد انجام داده است. بنابراین حج در مسیحیت، گروهی و جمعی نیست، بلکه سفری است که انسان متدین برای رفع حوائج فردی خود به جا می‌آورد. در مسیحیت، حج، زمان مشخصی ندارد، اما عموماً این کار در سنین جوانی انجام می‌شود. کسی که به قدس می‌رسد، احساس می‌کند کار بزرگی در زندگی خود انجام داده است. وقتی به محل مرگ و حیات عیسی (ع) نگاه می‌کند، آرزو می‌کند که ای کاش او هم در همین مکان بمیرد.

در زبان ارمنی کلمه ماهدسی (۲) به کسی گفته می‌شود که دیدن آتش روشن شده در قدس، در عید پاسکالیا، و مرگ را، همزمان تجربه کند. این کلمه به کسی که از حج قدس برگردد نیز اطلاق می‌شود.

حجاج روسیه کفشهای سفید با خود به قدس می‌برند و در حالی که آنها را به خود بسته‌اند، در نهر اردن خود را شست و شو می‌دهند. نهر اردن همان جایی است که حضرت عیسی (ع) در آن غسل تعمید انجام داده است.

دیگر مسیحیان شرقی، کفنه‌های سفیدشان را، روز جمعه، روز به صلیب کشیده شدن عیسی (ع) روی قبر او می‌گذارند.

حجاجی که گروهی به قدس می‌روند، در هنگام بازگشت به شکرانه این توفیق، در کلیسا به دعا می‌نشینند و هدایایی را که از قدس آورده‌اند، میان مردم پخش می‌کنند.

حج برای یک مسیحی نجات یافتن و تماس با یک موجود الهی است. او عقیده دارد که در حریم زیارتگاه حج، مورد عنایت یک نیروی فوق طبیعت قرار می‌گیرد. البته این عنایت ممکن است برای بعضیها قبل از رفتن به حج حاصل شود. در این صورت حج رفتن او، برای تقدیم شکرانه انجام می‌گردد.

پس حج مسیحی دو گونه است: یکی زیارت برای کسب لطف و عنایت و دیگری حج شکرگزاری و سپاس. اما در هر دو گونه، مهم نسبتی است که به واسطه اولیا، بین شخص و خدا به وجود می‌آید.

در عقاید مسیحی، پس از مرگ اولیا، حتی لباسهایی که با بدن آنها تماس داشته، مقدس می‌شوند. بنابر گفته عهد جدید، خدای عزیز، توسط پاولوس (۳) معجزات متعدد و متنوعی را به ظهور و بروز رسانده است تا حدی که برای شفای بیماران دستمال و

لنگه‌هایی که با بدن او برخورد داشته می‌بردند و به این وسیله بیماری‌ها و ارواح خبیث را دور می‌کردند. (۴)

قبور و کلیساهایی که تکه‌های بدن یا لباس اولیا (رلیک) (۵) در آنها باقی مانده نیز، در میان مسیحیان به عنوان مراکز معالجه، راهنمایی، مغفرت و هدایت به قصد حج زیارت می‌شود.

در دورانه‌های آغاز مسیحیت، مسیحیان فلسطین را مرکز امانتهای بزرگ و مقدس می‌شناختند. این یک حقیقت تاریخی است که عیسی (ع) با فلسطین تماس فیزیکی داشته، در آن سرزمین زندگی کرده است. بر این اساس تمام مناطق، سرزمین‌های مقدس نامیده

می‌شدند. البته نهر اردن که عیسی (ع) در آن غسل تعمید انجام داده و تپه‌های گولگوتا، محل به صلیب کشیده شدن حضرت (به اعتقاد مسیحیان) از قداست بیشتری برخوردار است.

در قرن چهارم بر اساس ادعاهایی که هلنا مادر کنستانتین مطرح نمود، شمار حاجیان فلسطین به طور چشمگیری افزایش یافت. او ادعا کرد که محل واقعی صلیب در خواب به او معرفی شده است و تکه‌هایی از صلیب را بر اساس آن رؤیا یافته است.

در آن دوران یادگار مهمی که حجاج رغبت بسیاری به آن نشان می‌دادند، سر حضرت یحیی بود که ادعا می‌شد در میان بقایای کاخ هرود (۶) پیدا شده است.

۱- Konstantin

۲- Mahdesi

۳- paulos

۴- امور رسل، ۱۲/۱۹.

۵- Relic

۶- Herod

ص: ۶۵

پس از فتح فلسطین به دست مسلمین، این بار مراکز حج مسیحی در اروپا به وجود آمد. چون در رم جسد دو حواری بزرگ، پترس و پاولوس و در اروپا جسد اولیایی که بر اثر فشار دستگاه حکومت بر مسیحیان شهید شده بودند، کشف شد. همین مسائل باعث جلب توجه بیشتر به این منطقه گردید.

در اسپانیا در سانتاگو دکومپوستلا (۱) قبری منسوب به حواری، یعقوب بزرگ، از مراکز مراسم حج به شمار می‌آید. مردم بر این باور بودند که این حواری، پانزده قرن پس از کشته شدنش، در هنگام فتح دوباره شبه جزیره ایبویا در کنار کاتولیکها در جنگ علیه مسلمین شرکت کرده است و بر اساس همین باور او را جلاد مسلمانان (۲) می‌نامیدند.

به کسانی که به مناسبت سال مقدس مراکز بزرگ مثل قدس، رم و سانتاگو دکومپوستلا را زیارت می‌کردند، از طرف کلیسا برگه بخشودگی گناهان (۳) اعطا می‌شود. لذا در سالهایی که مقدس اعلام می‌شوند، شمار حجاج به شدت افزایش پیدا می‌کند. (مثلاً برای سانتاگو، در صورتی که جولای که در تقویم مسیحی متعلق به یعقوب مقدس است، مصادف با یکشنبه باشد، آن سال مقدس خواهد بود)

آنگونه که از شواهد به دست می‌آید، اولین مراکز حج در اروپا، قبوری است که در آن اشیا و بقایایی از اولیا بر جای مانده است. این گونه از عبادات تا قرن ۱۳ از طرف اسقف و بعدها از طرف پاپ مشروع شمرده شده است. در میان این مکانهای مقدس، مقبره پترس و قبر یعقوب در سانتاگو بیشترین تعداد زائران را دارد.

از قرن ۱۲ به بعد، دو گونه حج مربوط به حضرت مریم ۳ رواج یافت که تا امروز نیز مرسوم است: ۱. مکانهای زیارتی که بر اساس احترام به یک مجسمه یا تابلوی معجزه آسا برپا شده است. به این مجسمه‌ها و تابلوها مریم مقدس سیاه هم گفته می‌شود. می‌توان گفت که سیاهی رنگ آن، به دلیل سالیان طولانی زیر خاک بودن (برای پنهان ماندن از دشمن) به وجود آمده است. آنان عقیده دارند مکان این مجسمه‌ها و تابلوها در رؤیا به یک کشیش یا راهبه یا یکی از مردم عادی معرفی شده است.

نمونه‌هایی از این مکانها عبارت‌اند از: روکامادور (۴) و چارترله پوی (۵) در فرانسه، گوادلوپ (۶) و مونترات (۷) در اسپانیا، ماریازل (۸) در اتریش، این سیلن (۹) در سوئیس و جز توچوا (۱۰) در لهستان. این مناطق از قرون وسطی تا کنون زیارتگاه مسیحیان معتقد است.

۲. مکانهایی که حضرت مریم در آنجا دیده شده و به فردی که خود انتخاب کرده پیغامی داده است. دیده شدن حضرت مریم ۳ بیشتر در قرنهای ۱۹ و ۲۰ اتفاق افتاده است. مهم‌ترین این مکانها عبارت‌اند از: رثودوباک (۱۱) در پاریس (۱۸۳۰) لاساتا (۱۲) در فرانسه (۱۸۴۶)، لوردس (۱۸۵۸) (۱۳)، پونتاین (۱۴)

(۱۸۷۱)، پله وویسین (۱۵) فاطیما در پرتغال (۱۹۱۷)، بیورانگ (۱۶) و بانوکس (۱۷) در بلژیک. (۱۹۳۲).

یکی دیگر از مراکز زیارتی خانه‌ای است که در ناصره (Nazereth) که حضرت مریم ۳ در آن زندگی کرده است. به اعتقاد مسیحیان این خانه امروز در مکانهای دیگری ظاهر شده است. آنان عقیده دارند ملائکه این خانه را جا به جا کرده‌اند و به ایتالیا در نزدیکیهای آنکونا (۱۸) در لورتو (۱۹) و در انگلستان در نزدیکی نورفولک (۲۰) در والسینگهام (۲۱) آورده‌اند. (Hag house, Santa Case)

در گذشته مراسم حج مسیحیان، نوعی مجازات گناهکاران در این جهان شمرده می‌شد؛ یعنی فرد گناهکار کفارهای می‌داد تا از گنااهش پاک شود. بر همین اساس هم در دورانی که وسایل نقلیه مدرن وجود نداشت، باید پیراهنی از مو بر تن می‌کردند و تا سانتیاگو پیاده می‌رفتند. این عمل جلوه‌ای از عذاب اعراف (Purgatory) شمرده شده است. امروزه با وجود امکانات و وسایل نقلیه، حج نمایی دسته جمعی یافته است.

در اروپای امروز بیشترین تعداد زائران لوردس در جنوب فرانسه می‌آیند. عقیده مسیحیان بر این است که شست و شو در نهر یا دوشهای ویژه نصب شده در این محل، بیماری‌های لا علاج را شفا می‌دهد. زائران این مکان به مرز پنج میلیون نفر در سال می‌رسد. مقام دوم را فاطیما در پرتغال با چهار میلیون زائر در سال به خود اختصاص داده است. رتو دوباک در پاریس هم سالانه یک میلیون زائر دارد. حج رم هم بیشتر در سال‌های مقدس انجام می‌شود.

در قاره آمریکا نیز مکانهای زیادی برای حج کاتولیکها وجود دارد. قدیمی‌ترین مکان حج در اینجا احتمالاً مکانی است متعلق به حضرت مریم ۳ که در جمهوری دومینکن در سانتوسرو (۲۲) واقع شده است. بر اساس نظر رایج کریستف کلمب به شکرانه پیروزی بر بومیان آمریکا، صلیبی را در این مکان نصب کرده بود. مهاجران و مبلغان دینی که به آمریکا آمدند، سنت حج را فراگیر نمودند.

مشهورترین مکان حج در دنیای نو، مکانی است با چهارده میلیون زائر در سال به نام نوسترا سنورا د گادالوپ. (۲۳) بر اساس اسطوره‌ها، در تاریخ نهم دسامبر ۱۵۳۱، مریم مقدس در منطقه‌ای به نام تپیاک (۲۴) در مکزیکوسیتی امروز، برای یک روستایی مکزیکی به نام جان ظهور کرده است.

آنچه سنت حج را در آمریکا شکل داده است، تفکر حج مهاجران این سرزمین است. مهاجرانی که از اسپانیا، پرتغال و فرانسه در قرنهای شانزده و هفده میلادی به این قاره آمده بودند. با مهاجرت اهالی مناطق دیگر اروپا در قرن‌های ۱۹ و ۲۰، اختلافات بسیاری در مورد مراکز حج و بارگاه‌های زیارتی پیش آمد. در بعضی مناطق، به مکان‌های مقدس بومیان آمریکا نیز، رنگ و بوی مسیحی داده شد.

۱- Santiago de compostela

۲- Mozlem salyer

۳- Enduljans

۴- Rocamadour

۵- Chartes le puj

۶- Guadulup

۷- Monteserrat

۸- Moriazell

۹- Einsiedeln

۱۰- Czestochowa

۱۱- Rue du Bac

۱۲- La salette

۱۳- lourdes

۱۴- Pontmain

۱۵- Pelle voisin

۱۶- Beauraing

Banneux –۱۷

Ancona –۱۸

Loreto –۱۹

Norfolk –۲۰

Walsingharm –۲۱

Santo corro –۲۲

Nuestra Senora de Gua dalupe –۲۳

Tepeyak –۲۴

ص: ۶۶

بیشتر مراکز حج در دنیای نو، مرتبط با رؤیت حضرت مریم ۳ است. مجسمه‌های زیارتی توسط مبلغان مذهبی یا افراد مرموز در مکانهای امروزی خود قرار داده شده‌اند.

در سرزمین‌های آناتولی نیز محلهای زیارتی حج مسیحی وجود دارد. این مکانها مربوط به تاریخ مسیحیت و شخصیتهای مهم آن است. مکان‌هایی که پاولوس در مسیر مسافرت دینی خود طی کرده است، امروزه توسط مسیحیان زیارت می‌شوند از جمله انطاکیه. پاولوس، پترس و بارنابا مسیحیت را در این منطقه گسترش دادند.

در سال ۲۵۲ تا ۳۰۰ بعد از میلاد، در این شهر ده کلیسا ساخته شده و در مرحله اول کلیسای انطاکیه در میان پنج کلیسای بزرگ جای گرفته است.

مکان مقدس دیگر نیز افس (۱) است. پاولوس به قصد انتشار و تبلیغ مسیحیت در اینجا مانده، یوحنا، حواری بزرگ نیز در افس زندگی کرده و در آنجا دفن شده است. بعضی می‌گویند حضرت مریم ۳ با یوحنا به اینجا آمده و زندگی کرده است، ولی این نظر ضعیف است.

خانه‌ای که در افس قرار دارد و منسوب به حضرت مریم ۳ است، یکی از مکان‌های زیارتی حج به شمار می‌آید. مسیحیان از آب مقدس این مکان می‌نوشند و دعا می‌کنند.

پدر پُل ششم در سال ۱۹۶۷ و پاپ ژان پل دوم در سال ۱۹۷۹ این مکان را زیارت کرده‌اند. از سوی دیگر آنتالیا (Demre) نیز به عنوان محل دفن سان نیکلاس (بابائوئل) یا (Aya Nikola) زیارت می‌شود.

در اینجا کلیسا هم وجود دارد که متعلق است به اسقف دمره، میرا. در قرن نهم استخوانهای نیکلاس که در زمان دیوکت (۲) به قتل رسیده بود، از این مکان به باری (۳) در ایتالیا منتقل شده است. نیکلاس به عنوان حامی مقدس دریاداران، کودکان و مردم روسیه، یونان و سیسیل شناخته شده است.

ص: ۶۷

Efes -۱

Dioclet -۲

Bari -۳

حج‌گزاری در سودان

مهدی سرحدی

مردم سودان، از زمان ورود اسلام به این سرزمین و آشنایی با مناسک حج، سفر به سرزمین حجاز را با هدف بهجا آوردن حج آغاز کردند. در آن روزگار حجاج مناطق مختلف سودان، سوار بر چهارپایان تا «پورت سودان»، واقع در کناره دریای سرخ سفر می‌کردند و از آنجا با کشتی عازم حجاز می‌شدند. کاروان‌های حج سودان، «تایه» نام داشت که در زبان عامیانه به معنای گروه و دسته است. «تایه» ها بر اساس پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی شکل می‌گرفت و حج‌گزاری در سودان، تا قرن گذشته کم و بیش به همان روش انجام می‌شد.

در پی ایجاد تحول در عرصه ارتباطات و حمل و نقل و افزایش شمار حجاج، دولت سودان در سال ۱۹۷۱ م. اداره امور اجرایی حج را به وزارت امور دینی و اوقاف این کشور محول کرد و این وزارتخانه تا سال ۱۹۹۱ م. عهده دار امر برگزاری حج بود. در سال ۱۹۹۲ م. امور اجرایی حج به بعثه حج سودان واگذار گردید. این بعثه از دو بخش اصلی تشکیل می‌شد؛ نخست، بخش اداری و نظارتی؛ که تابع اداره حج و عمره وزارت ارشاد بود و دیگری، دایره اسکان و حمل و نقل که تحت نظارت شورای اوقاف اسلامی سودان فعالیت می‌کرد. این روند تا سال ۱۹۹۴ ادامه یافت.

تشکیل شورای عالی حج و عمره

در سال ۱۹۹۵ م. (۱۳۷۴ ش.)، دولت سودان با تصویب لایحه‌ای، تشکیل «شورای عالی حج و عمره» در وزارت برنامه‌ریزی اجتماعی این کشور را در دستور کار خود قرار داد، تا امور اجرایی حج و عمره به این شورا محول گردد. دو سال پس از آن، در سال ۱۹۹۷ م. بخشنامه موقت ویژه تشکیل این شورا صادر شد که در بخشی از آن چنین آمده بود:

«... شورایی موسوم به شورای عالی حج و عمره تشکیل خواهد شد که ماهیت حقوقی دارد و مقر اصلی آن در خارطوم واقع است. این شورا با موافقت وزیر متبوع می‌تواند دفاتر و اداراتی در داخل یا خارج از کشور دایر کند».

ساختار تشکیلاتی شورای عالی حج و عمره عبارت است از:

الف- شورای اداری: که با انتخاب وزیر و بر مبنای مصوبه هیات وزیران تشکیل می‌شود.

ب- اداره مرکزی: که زیر نظر مدیر کل و معاون وی فعالیت می‌کند. روند اجرایی امور مالی، اداری و فنی شورا بر عهده این اداره است.

ج- ادارات تابعه، شامل اداره حج و عمره، اداره امور مالی و توسعه انسانی، اداره اطلاع‌رسانی و روابط عمومی، اداره ارشاد و آموزش، اداره سرمایه‌گذاری؛ و دفتر هماهنگی امور حج و عمره مستقر در جده.

ضوابط و شرایط اعزام به حج

الف- ضوابط مالی: هزینه‌های امور اداری به طور نقدی از داوطلبان دریافت می‌گردد و هزینه‌های اعزام به حج شامل هزینه اسکان، حمل و نقل و خدمات دیگر، به ریال سعودی و در قالب دو فقره چک دریافت می‌شود.

ب- استطاعت بدنی و مقررات شرعی: توانایی جسمی برای انجام سفر حج در مردان، و همراه بودن یکی از محارم برای بانوان زیر ۴۵ سال ضروری است.

ج- ضوابط و مقررات اداری: شامل مقررات خروج از کشور، تابعیت، اخذ گذرنامه و روادید، که داوطلبان باید از شرایط عمومی برخوردار باشند. انجام آزمایش‌های پزشکی برای تمامی داوطلبان و اخذ مرخصی برای کارمندان دولت ضروری است.

سهمیه مناطق

در سال ۱۴۲۰ هـ. ق. (۲۰۰۰ میلادی)، بنا بر مصوبه هیات وزیران و به منظور تمرکز زدایی و سهولت در انجام امور اداری، کشور به سه ناحیه شرقی، مرکزی و غربی تقسیم شد. بر اساس این تقسیم بندی، ناحیه شرقی ایالت‌های دریای سرخ، کسلا، قضاارف، الجزیره و نیل ازرق را شامل می‌شود. ایالت‌های خارطوم و نهرالنیل در ناحیه مرکزی قرار دارند و ایالت‌های کردفان (شمالی، شرقی و غربی)، دارفور (شمالی)،

ص: ۷۳

شرقی و غربی)، نیل ابيض و همچنين ايالت‌های جنوبي در ناحیه غربی واقع شده بودند. با توجه به ویژگی‌های خاص مناطق جنوبي، در سال ۲۰۰۲ ناحیه دیگری به این نواحی سه گانه اضافه شد که تمامی ایالت‌های جنوبي را در بر می‌گیرد.

بعثه حج سودان

بعثه حج سودان از دو بخش تشکیل شده است:

۱- بخش نظارت و برنامه ریزی

۲- بخش امور مربوط به نواحی مختلف، که اجرای برنامه‌ها را بر عهده دارد.

شرایط اعزام به عمره

ضوابط و شرایط کلی برای اعزام به سفر عمره، با مقررات و ضوابط اعزام به حج تفاوتی ندارد. البته از سال ۱۴۲۲ ق. وزارت اوقاف و ارشاد با توجه به مصوبه دولت عربستان، بخش خصوصی را نیز در ارائه خدمات عمره مشارکت داده است.

موقوفات، در خدمت حجاج

در عربستان سعودی و سودان، زمین‌ها و املاک وقفی متعددی وجود دارد که درآمد حاصل از آنها برای خدمت رسانی به حجاج در نظر گرفته شده است. موقوفات قدیمی بیشتر در شهر جده واقع هستند و در سال‌های اخیر، موقوفه‌هایی در شهرهای مکه و مدینه نیز به آنها افزوده شده است.

سند چشم انداز ۲۵ ساله شورای عالی حج و عمره

این طرح که در فاصله زمانی ۱۴۲۳ تا ۱۴۴۸ هـ. ق. (۲۰۰۲ تا ۲۰۲۷ م.) و در چهار مرحله (سه دوره ۵ ساله و یک دوره ۱۰ ساله) به اجرا در می‌آید، با هدف ایجاد تحول در برگزاری مراسم حج و عمره و پربارتر شدن این سفرهای معنوی آغاز شده است. از جمله برنامه‌های شورای عالی حج و عمره که در سال‌های آینده به اجرا در خواهد آمد، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- طرح پس انداز برای حج: بر اساس مصوبه هیات وزیران و با بهره‌گیری از تجربه موفق کشور مالزی در برگزاری حج و عمره، اجرای طرح «پس انداز برای حج» در دستور کار شورای عالی حج و عمره قرار گرفته و پس از رایزنی با مراجع ذیربط در مالزی، تفاهم نامه‌ای در این زمینه با طرف مالزیایی به امضا رسیده تا بر اساس آن، «پس انداز مالی» به عنوان یک راهکار موفق و همگانی برای اعزام به حج به اجرا در آید.

۲- احداث ساختمان مرکزی شورای عالی حج و عمره: این مرکز با توجه به ضرورت همکاری و هماهنگی میان ادارات و سازمان‌های مرتبط با امور حج و عمره احداث خواهد شد. هر یک از ادارات و سازمان‌های مربوطه مانند اداره گذرنامه، اداره بهداشت و ... در این ساختمان دفتر نمایندگی تاسیس خواهند کرد.

۳- کارخانه تولید لوازم احرام و ملزومات حج: این کارخانه محصولات خود را با قیمت ارزان و کیفیت مناسب در اختیار حجاج و معتمرین قرار خواهد داد. بدین ترتیب علاوه بر صرفه جویی در هزینه‌ها و جلوگیری از خروج ارز از کشور، سود حاصل از محل فروش محصولات نیز به پیشبرد اهداف شورا کمک می‌کند.

۴- احداث درمانگاه‌های ویژه حجاج: مراکز درمانی ویژه حجاج با هدف ارائه خدمات بهداشتی و درمانی با هزینه اندک و کیفیت مطلوب احداث خواهد شد و درآمدهای حاصل از این مراکز درمانی نیز در تحقق اهداف شورای عالی حج و عمره نقش موثری خواهد داشت.

روند فعالیت‌های شورای عالی حج و عمره

الف- برنامه سالیانه

این شورا با توجه به سیاست‌های ابلاغ شده از سوی هیات وزیران و سند چشم انداز ۲۵ ساله، برنامه فعالیت‌های سالانه خود را پیش بینی و اجرا می‌کند. این برنامه‌ها بر اساس یک دوره سالیانه (از محرم تا ذی حجه) به اجرا در می‌آید و به کارگیری روش‌های بهینه سازی و افزایش بهره‌وری همواره در دستور کار شورا قرار داشته است.

ب- دوره‌های آموزشی

شورا همواره به ارتقاء سطح علمی و آموزشی کارکنان توجه دارد و هر یک از آنان با توجه به سطح معلومات و نوع وظیفه‌ای که بر عهده دارند، در دوره‌های آموزشی ویژه مشارکت می‌کنند.

ص: ۷۴

سیاست‌های کلی شورای عالی حج و عمره

افزایش تعداد حجاج و عمره گزاران در دوره اجرای سند چشم انداز ۲۵ ساله به منظور رسیدن به بالاترین سقف ظرفیت. تشویق به سرمایه گذاری در امر حج و عمره و افزایش درآمدهای شورا، متناسب با روند افزایش تعداد حجاج و معتمرین. ارتقاء سطح آگاهی حجاج و همراهی آنان با روند بیداری اسلامی

کاهش هزینه‌ها از طریق افزایش سرمایه گذاری

ایجاد صندوق اعتباری و پس انداز در تمامی سازمان‌های دولتی و غیر دولتی به منظور ایجاد زمینه حضور افراد کم درآمد در حج راهکارهای اجرای مرحله نخست سند چشم انداز (۵ ساله اول، ۱۴۲۳ تا ۱۴۲۷):

تصویب ساختار تشکیلاتی و شرح وظایف اجرایی شورا و تعیین هیات نظارت بر روند اجرای آن

فعال کردن دفاتر نمایندگی شورا در ایالت‌های مختلف

احداث ساختمان مرکزی شورای عالی حج و عمره

ایجاد صندوق پس انداز حج و عمره

هزینه‌های سفر حج در سودان

حجاج سودان از دو مرز هوایی و دریایی، از طریق فرودگاه‌های جده و مدینه و نیز بندر جده عازم عربستان می‌شوند. هزینه ثابت سفر برای حجاج اعزامی از همه مناطق سودان، برابر با ۷۵۰ دلار است که با احتساب هزینه‌های اجرایی، حمل و نقل، اسکان و ... کل هزینه سفر حج از راه هوایی برابر با ۱۶۰۰ دلار (۶۱۰۰ ریال سعودی) و از طریق دریا برابر با ۱۲۰۰ دلار (۴۵۰۰ ریال سعودی) است.

تعداد حجاج سودانی در موسم حج سال ۱۴۲۵ هـ. ق. برابر با ۲۵۵۶۹ نفر؛ و سهمیه اختصاص یافته به هر یک از ناحیه‌های این کشور به شرح ذیل بوده است:

ناحیه خارطوم و جنوب: ۱۰۹۸۸ نفر

ناحیه مرکزی: ۳۵۱۹ نفر

ناحیه شرقی: ۳۹۴۶ نفر

ناحیه غربی: ۴۶۷۷ نفر

سایر سهمیه‌ها: ۲۵۴۹ نفر

جمع کل: ۲۵۵۶۹ نفر

حدود ۵۲٪ از حجاج از طریق دریا و ۴۸٪ نیز از مرزهای هوایی عازم عربستان شده‌اند. ۷۰٪ از حجاج سودان، «مدینه قبل» و ۳۰٪ نیز «مدینه بعد» بوده‌اند.

گزارش حج ۱۴۲۵ هـ. ق.

سهمیه کشور سودان ۲۶۰۰۰ نفر

هزینه هر نفر هوایی ۱۶۳۴ دلار (۶۱۳۰ ریال سعودی)

زمینی ۱۲۰۹ دلار (۴۵۳۵ ریال سعودی)

ص: ۷۵

مبادی ورودی به عربستان

بندر جده: ۱۱۳۵۰ نفر

فرودگاه جده ۴۳۵۰ نفر

فرودگاه مدینه ۷۳۱۲ نفر

جمع ۲۳۰۲۰ نفر

اعضای بعثه و ... ۱۰۰۰ نفر

اتباع خارجی و ویزاهای شخصی ۱۵۴۹ نفر

جمع کل: ۲۵۵۶۹ نفر

تعداد پرواز ۳۵ (مدینه قبل) (هوایمایی سودان ۱۸ پرواز و هوایمایی سعودی ۱۷ پرواز)

محل اسکان در مدینه: مناطق الاجابه، العوالی والمصانع.

تعداد آپارتمان‌ها و منازل مسکونی در مدینه: ۶۸ باب ساختمان

محل اسکان در مکه: مناطق ریج بخش، فلکه کدی و خیابان‌های المنصور، الزاهر، عزیزیه و اجیاد.

تعداد ساختمان‌های اجاره شده در مکه: ۲۶ باب

تعداد چادرهای اختصاص یافته به حجاج سودان در منی: ۱۹۴۱ چادر

ارزیابی عملکردها در حج ۱۴۲۵ هـ. ق

الف) نقاط قوت:

- آغاز زود هنگام عملیات اجرایی حج که در ۱۶ رمضان و یک ماه زودتر از سال‌های گذشته آغاز گردید.

- موفقیت شرکت‌های حمل و نقل دریایی و هوایی در اجرای جدول زمان‌بندی سفرها براساس برنامه از پیش تعیین شده.

- سازمان‌دهی مناسب روند ورود حجاج به عربستان با حضور فعال و مؤثر مسئولان پذیرش بعثه در مبادی ورودی (فرودگاه‌ها و بندر جده) و ملتبس بودن آنها به لباس متحدالشکل که ورود حجاج را سرعت بخشیده بود.

- موفقیت کارگزار خدمات حجاج در اجرای بندهای قرارداد که برخی از آنها برای نخستین بار به طور کامل اجرا شد و عبارت بود از:

الف- پرداخت مبلغ ۷۰ ریال به جای وعده‌های غذایی به هر زائر که کاملاً کافی به نظر می‌رسید.

ب- اجرای برنامه انتقال حجاج به مشاعر (عرفات، مشعر، منی) براساس زمان‌بندی که ضمن انتقال همه حجاج در روز حرکت، به میزان ۱۵٪ در هزینه‌های اتوبوس‌ها صرفه‌جویی شد که بیش از حد پیش‌بینی شده بود.

- برگزاری جلسه مشاوره با مؤسسات عربستان برای ارزیابی عملکرد بعثه در مدینه منوره پیش از دیدار با مدیران وزارت حج (شاخه مدینه)

- موفقیت روش برپایی و حراست از چادرها توسط نیروهای اعزامی پلیس سودان که موجب جلوگیری از ورود افراد متفرقه (از جمله بازماندگان موسم عمره و حجاج غیرسودانی) به چادرها گردید و مشکلاتی را که در این خصوص در سال‌های گذشته پیش آمده بود، برطرف کرد.

- مشارکت بخش آموزش و ارشاد در افزایش آگاهی زائران و انجام هرچه بهتر مناسک توسط آنان ...

- ارائه خدمات درمانی در مراکز مجهز و با حضور پزشکان ماهر و گروه‌های درمانی باتجربه.

ص: ۷۶

- پایبندی شرکت‌های حمل و نقل هوایی و دریایی به جدول زمان‌بندی سفر و انعطاف‌پذیری کامل در ارائه خدمات در خصوص «رزرو با تأخیر» برای افراد دارای شرایط خاص (بیماران- سالمندان- افراد دارای مسئولیت‌های خاص)، به ویژه توسط خطوط هوایی سودان.

- همکاری و هماهنگی مطلوب میان افراد.

- تقسیم زائران مناطق مختلف کشور به ۶ ناحیه که از مشکلات اداری کاسته است.

- پرواز مستقیم به مدینه منوره (بیش از ۳۰ پرواز)

ب- نقاط ضعف:

- عدم رعایت ضوابط در انتخاب ساختمان‌ها توسط برخی از کارگزاران نواحی، به گونه‌ای که پس از مشخص شدن اشکالات ساختمان‌ها به جای آن که مطابق با قرارداد، خواهان اصلاح و رفع مشکل شوند، قرارداد را ملغی تلقی کرده و بدون هماهنگی با بعثه و واحد نظارت، اقدام به شکایت از مسؤول یا پیمانکار نموده‌اند که در مواردی موجب بروز تأخیر در اسکان حجاج برخی نواحی گردید.

- دوری نسبی برخی از ساختمان‌های مکه از حرم که موجب افزایش استفاده از اتوبوس گردید و مشکلات خاص خود از جمله بی‌نظمی رانندگان را در پی داشت و عده‌ای از حجاج ناگزیر به پیاده‌روی به سوی حرم شدند که مشکلاتی را به وجود آورد.

- اخلال در انتقال به موقع حجاج از مدینه به مکه ...

- مشکلاتی که به سبب دقیق نبودن برخی قراردادهای اجاره ساختمان‌ها پیش آمد و در آنها جزئیات لازم درج نشده بود. عدم تطبیق شرایط اسکان در منی با مفاد قرارداد، قدیمی و کهنه بودن اتوبوس‌ها و بی‌تجربگی برخی رانندگان، کیفیت پایین برخی از غذاها در منی، عدم وصول چک‌های تضمینی از مکتب و کلاء موحد سودان که موجب تأخیر در اجازه ورود به برخی از زائران در فرودگاه مدینه شد، و نوسان نرخ ارز که موجب افزایش بهای خدمات گردید از دیگر مشکلات و نقاط ضعف به‌شمار می‌آید.

نظرسنجی از حجاج

برای آگاهی از نظرات حجاج در مورد کیفیت و نحوه ارائه خدمات در حج، نظرسنجی‌هایی براساس روش‌های علمی و با سه شیوه صورت گرفت:

- پرسش‌نامه؛

- گفتگوی مستقیم با شماری از زائران در چادرهای منی که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند.

- گفتگو با برخی از حجاج و زائران صاحب‌نظر و با تجربه.

پس از بررسی نتایج با استفاده از رایانه، خلاصه نظرسنجی‌ها بدین شرح استخراج گردید:

۱- افزایش میزان رضایت حجاج از نحوه اسکان در چادرهای منی که به ۶۴٪ بالغ گردیده است. این نسبت در سال‌های گذشته حدود ۲۰٪ بود و این تفاوت، نشانگر موفقیت نیروهای پلیس سودان در برقراری نظم بوده است.

۲- بیش از دوسوم حجاج رضایت خود را از نظم و انضباط در حمل و نقل ابراز داشته‌اند که تفاوت زیادی با گذشته دارد، زیرا در سال‌های قبل تنها یک‌سوم از حجاج از این خدمات رضایت داشتند.

۳- ۷۵٪ از حجاج، از سرعت در انتقال از مدینه به مکه راضی بوده‌اند و ۲۵٪ باقیمانده را کسانی تشکیل می‌دهند که تا آخرین فرصت در مدینه مانده‌اند.

۴- عموم زائران از بهبود کیفیت خدمات در سال جاری- خصوصاً اقامت و خدمات رفاهی در مدینه منوره- ابراز رضایت کرده‌اند.

- ۵- نظرسنجی‌ها نشانگر آن است که افزایش میزان رضایت حجاج از خدمات رفاهی، منوط به برنامه‌ریزی دقیق اداری است.
- ۶- براساس نظرسنجی‌ها مشخص شد که سطح آگاهی عمومی حجاج ارتقا یافته و آنان نسبت به عملکرد بعثه و نیروهای پلیس و ... توجه دارند. ضمناً گزارشی مبنی بر عدم صحت اعمال حج زائران دریافت نشده است.

ص: ۷۷

چشم‌انداز آینده

باتوجه به تجربیات سنوات گذشته و پس از جلسات متعدد شورای مشورتی بعثه که رؤسای ادارات حج نواحی مختلف کشور در آن شرکت داشته‌اند، چشم‌انداز آینده امور حج بدین صورت تدوین شده است:

- ۱- لزوم آغاز زود هنگام عملیات اجرایی حج در هر موسم.
- ۲- تثبیت حضور نیروهای پلیس سودان برای ایجاد نظم در چادرهای منا با افزایش تعداد آنها و ارائه آموزش‌های لازم.
- ۳- گسترش و تحول روش‌های آموزش و ارتقاء سطح آگاهی حجاج با بهره‌گیری از مبلغان و خطبای داوطلب همکاری.
- ۴- تأکید بر رعایت ضوابط تعیین مدیران گروه‌ها و این که تعداد مدیران جدید در هر سال از ۲۰٪ تجاوز نکند.
- ۵- تسریع در احداث «مدینه الحجاج» در بندر سواکن تا زمان تکمیل پروژه، منطقه‌ای در این بندر به حجاج اختصاص می‌یابد تا رسیدگی به امور آنان ممکن گردد.
- ۶- تسریع در ایجاد مرکز پژوهش‌های حج تحت نظارت شورای راهبردی حج و عمره.
- ۷- محاسبه هزینه سفر به مدینه منوره و بازدید از محل‌های زیارتی آن در هزینه کلی سفر حج و اختصاص وسایل نقلیه برای انتقال حجاج به مدینه و پیش‌گیری از بروز مشکلات در این خصوص.
- ۸- سرشماری زود هنگام برای آگاهی از تعداد حجاج «متعجل» و «متأخر» برای تسهیل در رفت و آمد آنان.
- ۹- تلاش برای انتقال همه حجاج از مدینه به مکه تا پیش از روز پنجم ذی‌حجه برای سهولت در انجام اعمال.
- ۱۰- بررسی میزان رعایت مفاد قراردادها از سوی کارگزاران و شرکت‌های خدماتی.

جدول زمان‌بندی و هزینه‌های اجرایی

برنامه‌های مرتبط با حج سال ۱۴۲۵ هـ. ق.

ردیف

نوع فعالیت: مجری تاریخ اجرا: هزینه (به دینار سودان) ۱ آموزش کارگزاران واحد اداری و توسعه انسانی: محرم ذی‌قعدة ۵۵۰۲. ۶۹۸. ۵ انتشارات و پژوهش‌ها: واحد برنامه ریزی و پژوهش: شریع الاول- شعبان ۰۰۰۳. ۰۰۰۰. ۸ پوشش رسانه‌ای و خرید تجهیزات: واحد اطلاع رسانی: محرم- ذی‌حجه ۹۷۹۴. ۸۸۴. ۷ ارزیابی عملکرد حج ۱۴۲۴ هـ- و کسب آمادگی برای حج ۱۴۲۵ هـ- اداره حج و عمره: شعبان- ذی‌قعدة ۰۰۰۵. ۸۰۵ هزینه‌های اجرایی بعثه حج و انجام ماموریت‌ها: اداره حج و عمره: ذی‌قعدة- ذی‌حجه

اخبار حج

ازدواج مخفی برای اهل سنت، مجاز شد

دارالافتای مصر اعلام کرده است در صورتی که حاکم کشور اسلامی تشخیص دهد که این امر به بی بند و باری می‌انجامد، میتواند این ازدواج را منع کند.

دارالافتای مصر یا مرکز پژوهش‌های اسلامی وابسته به دانشگاه الأزهر اعلام کرده است که نوعی از ازدواج موسوم به «ازدواج مسیار» بلامانع است.

ص: ۷۸

این ازدواج میتواند تحت شرایطی مخفیانه انجام شود و مرد حق دارد این ازدواج را از همسر رسمی خود پنهان کند. مرکز پژوهش‌های اسلامی الأزهر، مهمترین نهاد تحقیقاتی در مصر و معتبرترین نهاد صدور فتوا در چندین کشور اسلامی به حساب می‌آید.

دارالافتای مصر همچنین اعلام کرده است در صورتی که حاکم کشور اسلامی تشخیص دهد که این امر به بی بند و باری می‌انجامد، میتواند این ازدواج را منع کند.

«مسیار»، ازدواجی است که بیشتر مذاهب اهل سنت آن را مجاز میدانند. تفاوت ازدواج مسیار با ازدواج عادی این است که زن در این نوع ازدواج، از برخی حقوق خود؛ مانند حق تأمین مخارج زندگی و حق داشتن خانه مشترک با مرد، چشم‌پوشی میکند. برخی رسانه‌های عربی از استقبال ازدواج مسیار در میان دانشجویان و جوانان عرب خبر داده‌اند که لزوماً نمیخواهند یا نمیتوانند مانند زوجهای عادی با یکدیگر زندگی کنند؛ زیرا اگرچه در این نوع ازدواج، حضور دو شاهد در مراسم عقد الزامی است، ولی در مجموع ازدواجی مخفی به حساب می‌آید. مردانی که دارای همسر رسمی هستند نیز حق دارند که در صورت اقدام به ازدواج مسیار، این موضوع را از همسرانشان پوشیده نگه دارند.

مطرح شدن دوباره این نوع ازدواج، با وضعیت اجتماعی امروز کشورهایی مانند مصر بی‌ربطه نیست. به گفته «حسیب عمار»، خبرنگار در قاهره، بالا رفتن هزینه‌های ازدواج، فقر اقتصادی و نیز بالا رفتن سن ازدواج؛ از جمله دلایل روی آوردن برخی، به این ازدواج است.

در عین حال، به نظر می‌آید که انگیزه کسانی که در کشورهای ثروتمند عربی مانند عربستان و امیرنشینهای حاشیه خلیج فارس به ازدواج مسیار روی می‌آورند، مشکلات اقتصادی نیست، بلکه بهعکس، توان اقتصادی چنین ازدواجی را برای آنها آسان میکند. به گفته حسیب عمار، منتقدان این نوع ازدواج، آنرا اینگونه مطرح میکنند؛ منتقدین در مصر میگویند که در این نوع ازدواج، فقط زن برای ارضای تمایلات جنسی مرد و عمدتاً به دلیل نیازمندی مالی و فقر تن به ازدواج می‌دهد. آنها میگویند که این امر ارزش زن را پایین می‌آورد و آنان را در خدمت مردان ثروتمند و هوسران قرار میدهد.

شواهدی که رسانه‌های کشورهای عربی به آن استناد میکنند، حاکی از این است که این نوع ازدواج بیشتر در میان مردانیکه دارای همسر رسمی هستند طرفدار دارد. با این حساب، آیا مسیار مشابه ازدواج موقت یا متعه است که مذهب شیعه آنرا به رسمیت می‌شناسد و اخیراً در ایران نیز بحثهای زیادی درباره آن مطرح بوده است؟

برخی میگویند: چون فرد در ازدواج مسیار بدون نیت تشکیل خانواده، ازدواج میکند، و احتمال طلاق در این ازدواج زیاد است، مشابه ازدواج موقت است.

مخالفت زنان با پدیده چند همسری و نیز ازدواجهایی مانند مسیار و متعه در تونس باعث شده است که قوانین این کشور اساساً چند همسری را ممنوع اعلام کند. اما سوزان مبارک، همسر رییس جمهور مصر میگوید: نمی‌توان انتظار داشت چنین چیزی در دیگر کشورهای اسلامی؛ مانند مصر تحقق یابد. من فکر نمیکنم که ما بتوانیم در مصر این مسائل را قانوناً ممنوع کنیم. شاید شرایطی که در کشوری مانند تونس هست، با اینجا و دیگر کشورهای اسلامیتفاوت دارد. ازدواج مکرر مردان چیزی نیست که بتوان آن را با توسل به قانون و یا زور متوقف ساخت، ولی شاید بتوان با بالا بردن سطح آگاهی خانواده آن را کنترل کرد.

برخی کارشناسان میگویند که به نظر می‌آید برخی دولتهای اسلامی با گسترده شدن چنین ازدواجهایی موافق هستند؛ زیرا از دید آنها این نوع ازدواجها میتواند به کاهش مشکلاتی منجر شود که باعث سخت تر شدن شرایط ازدواج شده است.

ولی منتقدین میگویند: به کار بردن چنین روشهایی بدون توجه اصولی به بهبود وضعیت اقتصادی مردم، پیامدی جز بدتر شدن

وضعیت زنان در جوامع اسلامی و پایین رفتن آمار ازدواج در این کشورها ندارد.

آنان همچنین، گسترش ازدواج مخفیانه را عامل افزایش ریاکاری و سست تر شدن بنیان خانواده می دانند.

شکاف اسلامی؛ از «بقیع» تا «مغاربه»

طعنه جدیدی که برخی از اهل سنت بر پیروان مکتب اهل بیت: وارد می کنند این است که: «شما شیعیان آنقدر که به اهل بیت پیامبر اهتمام دارید به خود پیامبر اهمیت نمی دهید!».

شاهد آنان بر این مدعا حساسیتی است که به زعم آنان شیعیان نسبت به زنده نگه داشتن یاد و آثار اهل بیت: دارند و میزان آن بیشتر از مقدار حساسیتی است که نسبت به پیامبر عظیم الشان ابراز می دارند؛ نظیر آنچه که سال پیش روی داد و به طور تقریباً همزمان، به مرقد دو امام از امامان اهل بیت: در عراق، و نیز به ساحت قدسی رسول خدا (ص) در اروپا اهانت شد و میزان اعتراضاتی که شیعیان نسبت به حادثه اول از خود نشان دادند با اعتراضاتشان نسبت به دومی- و نیز در قیاس با اعتراضات خشم آلودی که اهل سنت به آن کاریکاتورهای شیطانی از خود بروز دادند- بسیار پایین تر بود.

ص: ۷۹

صرف نظر از میزان صحت و سقم این طعنه، آنچه که اینک و پس از تحرکات جدید صهیونیست‌ها در قدس، در جهان اسلام صورت پذیرفت عکس‌گزاره بالا را به نمایش می‌گذارد:

چندی است که اسرائیلی‌ها اقدام به حفاری‌هایی در نزدیکی «باب المغاربه» یکی از هفت دروازه ورودی مسجد الاقصی نموده‌اند. منابع صهیونیستی هدف از این کار را انجام تعمیراتی بر روی درب چوبی این ضلع از مسجد اعلام کرده‌اند! درحالی که واضح است انجام چنین مرمتی، نیاز به استفاده از وسایل دقیق و ظریف دارد تا به ارزش و قدمت محل مورد تعمیر، لطمه‌ای وارد نگردد؛ نه اینکه از ابزارهایی همچون بولدورهای سنگین استفاده شود. بنابراین کاملاً محرز است که هدف اسرائیل «ویرانی و تخریب» است و نه «بازسازی و مرمت».

در پی این تحرکات - که سابقه حفاری‌های طولانی یهودیان افراطی و اساطیری در زیر مسجد الاقصی را نیز دوباره در اذهان و اوساط اسلامی زنده کرد - غوغایی در جهان اسلام برانگیخته شد.

گذشته از تجمعات و اعتراضات شهروندان قدس، که به بازداشت «شیخ زائد صلاح» رهبر جنبش اسلامی فلسطین و ۶ عضو همراه وی و انتقال آنان به مکانی نامعلوم و نیز هجوم ارتش صهیونیستی حتی به خانه‌های فلسطینیان ساکن در اطراف مسجد الاقصی انجامید، مسلمانان سراسر جهان نیز نسبت به این مسأله شدیداً اعتراض کردند؛ تا جایی که برخی از آنان اعمال فشار بر سازمان‌های بین‌المللی را نیز خواستار گردیدند.

اما آنچه در اینجا حائز اهمیت است اینکه همین افکار عمومی اسلامی، در سراسر جهان، نسبت به تخریب مشاهد و آثار اسلامی در حجاز و عراق بی‌تفاوت است.

بدون شک، اگر یکی از دیوارهای یکی از چند ورودی مسجد الاقصی آنقدر مقدس است که اقدام به تخریب آن، احساسات بیش از یک میلیارد مسلمان دنیا را جریحه‌دار و توجه نهادهای بین‌المللی را به آن معطوف می‌سازد تخریب آثار اسلامی قبل و بعد از هجرت، آن هم در مسقط الرأس اسلام و محل تولد و زندگی رسول الله (ص) باید چه مقدار از حساسیت را در بین مسلمانان جهان - از مذاهب گوناگون - برانگیزد؟

سوگمندان شاهد آن هستیم که مسلمانان جهان، بویژه بیشتر برادران اهل سنت، نسبت به تخریب و توهینی که در سرزمین‌های مقدس اسلامی بر این بخش از فرهنگ و تمدن اسلامی می‌رود بی‌اهتمام‌اند.

در اینجا به فهرستی از این تخریب‌ها و تلاش‌ها اشاره می‌کنم:

۱. تخریب بخش وسیعی از کوه ابوقبیس در کنار ورودی‌های «باب السلام» و «باب علی» مسجد الحرام و ساخت اقامتگاه سلطنتی بر روی آن. در اهمیت این کوه، همین بس که علاوه بر وقوف تاریخی پیامبر (ص) بر آن در اولین دعوت خود در مکه، خواندن دعایی در کنار آن از زمره اعمال حجاج و زائرین است.

۲. کم‌اهمیت جلوه دادن محل تولد پیامبر (ص) در شهر مکه و تبدیل آن به کتابخانه‌ای محقر. کسانی که توفیق زیارت خانه خدا را یافته‌اند می‌دانند که در طول شبانه‌روز، مأمورانی در کنار این محل ایستاده‌اند تا زائران را از توقف در این مکان مقدس و تاریخی باز دارند؛ حال آنکه اولین ایستگاه ویرانی کاخ‌های قیصره و آکاسره همین خانه کوچک بود و خواندن دعاهایی در کنار آن نیز از جمله ادعیه وارد شده است.

۳. تخریب بارگاه ائمه و صحابه مدفون در بقیع؛ که بی‌شک یکی از فجیع‌ترین جنایات دینی و فرهنگی قرن اخیر محسوب می‌گردد.

۴. تخریب کوهی در کنار مسجد النبی (ص) که دارای ارزش دینی و تاریخی است آنهم جهت کاربری‌های تجاری و ساختمان

سازی. (خوشبختانه با اعتراضاتی که در موسم حج امسال صورت گرفت و با دستوری که از سوی «سلطان بن عبدالعزیز» ولیعهد عربستان صادر شد این تخریب فعلاً متوقف شده است)

۵. تخریب حرم امامین عسکریین (ع) در سامراء؛ شهری که غالب جمعیت آن را اهل سنت تشکیل می دهند.

۶. تلاش برای تخریب حرم مطهر امیر المؤمنین علی (ع) و حضرت سید الشهداء (ع).

۷. تخریب مرقد اصحاب گرانقدر پیامبر و ائمه: نظیر «سلمان فارسی» و «عبد الله بن موسی الکاظم» در عراق و «مزار سادات» در بعقوبه.

اگر چه مسلمانان دانشمند و روشن ضمیر در جای جای جهان اسلام، انزجار خود را نسبت به این گونه اعمال - که عمدتاً از سوی «وهابیون» صورت می گیرد - اعلام می دارند؛ اما غالب مسلمانان جهان عمداً یا سهواً از این پیوند وهابی - صهیونی در انهدام پیشینه مسلمانان غفلت می کنند.

نتیجه آنکه، تمایز شدید آستانه تحریک شیعیان و اهل سنت و اهتمام هر یک از آنها به گوشه ای از تاریخ و فرهنگ اسلامی، نشانه شکاف عمیقی است که متأسفانه از لحاظ تاریخی بین آنها وجود داشته و اینک با توطئه دشمنان و غفلت دوستان، بروز و ظهور یافته است.

ظاهراً آنچه که تاکنون برای پر کردن این شکاف صورت گرفته - نظیر اجلاس گوناگون تقریبی - ابدأً کافی نبوده است و دلسوزان دو طایفه باید هر چه زودتر تمهیدات عملی تری برای وحدت بیاندیشند؛ قبل از آنکه سراسر دنیای اسلام، به عراقی فراگیر تبدیل شود.

ص: ۸۰

متفکر سعودی: تکفیر شیعیان به سود عربستان نیست

حمزه المزینی با اشاره به تلاش‌های ملک عبدالله در چند سال گذشته برای ایجاد همبستگی فکری در سعودی میان گروه‌های مختلف و تلاش شماری از متفکران شیعه، اقدام سلمان العوده را یک اقدام اختلاف‌افکنانه تلقی کرده و از وی خواسته است تا حتی از به کار بردن کلمه «الرافضه» برای شیعیان خودداری کند.

دکتر «حمزه المزینی»، از متفکران و نویسندگان معاصر سعودی، با انتقاد از نوشته «شیخ سلمان العوده» در روزنامه «الجزیره» در تکفیر شیعیان، رویه او را مخالف با خواسته ملک عبدالله، پادشاه سعودی دانست.

«حمزه المزینی» در حالی از العوده خواسته تا مانع از جدایی هموطنان شیعه از دیگر مردم سعودی شده است که هنوز آثار روحی و تنفر شیعیان از اقدام ۸ شوال و هابیون سعودی در تخریب قبور اهل بیت: در قبرستان بقیع خودنمایی می‌کند و شیعیان جنوب عراق به تازگی اقدام به چاپ پوستر و عکس‌های قبور ائمه بقیع، پیش و پس از تخریب آن، کرده‌اند.

در این مقاله، حمزه المزینی از العوده خواسته است تا مانع از آن شود تا هموطنان شیعه آنان در سعودی از دیگر مردم این کشور جدا شوند.

حمزه المزینی در ادامه با اشاره به تلاش‌های ملک عبدالله در چند سال گذشته برای ایجاد همبستگی فکری در سعودی میان گروه‌های مختلف و با توجه به تلاش شماری از متفکران شیعه در ایجاد روحیه مسالمت و همزیستی اسلامی در سعودی، اقدام سلمان العوده را یک اقدام اختلاف‌افکنانه تلقی کرده و از وی خواسته است تا حتی از به کار بردن کلمه «الرافضه» برای شیعیان خودداری کند.

المزینی تأکید کرده است که شماری دیگر از متفکران شیعه در سعودی همانند «توفیق السیف»، «نجیب خنیزی»، «محمد محفوظ»، «کامل شیب» و «علی بوخمیسین» نیز در ایجاد فضای فکری مسالمت‌آمیز در سعودی تلاش می‌کنند.

نوشته المزینی در روز یکشنبه ۲۱ / ۱۰ / ۲۰۰۷ انتشار یافته و وی با اشاره به نامه دکتر العوده به «اسامه بن لادن»، رئیس شبکه تروریستی «القاعده»، ضمن تأیید موضع او در برخورد با تفکرات افراطی از این که او در این مقاله از ادبیات سید قطب استفاده کرده، و دیگران را تکفیر کرده، انتقاد نموده است. به باور وی نخستین بار سید قطب بود که ادبیات تکفیر را نسبت به دیگر مسلمانان باب کرد.

ملاقات‌های وزیر حج عربستان با رؤسای بعثه‌های حج کشورهای مختلف:

دکتر فؤاد الفارسی وزیر حج عربستان با دکتر ازهر التیجانی عوض وزیر ارشاد و اوقاف سودان و رئیس بعثه حج آن کشور، دکتر ابراهیم الزمار رئیس بعثه حج لیبی و محمد نبهانی شریف دبیر کل امور مذهبی و رئیس بعثه حج گینه کوناکری ملاقات و گفتگو کرد و در این ملاقات‌ها وزیر ضمن بررسی مسائل مربوط به حجاج کشورهای فوق الذکر و تأکید بر ضرورت رعایت برنامه اعزام به پل جمرات، به آنها یادآور شد که حتماً از نوار ویدئویی آگاه‌سازی حجاج که نسخه‌ای از آن در اختیار بعثه‌های مربوطه قرار گرفته، استفاده کنند.

ملاقات وزیر حج عربستان با رؤسای مؤسسات خدمات رسانی در حج مطوفین (مطوفین - ادلاء و کلاء - زمازمه)

به گزارش روزنامه عکاظ، وزیر حج عربستان با رؤسا، معاونین و اعضای هیئت مدیره مؤسسات ارباب الطوائف در هتل هیلتون جدّه ملاقات و گفتگو کرد. وزیر حج در این ملاقات به موافقت رهبریت عربستان مبنی بر حذف صفت تجربی از مؤسسات مزبور، ثبت آنها به عنوان مؤسسات خدمات رسانی و تثبیت حق توارث (ارثی بودن عضویت) در آنها طبق اصول و معیارهای جاری کشور، اشاره و بر ضرورت رعایت نیازمندی‌های سرمایه‌گذاری ایده آل تأکید کرد. سپس در مورد خط مشی مؤسسات مزبور بحث و

گفتگو شد.

بررسی تدابیر و نیازمندی های حجاج کشورهای عربی

به گزارش روزنامه عکاظ، عادل بلخیر جانشین معاون امور عمره وزارت حج و سرپرست اداره کل حج مکه مکرمه در جلسه هیئت مدیره مؤسسه مطوفین حجاج کشورهای عربی به ریاست فائق بیاری شرکت کرد. در این جلسه برخی از موضوعات مربوط به طرح عملیاتی مؤسسه در موسم حج آینده، امکانات و تجهیزات آن جهت ارائه بهتر خدمات به حجاج کشورهای عربی (۳۵۰.۰۰۰ نفر از ۲۲ کشور) بودجه مؤسسه، نکات مثبت و منفی موسم حج گذشته مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

صدور حکم دیوان مظالم بر علیه وزارت حج:

به گزارش روزنامه عکاظ، دیوان مظالم عربستان مورخ ۱ ژوئیه ۲۰۰۷ م حکم اولیه خود را در خصوص شکایت شرکت های توقیف شده حج صادر کرد. طبق حکم مزبور که قابل استیناف می باشد، وزارت حج ملزم شده برای تعدادی از شرکت های حج مجوز صادر نماید. لازم به یادآوریست که دایره نهم دیوان مظالم چندین جلسه بررسی شکایات شرکت های حج در طول یکسال برگزار کرد و پس از شنیدن اظهارات طرفین (شرکت ها و وزارت حج) حکم خود را صادر نمود. وزارت حج به نوبه خود حکم صادره از سوی دیوان مظالم را استیناف کرد. ضمناً تعداد ۳ شرکت حج به تشخیص دیوان مظالم فاقد شرایط لازم برای صدور مجوز اعلام شدند. دیوان مظالم سعودی همچنین چندی بیش طی حکم جداگانه ای وزارت حج عربستان را در خصوص لغو مجوز برخی از شرکت های عمره آن کشور محکوم کرده بود و وزارت حج به نوبه خود نسبت به حکم مزبور اعتراض کرده و قرار است حکم نهائی دیوان مظالم در این خصوص در آینده نزدیک صادر شود.

ص: ۸۱

صدور حکم دیوان مظالم عربستان بر علیه هواپیمایی کشوری

دیوان مظالم عربستان حکم خود را در پرونده شکایات مالکین اراضی واقع در طرح احداث فرودگاه جده صادر کرد. به نوشته روزنامه عکاظ بیش از ۵ هزار نفر از مالکین اراضی محل احداث فرودگاه جده که زمینهایشان ۲۳ سال به تصرف هواپیمایی سعودی جهت احداث فرودگاه جده درآمده بود، ۴ سال پیش به دیوان مظالم پناه بردند که دیوان مزبور پس از ۲ سال بحث و بررسی، حکم خود را به نفع صاحبان این زمینها صادر کرد و سازمان هواپیمایی کشوری عربستان سعودی را ملزم به پرداخت معوض ساخت. در حکم صادره، عملکرد هواپیمایی کشوری سعودی در این خصوص مصداق «أكل أموال الناس بالباطل» توصیف شده و به آن مهلت ۳۰ روزه جهت جبران خسارت و پرداخت قیمت زمین ها داده است.

سهیمه بندی عمره گزاران

به گزارش روزنامه عکاظ، وزارت حج عربستان از روز دو شنبه مورخ ۲۵/۴/۸۶ سهیمه بندی عمره گزاران را جهت جلوگیری از پدیده تکدی (انباشته شدن درخواست های صدور روادید) تخلف (اقامتی) و افزایش (بیتوته کردن در اماکن عمومی و معابر) طی ماه های رجب و شعبان و رمضان به مورد اجرا درآورد.

پیش بینی های به عمل آمده نشان می دهد که طی این سه ماه نزدیک به ۱/۴ میلیون عمره گذار وارد کشور عربستان سعودی خواهد شد. بنا به اظهارات مدیر کل شرکت باب العمره، سهیمه بندی صدور روادید از انباشت عمره گزاران در مبادی ورودی و خروجی کشور و انباشت درخواست ها در سفارتخانه ها و کنسولگری های سعودی جلوگیری خواهد کرد. به گفته این مقام تا کنون بیش از ۱/۶ میلیون فقره روادید صادر شده است.

امضای توافقنامه عمره گردشگری

به گزارش روزنامه عکاظ، سلطان بن سلمان دبیر کل شورای عالی گردشگری عربستان اعلام داشت که توافقنامه عمره گردشگری بین شورای گردشگری و وزارت حج سعودی منعقد شده و طی آن مکانیزم بجا آوردن عمره توسط گردشگران مسلمان خارجی و اجرای برنامه های گردشگری برای عمره گزاران مشخص گردیده است. البته گردشگر با روادید گردشگری و عمره گذار با روادید عمره به عربستان مسافرت خواهند کرد. بنا به گزارش مزبور این مکانیزم به مفهوم تبدیل روادید از عمره به گردشگری یا گردشگری به عمره نیست ولیکن هر عمره گذار می تواند جهت گردشگری با یکی از شرکت های سیاحتی به توافق برسد و هر گردشگر با یک شرکت عمره جهت انجام عمره به توافق برسد.

احداث پل عابر پیاده از شمال تا جنوب حرم شریف مکی

ریاست امور حرمین شریفین در صدد احداث پل عابر پیاده بین طبقه اول مسجدالحرام تا اطراف محوطه جنوبی آن به طول ۷۰ متر و عرض ۱۵ متر می باشد. به نوشته روزنامه الیوم این پل اختلاف سطح خواهد داشت و ارتفاع آن متغیر خواهد بود تا به تدریج از سطح طبقه اول به سطح خیابان عمودی منتهی به اجیاد السد و اجیاد المصافی برسد. هدف از احداث این پروژه انتقال حرکت عابرین پیاده از طبقه اول و پشت بام به اطراف محوطه محاذی دیوار قصر الضیافه بدون عبور از محوطه جنوبی حرم می باشد تا هیچگونه مزاحمتی برای دیگر حجاج بوجود نیآورد. پیش بینی می شود که بهره برداری اولیه از این پل در ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۸ صورت گیرد.

افتتاح مرکز شست و شوی کلمن های آب زمزم مسجدالحرام

به گزارش روزنامه الیوم، نایب رئیس امور حرمین شریفین مورخ (۱۶/۶/۲۰۰۷ م) مرکز شست و شوی مکانیزه کلمن های آب زمزم مسجدالحرام را به ظرفیت تعداد ۶۳۰۰ کلمن در هر هفته افتتاح کرد. در این مرکز کلمن ها طی چند مرحله منجمله شست و

شوی داخل و خارج آنها، عبور آب با فشار، ضد عفونی کردن با بخار آب و سپس انتقال آنها به محل خشک کردن و از آنجا به محل پر شدن با آب زمزم، شسته می شوند. از طرفی دیگر ریاست امور حرمین شریفین محلی در طبقه اول توسعه مسجدالحرام جهت ایراد خطبه نماز جمعه به زبان اشاره در نظر گرفته است.

هشدار وزارت کشور عربستان نسبت به گسترش پدیده کلاهبرداری در حج و عمره

یک منبع آگاه در وزارت کشور عربستان طی مصاحبه ای با روزنامه الجزیره تاکید کرد که وزارت کشور نگران تکرار موارد کلاهبرداری و تقلب در موسم های زیارتی خصوصاً حج و عمره می باشد. اخیراً مشاهده شده که برخی از باندهای خلافکار در خارج با سوء استفاده از برخی از مسافری سعودی انواع مختلف ارزهای تقلبی را وارد عربستان می کنند تا آنها را میان حجاج و عمره گذاران توزیع نمایند. این مسافری درمقابل قاچاق این ارزهای تقلبی درصدی بعنوان حق الزحمه دریافت می کنند. دستگیری باند جعل ریال سعودی

ص: ۸۲

به گزارش روزنامه عربستانی الوطن، پلیس آگاهی مصر یک باندهای بین‌المللی را دستگیر و متلاشی کرد که در زمینه چاپ اسکناس‌های جعلی (ریال سعودی) و ترویج آن در داخل عربستان در موسم عمره فعالیت می‌کرد. سه نفر از افراد این باندها ۴ نفره تبعه کامرون و یک نفر چهارم مصری بود که در زمینه جعل ریال سعودی و دلار آمریکا در مصر و ترویج آنها در عربستان در موسم عمره فعالیت می‌کردند.

جمع آوری ۶۶ میلیون ریال از درآمدهای وقفی مسجد شریف نبوی

وزیر اوقاف عربستان در خصوص اوقات مسجد شریف نبوی اظهار داشت که طی چند ماه گذشته ۱۳/۵ میلیون ریال سعودی از درآمدهای اوقاف خیریه مسجد صرف طرح‌های وقفی شده است. روزنامه عکاظ به نقل از شیخ صالح آل‌الشیخ نوشت که شورای عالی اوقاف در عربستان توانست با پیگیریهای مستمر ۶۶ میلیون ریال از اجاره‌بهای املاک و مستغلات وقفی وابسته به مسجد شریف نبوی در مدینه منوره را جمع آوری نماید.

توقف واردات احرام‌های زیان‌آور

مدیر سازمان استاندارد عربستان گفت این سازمان از واردات برخی از انواع لباس‌های احرام که حاوی مواد زیان‌آور برای سلامتی و بهداشت افراد بوده و موجب سرایت برخی از بیماری‌ها می‌گردید، جلوگیری به عمل آورد.

به گزارش روزنامه الیوم آزمایش‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که برخی از کارخانجات بافندگی از برخی از مواد افزودنی در بافت اینگونه احرام‌ها استفاده می‌کنند تا بر استحکام بافت بیفزایند و این مواد برای انسانها دارای اثرات زیانبار بهداشتی می‌باشد.

ممنوعیت مسافركشی توسط میکروبوس‌ها در مکه مكرمه

به گزارش روزنامه عکاظ بیش از ۴۰ نفر از رانندگان میکروبوس‌ها (مینی بوسهای کوچک) در اداره راهنمایی و رانندگی مکه مكرمه تجمع کرده و خواستار ارائه مکانیسم مناسبی برای فعالیت آنها در جابجایی مسافری در مکه شدند. اخیراً، اداره راهنمایی و رانندگی مکه از فعالیت میکروبوس‌ها در خیابان‌های مکه جلوگیری به عمل آمده است. تجمع کنندگان تاکید داشتند که این اقدام پلیس راهنمایی و رانندگی به ۶۰۰ خانوار در مکه لطمه می‌زند زیرا سرپرستان این خانواده‌ها از تنها منبع درآمد خود محروم شده‌اند. سرهنگ ناشی رئیس اداره راهنمایی و رانندگی مرکزی مکه مكرمه تاکید کرد که توقیف میکروبوس‌ها به دلیل ایجاد اختلال در ترافیک منطقه مرکزی ادامه خواهد داشت و نیروهای پلیس خودروهای مسافركش فاقد مجوز را توقیف و راننده آن را به مبلغ ۱۵۰ ریال سعودی جریمه خواهند کرد. نامبرده افزود که در این راستا ۷ نفر از رانندگان متخلف میکروبوس‌ها که تبعه غیر سعودی بودند، دستگیر و بازداشت شده‌اند.

واگذاری تدریجی ساماندهی حج یمن به بخش خصوصی

به گزارش روزنامه‌های عکاظ عربستان و الزمان چاپ لندن، وزارت اوقاف و ارشاد اسلامی یمن واگذاری مسئولیت ساماندهی حج آن کشور به بخش خصوصی را تصویب کرد. قرار است در موسم حج سال جاری ۷۵٪ حجج یمنی توسط بخش خصوصی و ۲۵٪ حجج آن کشور توسط بخش دولتی ساماندهی و اعزام شوند و از سال آینده کل سهمیه حجج یمن به شرکت‌های خصوصی حج و عمره واگذار خواهد شد. به گفته قاضی الهتار وزیر اوقاف و ارشاد یمن واحد حج و عمره آن وزارت به نظارت، بازرسی و سیاست‌گذاری حج و عمره اکتفا و اجرا را به بخش خصوصی واگذار خواهد کرد. نامبرده افزود که آن وزارت مقررات، استانداردها و الگوهای عمره و حج را بازنویسی و در آنها بازنگری به عمل خواهد آورد. ضمناً وزارت اوقاف یمن مقررات و شرایط سختی برای فعالیت بخش خصوصی در حج و عمره به تصویب رسانده است.

ارائه خدمات رایگان اینترنت بی سیمی برای حجج در منی

به گزارش روزنامه الیوم، سازمان ارتباطات و تکنولوژی اطلاعات عربستان در صدد است که با همکاری و هماهنگی شهرداری مکه، ارگان‌های ذیربط در امور حج و مجریان شبکه ارتباطات در مکه، شبکه فراگیر خدمات اینترنت بی سیمی در منی راه اندازی و آن را به طور رایگان در اختیار حجاج و هیئت‌های خبرنگاری و مراجع ذیربط در امور حج قرار دهد، بنا به اظهارات السویل رئیس سازمان مزبور، پیش بینی می‌شود که خدمات اینترنتی با استفاده از مدرنترین و پیشرفته‌ترین تکنولوژی خدمات با ندپهن و شبکه‌های if iw و XA niw ارائه شود.

نگرانی از مورچه سیاه

با انتشار خبر رشد و تولید مثل گسترده مورچه سیاه در عربستان که به همراه نظامیان آمریکایی وارد منطقه شده، نگرانی از این نوع مورچه افزایش یافته و اظهارات متناقضی از منابع مختلف در این خصوص مطرح شده است. به گزارش روزنامه عکاظ برخی از متخصصین عقیده دارند که گزش مورچه سیاه در برخی از موارد منجر به مرگ فرد گزیده شده می‌گردد، در حالی که مقامات ارشد بهداشت ریاض منکر این امر شده‌اند.

ص: ۸۳

مدیر مرکز پژوهش‌های گیاهان طبی، معطر و زهرآلود در دانشگاه ملک سعود و رئیس کمیته ثبت داروهای گیاهی و فرآورده‌های پزشکی وزارت بهداشت ضمن تایید خبر افزایش تعداد مورچه‌های سیاه در ریاض خاطرنشان کرد که گزش این مورچه ممکن است به مرگ افراد ضعیف البینه، مسن و یا کودکان بیانجامد.

قرعه کشی حجاج مصری

به گزارش روزنامه المدینه، قرعه کشی حج مصر برای انتخاب ۷۱٪ از سهمیه حجاج مصری در موسم حج سال جاری در روز ۷/۳/۲۰۰۷ در قاهره انجام شد. بنا به اظهارات مقامات دست اندرکار امور حج مصر، حجاج هوایی در سال جاری به جای جده عازم مدینه منوره خواهند شد و ۱۰٪ سهمیه حجاج مصر به افراد ۷۰ سال به بالا اختصاص یافته است. به گفته وزیر راه و ترابری مصر با توافق مقامات مصری و سعودی در مورد مقررات عمره، تعداد عمره گذاران سعودی در ماه‌های رجب و رمضان افزایش خواهد یافت.

خریداری ۱۵۰ دستگاه اتوبوس توسط نقل الجماعی

به گزارش روزنامه‌های الیوم و الریاض، شرکت نقل الجماعی قرارداد خرید ۱۵۰ دستگاه اتوبوس بنز (کونیکتو) ۴۵ نفره مدل ۲۰۰۷ را با شرکت الجفالی منعقد ساخت. ارزش این قرارداد بالغ بر ۰۰۰.۳۵۰.۱۱۸ ریال سعودی می‌باشد. با خریداری این اتوبوس‌ها تعداد اتوبوس‌های ناوگان نقل الجماعی به ۳۱۰۰ دستگاه اتوبوس خواهد رسید. اتوبوس‌های خریداری شده در حمل و نقل بین شهری مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بنا به اظهارات رئیس شرکت نقل الجماعی، این شرکت قصد دارد تعداد ۱۵۰۰ دستگاه اتوبوس جدید در آینده خریداری و به ناوگان اتوبوس‌های درون شهری خود اضافه کند.

ظرفیت پذیرش عمره گزاران درسالن‌های حجاج فرودگاه جده

روزانه ۱۰۰ پرواز ورودی و خروجی عمره گزاران از طریق سالن‌های حج فرودگاه جده صورت می‌گیرد. مدیر عملیات فرودگاه جده در این خصوص به روزنامه عکاظ گفت که گشایش سالن‌های حج فرودگاه جده بر روی عمره گزاران به انگیزه آسایش عمره گزاران و کاهش بار ترافیکی سالن‌های شمالی و جنوبی صورت گرفته است. منابع مطلع عقیده دارند که در عمره سال جاری بیش از سه میلیون عمره گزار وارد عربستان خواهند شد.

توسعه فرودگاه بین‌المللی جده

به گزارش روزنامه الوطن سعودی، مازن خاشقچی مدیر کل فرودگاه جده در مصاحبه مطبوعاتی که پس از بازدید امیر مکه از فرودگاه انجام داد، در خصوص طرح توسعه فرودگاه جده گفت: خالد الفیصل دستور داد که بین توسعه ساختمانی و تجهیزاتی فرودگاه و توسعه و ارتقای نیروی انسانی ارگانهای مختلف شاغل در فرودگاه هماهنگی و ارتباط مستقیم برقرار گردد و مکانیزم مشخصی برای اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی نیروی انسانی تعریف شود.

لازم به یادآوریست که توسعه فرودگاه جده طی سه مرحله دراز مدت انجام خواهد شد که مستلزم ارتقای سطح آموزش و تجربه نیروی انسانی شاغل در فرودگاه می‌باشد. طبق اظهارات خاشقچی انتقال عملیات از سالن‌های شمالی و جنوبی به سالن جدید در سال ۲۰۱۱ م به پایان خواهد رسید اما توسعه و بهسازی سالن‌های شمالی و جنوبی که در حال حاضر در دست اجراست، ظرف ۱۴ ماه آینده به پایان رسیده و قبل از فرا رسیدن موسم حج ۱۴۲۸ هـ-ق به بهره برداری خواهد رسید. با توسعه سالن‌های حجاج ظرفیت پذیرش سالن‌های مزبور به ۱۲۵۰ نفر در هر ساعت افزایش خواهد یافت و در نتیجه ظرفیت کلی پذیرش سالن‌های قدیم و جدید به ۳۷۰۰ نفر در ساعت می‌رسد. خاشقچی افزود که سالنهای ده گانه قدیم حج بلافاصله پس از موسم تخریب و مرحله دوم پروژه توسعه فرودگاه جده شروع خواهد شد. در این مرحله سالن‌های جدید ایجاد می‌شود که گنجایش پذیرش ۳۸۰۰ نفر در ساعت را

خواهد داشت.

پروژه احداث قطار سریع‌السیر مکه مدینه

به گزارش روزنامه الرياض از مجموع ۷ کارتل پیشنهاد دهنده در زمینه احداث قطار سریع‌السیر مکه مدینه تعداد ۶ کارتل جهت شرکت در مناقصه تایید شدند. قرار است شرکت های برنده مبلغ ۲۰ میلیارد ریال سعودی در این طرح سرمایه گذاری کنند. این کارتل ها شامل گروه الراجحی، الشعلة، الیابانیه، السعودیه، بن لادن، LH بین المللی و سعودی اوجیه می شوند. کارتل های مزبور قراردادهای مشارکت و همکاری با شرکت های بزرگ بین المللی متخصص در زمینه احداث راه آهن مانند شرکت زیمنس آلمان، مایری ایتالیا و آرکون هند منعقد ساخته اند. بنا به پیش بینی پیمانکار، نظارت دولتی بر این طرح، احتمالاً کار مطالعه پیشنهادات ارائه شده در آغاز سال ۲۰۰۹ م به پایان برسد و پس از احداث پروژه به یک یا ۲ کارتل واگذار شود. قرار است گروه یا کارتل مجری طرح طبق سیستم) T. O. B احداث، تملک و راه اندازی) نسبت به احداث و راه اندازی پروژه اقدام و پس از ۵ سال بهره برداری آن را به مالکیت دولت در آورند. با احداث این پروژه مسافری می توانند ظرف نیم ساعت بین مکه و جدّه (۲۸ کیلومتر) و ظرف مدت ۲ ساعت بین مکه مدینه (۴۱۰ کیلومتر) را طی نمایند. به گزارش روزنامه الاقتصادیه یک کاروتل ایتالیائیروسی سعودی برنده مناقصه احداث راه آهن جدهمکه مدینه شده و قیمت پیشنهادی این کارتل ۲۲/۵ میلیارد ریال سعودی معادل ۶ میلیارد دلار می باشد.

بنا به اظهارات نیکلا اورلاند دبیر اول وابسته مطبوعاتی سفارت ایتالیا در ریاض دو شرکت ایتالیایی بنام های راه آهن دولتی ایتالیا-SFH و «فین میکانیکا» به همراه گروه «کوشور زیو» در راه آهن دولتی روسیه-DZR و شرکت سعودی اوجیه با یکدیگر مشارکت و گروه واحدی

ص: ۸۴

تشکیل دادند که شانس آنها برای برنده شدن در مناقصه بالاست. بنا به اظهارات نامبرده شرکت فین میکانیکا موظف است از طریق شرکت های متخصص خود در این زمینه مهندسی سیستم ها نسبت به تامین دستگاه ها، تجهیزات سیستم هشدار و علائم، ارتباطات تلفنی، شبکه تبدیل ولتاژ برق، سیستم ایمنی و قطارهای سریع السیر (آخرین نسل) اقدام کند. شرکت SF دارای تجربیات طولانی در کشورهای حوزه دریای مدیترانه، شرق اروپا و جنوب ایالات متحده آمریکا می باشد اما شرکت فین میکانیکا دارای تخصص بالایی در زمینه اتصالات راه آهن و قطارهای زیر زمینی می باشد و پروژه هایی در اروپا، شمال آفریقا و ایالات متحده آمریکا می باشد. بنا به اظهارات مهندس قری جانشین مؤسسه راه آهن در امور فنی، کارشناسان مؤسسه در حال حاضر در حال بررسی پیشنهادات شرکت ها و کارتل های شش گانه هستند و پیش بینی می شود که در اواخر سال میلادی مراحل قانونی تعیین برنده مناقصه به پایان برسد. نامبرده افزود که قطار مزبور از شهرک اقتصادی ملک عبدا ... عبور خواهد کرد و دو ایستگاه در فرودگاه جده و یک ایستگاه در استان جده خواهد داشت.

کاهش نرخ مکالمات بین المللی شرکت موبایلی در روزهای پنج شنبه و جمعه به گزارش روزنامه الوطن، شرکت ارتباطات «موبایلی» تخفیف ویژه ای برای ارتباطات بین المللی سیم کارت های دائمی و شارژی خود در روزهای پنج شنبه و جمعه هر هفته در نظر گرفته و قرار است نرخ مکالمات با کشور های حوزه خلیج فارس دقیقه ای به ۶۰ هلله و به مصر، هند، پاکستان و سودان به دقیقه ای یک ریال سعودی برسد. نرخ مکالمات با سایر کشورها نیز کاهش یافته است.

افزایش سهمیه حجاج مصری در سال جاری

به گزارش روزنامه الرياض وزیر گردشگری مصر و سرپرست حج سیاسی آن کشور تایید کرد که سهمیه و رواید حج مصر در سال جاری از ۵۵ هزار نفر به ۷۵.۴۰۰ نفر افزایش یافته است. بر اساس اظهارات نامبرده حجاج مصر امسال برای نخستین بار عازم فرودگاه جده می شوند و از فرودگاه مدینه به کشور شان باز میگردند. نامبرده با اشاره به معضل تخلف عمره گذاران کشورهای مختلف گفت که سالانه نیم میلیون عمره گذار تا موسم حج و بعد از آن تخلف دارند که عمره گذاران مصری در رتبه ششم قرار دارند.

افزایش اجاره بهای مکه و جده به میزان ۲۰٪

به گزارش روزنامه المدینه، اجاره بهای هتل آپارتمان های شهر مکه، جده و طائف در حال حاضر به میزان ۱۰۰٪ تا ۲۰۰٪ افزایش یافته است. با افزایش تعداد عمره گذاران و علیرغم ادامه صدور مجوز تبدیل ساختمان ها به هتل آپارتمان ها از سوی وزارت صنایع و بازرگانی اجاره بها نیز افزایش یافته است. به گزارش منابع آگاه در حال حاضر نزدیک به ۲۵۰ درخواست مجوز احداث ساختمان های جدید از میزان افزایش اجاره بها کاسته شود.

احداث دو باب هتل در مکه و مدینه توسط شرکت طیبه

به گزارش روزنامه الوطن شرکت سرمایه گذاری طیبه قرارداد احداث دو باب هتل بنام های زهره طیبه در مدینه و اراک در مکه مکرمه به مبلغ ۱.۳۶۰.۰۰۰ ریال سعودی را منعقد ساخته و قرار است که این دو هتل ظرف ۸ ماه احداث گردد.

هتل زهره طیبه بر روی قطعه شماره ۲۰۱۹ در منطقه مرکزی مدینه غرب جاده ملک فیصل و شرق خیابان سلمان فارسی که یکی از نزدیک ترین قطعات به مسجد النبی (ص) بشمار می رود، احداث خواهد شد. مساحت این قطعه زمین بالغ بر ۹۸۲ متر مربع می باشد. اما هتل اراک مکه بر روی قطعه شماره (۰۹) به مساحت ۲۰۱۲ متر مربع واقع در ریح بخش و مشرف بر ۳ خیابان منجمله خیابان اصلی ایجاد می باشد قیمت زمین این هتل بالغ بر ۲۰ میلیون ریال سعودی می باشد.

کاهش قیمت مرغ در عربستان

به گزارش روزنامه عکاظ بدلیل نگرانی از گرمای تابستان و نگرانی مرغداران عربستانی از اجرای قانون فروش مرغ زنده و فعالیت واحدهای ذبح و پرکنی مرغ زنده، قیمت هر کیلوگرم مرغ بین ۵۰ تا ۷۰ هلهه کاهش یافته و قیمت هر کیلوگرم مرغ به ۵/۵ تا ۶ ریال رسیده است. مرغداران عقیده دارند که ادامه این روند بر حجم تولید مرغ در عربستان اثر می گذارد زیرا این نرخ جوابگوی هزینه های تولید نیست. در حال حاضر هزینه واقعی تولید هر قطعه مرغ زنده بین ۶ الی ۶/۲۵ ریال می رسد و برخی از مزارع در هر دوره تولید بیش از ۸۰۰۰۰ ریال ضرر می کنند. لذا مرغداران خواستار توقف ممنوعیت فروش مرغ زنده برای یکسال آینده هستند. بر اساس گزارش مرغداران منطقه شرقیه سعودی جهت جلوگیری از ادامه سیر نزولی قیمت مرغ در عربستان که تا رقم ۵/۵ ریال سعودی رسیده بود توافق کردند که از روز شنبه ۴/۸/۱۳۸۶ قیمت مرغ را در مرز ۶/۵ سعودی تثبیت کنند. هدف بعدی این تولید کنندگان عمده مرغ نقش عمده ای در دستیابی به این توافق ایفا کردند.

روزنامه عکاظ همچنین فاش کرد که با فروش تولیدات یک مرغداری عمده (با ظرفیت تولید ۳۵۰۰۰۰ قطعه مرغ در هر دوره) به مبلغ ۵/۵ ریال سعودی، توافق مزبور درهم شکست و جنگ قیمت ها مجدداً از سر گرفته شد. لازم به یادآوریست که حجم تولید مرغ هر یک از مرغداری های عمده منطقه شرقیه (۸ مرغداری) بین ۴۵۰۰۰۰ تا یک میلیون قطعه در هر دوره نوسان دارد و در شرایط فعلی ضرر هر قطعه بین ۵۰ تا ۷۵ هلهه می باشد که با اجرای قانون ممنوعیت فروش مرغ زنده این مقدار نیز افزایش خواهد یافت. در سال جاری علاوه بر یکسری عوامل مربوط به تولید و بازاریابی افزایش تعداد مرغداریها و افزایش وزن قطعات مرغ زنده که در تابستان سال جاری بالغ بر ۲۰۰۰ گرم در هر قطعه بود، از علل کاهش قیمتها می باشد.

ص: ۸۵

انتصاب اعضای هیئت مدیره موسسه ادلاء در مدینه منوره

به گزارش روزنامه عکاظ، اعضای جدید هیئت مدیره موسسه ادلاء از وزیر حج عربستان به خاطر انتصاب خود در این سمت تقدیر و تشکر کردند. در این گزارش همچنین آمده است که وزیر حج عربستان در هفته دوم فروردین سال جاری ۲۰۰۷ م نتایج انتخابات هیئت مدیره موسسه ادلاء را لغو و هیئت مدیره جدید را منصوب کرد. اعضای هیئت مدیره موسسه در حال حاضر عبارتند از:

دکتر یوسف حواله رئیس هیئت مدیره (از دوره قبل)

محمد علی مصلوح نایب رییس هیئت مدیره (از دوره قبل)

خیرالدین بصرای

فتح الرحمن ابوالجود

عزمی عمر حبش

اعضای جدید

مصطفی الیاس

سمیر عبدا ... کردی

فهد عبدالحمید شحاته

حاتم جعفر بالی

اسامه محمد طائفی

یاسر غالب دبور

ولید مصطفی نعمان

پیشرفت ۶۰٪ پروژه پل جمرات

به گزارش روزنامه عکاظ، حبیب زین العابدین معاون وزیر امور شهرداری های عربستان و سرپرست پروژه های بازسازی مشاعر مقدس در خصوص پیشرفت کارهای اجرائی در مرحله دوم طرح احداث پل جمرات اظهار داشت که مرحله دوم طرح به میزان ۶۰٪ پیشرفت داشته و شامل احداث طبقه دوم و سه ورودی و خروجی شیبدار می باشد و با تکمیل این مرحله، ظرفیت پذیرش پل جمرات به ۴۰۰.۰۰۰ نفر در ساعت خواهد رسید و بر این اساس برنامه های جدید تفویج به پل جمرات تدوین خواهد شد. نامبرده افزود که ستون های طبقه سوم قبل از موسم حج سال جاری احداث خواهد شد و با تکمیل ۴ طبقه پل جمرات، پروژه تردد حجاج به پل جمرات توسط ۱۱ خروجی ساماندهی خواهد شد.

ممنوعیت ورود کتب تفسیر به عربستان

به گزارش روزنامه عکاظ، وزیر اوقاف و امور اسلامی و ارشاد سعودی در ملاقات با رئیس و اعضای هیئت مدیره انجمن ناشرین سعودی در پاسخ به سؤال آنها در مورد ممنوعیت ورود کتب تفسیر به عربستان سعودی گفت که گویا در این خصوص سوء تفاهم رخ داده است نامبرده ضمن مقصر دانستن گمرکات سعودی در این خصوص، وزارت خود را از این امر مبرا دانست و قول داد که طی نامه ای به مدیر گمرک سعودی، منظور اصلی وزارت خود را از مکاتبات به عمل آمده در این خصوص شرح دهد.

افزایش هزینه های زندگی در سال جاری در عربستان سعودی

به گزارش روزنامه عکاظ، سازمان آمارهای عمومی و اطلاعات وزارت اقتصاد و دارایی عربستان هزینه زندگی در آن کشور در ماه سال ۲۰۰۷ م نسبت به ماه سال ۲۰۰۶ م شاهد افزایش ۳/۱۴٪ بوده که بیشترین افزایش مربوط به اجاره بها، آب بها به میزان

۵۴ / ۶٪ و مواد غذایی به میزان ۸۴ / ۵٪ می باشد. افزایش قیمت ها شامل گروه های (سبدهای) زیر بود
اجاره بها، بهای آب و سوخت به میزان ۵۴ / ۶٪
مواد غذایی و نوشیدنی ها به میزان ۸۴ / ۵٪

ص: ۸۶

درمان و امور پزشکی: به میزان ۲/۱۴٪

کالا و خدمات دیگر: به میزان ۲/۱۴٪

لوازم خانگی و مبلمان: به میزان ۱/۱۴٪

حمل و نقل و ارتباطات: به میزان ۰/۷۴٪

حوادث

مسمومیت ۲۳ نفر در مدینه به دلیل آلودگی به میکروب سالمونیللا

به گزارش روزنامه عکاظ به دنبال مسمومیت ۲۳ نفر شهروند و زائر در مدینه منوره به دلیل مصرف غذای آلوده به میکروب سالمونیللا، رستوران عرضه کننده کباب ترکی آلوده به سالمونیللا- تعطیل و کمیته سه گانه متشکل از نمایندگان امارت مدینه، شهرداری و اداره کل بهداشت مدینه منوره جهت تعیین غرامت و مجازات رستوران مزبور تشکیل شد. پیش بینی می شود که رستوران مزبور بابت هر مشتری که دچار مسمومیت شده مبلغ ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال سعودی جریمه شود. طبق گزارش اداره بهداشت مدینه ۱۶ بزرگسال و ۷ کودک دچار مسمومیت شده اند و جهت درمان به مدت ۵ روز الی یک هفته در بیمارستانهای مدینه بستری شده اند و کوچک ترین مسموم شدگان یک نوزاد ۴ ماهه و یک کودک ۴ ساله می باشند.

مصادره کردن ۴۰۰۰۰ کیلوگرم گوشت و مرغ فاسد در مکه مکرمه

به گزارش روزنامه عکاظ نیروهای شهرداری مکه طی یک عملیات ضربتی دو انبار بزرگ گوشت و ماهی فاسد را در منطقه مسفله کشف و مقدار ۴۰۰۰۰ کیلوگرم گوشت و ماهی فاسد را مصادره و معدوم ساختند.

آتش سوزی در یکی از هتل های مکه مکرمه

به گزارش روزنامه عکاظ بر اثر وقوع آتش سوزی گسترده در هتل ۱۵ طبقه الرواسی در الغزه در مکه مکرمه تعداد ۳ عمره گذار فوت و ۲۶ نفر زخمی شدند. نیروهای امداد و دفاع المدنی که به محل وقوع آتش سوزی شتافته بودند، توانستند ۹۰۵ نفر عمره گذار از ملیت های مختلف را تخلیه و نجات دهند. به گزارش اداره دفاع المدنی مکه، آتش سوزی نخست در سالن طبقه ۱۲ (به مساحت ۴۸ متر مربع) رخ داد و تعداد ۹ اکیپ امدادسانی در عملیات نجات ساکنین هتل شرکت جستند. ۲۴ نفر از زخمی ها به بیمارستان ملک عبدالعزيز در الزاهر و یک نفر به بیمارستان ملک فیصل در الششه و یک نفر وخیم الحال به بیمارستان تخصصی نور منتقل شدند. یک نفر از متولیان تبعه قطر و دیگری تبعه سودان می باشد اما زخمی ها ۱۲ نفرشان تبعه قطر، ۵ نفر تبعه فلسطین، ۴ نفر تبعه سعودی، ۲ نفر تبعه الجزایر، یک نفر تبعه بنگلادش و یک نفر تبعه مصر می باشد. تعدادی زائر ایرانی نیز در طبقه ششم این هتل مستقر بودند که به آنان آسیبی نرسید.

آتش سوزی در هتلی در محله مسفله در مکه مکرمه

به گزارش روزنامه عکاظ به دنبال وقوع آتش سوزی در هتل ۷ طبقه ای در محله المسفله نیروهای امدادی هلال احمر به محل وقوع حادثه شتافتند و ۷۰ عمره گذار را از هتل تخلیه کردند. آتش سوزی در یکی از اتاقهای طبقه چهارم هتل بر اثر اتصال سیم های برق رخ داد و نیروهای دفاع المدنی بلافاصله برق هتل را قطع کردند تا اقدامات مقتضی جهت تحقق معیارهای ایمنی به عمل آید.

آخرین اخبار عراق و سوریه

الف خلاصه گزارش عراق:

در مجموع از تاریخ ۱۳/۰۹/۸۴ لغایت جمعه ۲۲/۰۴/۸۶ تعداد ۵۴۹۳۷۵ نفر به عراق اعزام شدند.

تداخل زائران ایرانی و عراقی در مرز مهران همچنان از مشکلات عمده و اساسی است خصوصاً روز چهارشنبه مورخ ۲۷/۴/۸۶ که حضور نیروهای امریکایی در مرز باعث کندی حرکت اعزام زائران به داخل خاک عراق نیز شده بود و نسبت به روزهای قبل آخرین کاروان ۲ ساعت دیرتر مرز زرباطیه را به سمت نجف ترک کرد، ضمن اینکه این تأخیر موجب گردید آخرین کاروان های خروجی با اولین کاروان های ورودی نیز همزمانی داشته باشند، اولین کاروان ورودی ساعت ۱۲/۴۰ از خاک عراق وارد پایانه مهران شد و آخرین کاروان خروجی ساعت ۱۴/۲۰ مرز زرباطیه عراق را به سمت نجف ترک کرد. مجدداً به تفکیک زمان ورود و خروج تأکید می گردد. ضمن اینکه برای ورود و خروج زائران عراقی با زائران ایرانی نیز بایستی زمانبندی شود.

سفارت عراق در تهران قصد دارد سیستم ثبت اطلاعات و کنترل اسامی درخواست کنندگان روادید را مکانیزه نماید از اینرو یک گروه از مسئولین رایانه وزارت خارجه عراق به تهران آمده اند و جلسه ای نیز با مسئولین سازمان و شمس داشته و درخواست دارند از این پس

ص: ۸۷

اطلاعات مربوط به کاروان‌ها برای اخذ روادید به صورت DC به آنان داده شود، در این خصوص با ستاد محترم عراق وزارت امور خارجه هماهنگی‌های لازم به عمل آمد.

عمده‌ترین مشکل زائران در عراق خاموش کردن وسایل خنک‌کننده هتل‌های کربلا و نجف توسط صاحبان هتل‌ها و گرم‌زدگی زائران به دلیل کمبود برق شهری (فقط ۲ ساعت در روز) و نبود سوخت برای راه‌اندازی ژنراتورهای مولد برق هتل‌ها است، زیرا قیمت نفت گاز (گازوئیل) در عراق گران و تهیه آن نیز به سادگی میسر نیست، همچنین سوخت مورد نیاز اتوبوس‌های حامل زائران، ضمن اینکه به بهانه تهیه سوخت گران توسط صاحبان هتل‌ها و شرکت‌های حمل و نقل، هزینه سفر زائران را به میزان قابل توجهی بالا برده و هزینه‌های ارزی را به شدت افزایش خواهد داد. از اینرو از مسئولین محترم ذریبط کشور، خصوصاً وزارت محترم نفت درخواست داریم در این مورد سازمان حج و زیارت را همچون گذشته یاری فرمایند.

ب خلاصه گزارش سوریه:

تعداد زائران ورودی به سوریه با اتوبوس و از طریق کاروان‌های مجاز ۲۱۶۰ نفر و به صورت غیر مجاز و تک‌فروشی ۲۳۲۰ نفر و به وسیله قطار ۱۱۵ نفر و به وسیله هواپیما ۶۹۷۷ نفر شامل: شرکت هواپیمایی کاسپین ۲۸۰۸ نفر - ماهان ۱۴۴۰ نفر - ایران ایر ۹۳۹ نفر - آریا ۴۸۰ نفر - تابان ۳۶۰ نفر - ارم ۳۱۰ نفر و سوریه ایران لاین ۴۸۰ نفر. به نقل از دفتر نمایندگی سازمان حج و زیارت در دمشق مدیران راهنمای کاروان‌های زمینی سوریه از برخورد پلیس گذرنامه در مرز بازرگان گله‌مند بودند و در جلسه‌ای که معمولاً همه هفته در دمشق برگزار می‌شود جملگی اظهار داشتند: "از مدیران کاروان‌ها درخواست وجوهات غیر قانونی می‌کنند و چنانچه پرداخت نشود باید ساعت‌ها در انتظار مرموز کردن گذرنامه در مرز بمانی. با توجه به اینکه در عقد قرارداد میان شرکت‌ها و دفاتر خدمات زیارتی با تعاونی‌های حمل و نقل که زائر به سوریه می‌آورند قید شده است: در طول مدت سفر، اتوبوس باید در اختیار زائران باشد، رانندگان پس از رساندن زائران به سوریه بلافاصله اقدام به بازگشت به ایران نموده و زائران اکثراً در طول مدت اقامت در سوریه بدون وسیله نقلیه هستند و یا اینکه یک روز در هفته یک اتوبوس برای جابجایی زائران اجاره می‌شود و اغلب رانندگان به دلیل خستگی زیاد در مسیر تصادف می‌کنند. لذا لازم است تا سازمان راه‌داری و حمل و نقل جاده‌ای تدبیری اتخاذ نماید که برای هر راننده در هر ۱۵ روز یک بار مجوز خروج از کشور صادر شود.

دشمن اصلی آمریکا عربستان است، نه ایران

«توماس فریدمن»، ستون‌نویس روزنامه «نیویورک تایمز»، که یکی از شرکت‌کنندگان در اجلاس اخیر داووس نیز بوده، با برشمردن تعاملات ایران و عربستان با آمریکا، به سیاستمداران کاخ سفید حمله کرده است که چرا به جای عربستان، با ایران درگیر می‌شوند. وی سپس با ارائه پیشنهاد بازگشایی سریع سفارت آمریکا در تهران، آن را گره‌گشای مشکلات منطقه و حتی مسأله فلسطین دانست.

در این گزارش آمده است:

یک آزمایش کوچک از سیاست خارجی آمریکا

من می‌خواهم دو کشور A و B را مقایسه کرده و پس از آن، شما به من بگویید کدام یک متحد آمریکاست و کدام یک نیست.

کشور: A

این کشور فعالانه در شکست طالبان در افغانستان و جایگزینی آنها با اتحاد مسلمانان میانه‌رو منتخب آمریکا مشارکت داشت. کشور A معمولاً انتخابات‌های آزادی را برگزار می‌کند. در کشور A زنان حق رأی داشته، دارای پست‌های اداری بوده و بیشتر دانشجویان دانشگاه‌های آن را تشکیل می‌دهند و به شدت در نیروی کار نیز مشارکت دارند.

در ۱۱ سپتامبر، اتباع کشور A جزو معدود مردم کشورهای مسلمانی بودند که دست به تظاهرات‌هایی در حمایت از آمریکا زدند. به تازگی، رئیس‌جمهور رادیکال کشور A، کنفرانسی را درباره چرایی رخ ندادن هولوکاست برگزار کرد تا بتواند محبوبیتی به دست آورد. یک ماه بعد کشور A انتخابات شوراها را برگزار کرد و طرفداران این رئیس‌جمهور از سوی رأی‌دهندگان که طرفدار محافظه‌کاران میانه‌روتری هستند، شکست خوردند.

کشور A منابع استراتژیکی در موفقیت دولت شیعی متحد آمریکا در عراق دارد.

هرچند کشور A کشوری مسلمان در همجواری عراق است، تاکنون هیچ بمب‌گذار انتحاری را به این کشور نفرستاده و مدتهاست از مسیحیان و یهودیان خود نیز حمایت می‌کند. کشور A بیش از هر کشور مسلمان دیگری در خاورمیانه دارای وبلاگ و وبلاگ‌نویس است. اسلامی که در کشور A اجرا می‌شود، به زنان احترام می‌گذارد، با توجه به مدرنیته قابل تفسیر دوباره است و پوچ‌گرایی «القاعده» را نیز رد می‌کند.

کشور: B

ص: ۸۸

کشور B در عملیات ۱۱ سپتامبر، پانزده تا نوزده هواپیما ربا به آمریکا فرستاده بود. زنان حق رانندگی، رأی و یا داشتن پست‌های اداری را ندارند. در کشور B ساختن کلیسا، کنیسه و یا معابد هندو غیرقانونی است. کشور B از نظر مالی به طالبان کمک می‌کند. بنیادهای خیریه خصوصی کشور B برای بقای «القاعده» مفید بود و جوانان مساجد کشور B معمولاً برای بمب‌گذاری‌های انتحاری در عراق استخدام می‌شوند. مساجد و بنیادهای خیریه این کشور از شورشیان عراق حمایت مالی و غیرمالی می‌کنند. کشور B نمی‌خواهد دولت شیعه منتخب عراق موفق شود. در حالی که رهبران کشور B موافق آمریکا هستند، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از مردم آن، با آمریکا دشمن بوده و حتی عده‌ای در ۱۱ سپتامبر جشن گرفتند. اسلامی که در کشور B اجرا می‌شود و به بیشتر مساجد جهان صادر می‌شود، خصومت بارترین نوع آن نسبت به مدرنیته و دیگر ادیان است.

پرسش: کدام کشور، متحد طبیعی آمریکاست؟ A یا B؟ مطمئناً پاسخ، کشور A است. کشور A ایران است و کشور B عربستان سعودی. نگران نباشید، من می‌دانم که ایران نیز در برخی موارد، حامی تروریسم علیه آمریکا بوده و عربستان هم در برهه‌های حساسی در چند منطقه از آمریکا حمایت کرده است. نکته مورد نظر من، دشمنی بین ایران و آمریکا از زمان سقوط شاه در سال ۱۹۷۹ است که سازمان‌یافته نیست.

به دلایل فرهنگ، تاریخ و جغرافیا، ما منافع مشترک بسیاری با مردم ایران داریم. چون آمریکا دو دشمن بزرگ ایران (طالبان و صدام) را از بین برده است. محمد حسین عادل، سفیر سابق ایران در لندن، در اجلاس داووس به من گفت: در ایران هیچ بحثی وجود ندارد که آیا ما باید دشمنی با آمریکا را ادامه دهیم یا خیر. هم‌اکنون آمادگی برای مذاکره با آمریکا بیش از هر زمان دیگری است.

مهم‌تر از آن، این که برخلاف گفته‌های بسیاری از مردم که حل بحران فلسطین و اسرائیل را مهم‌ترین وظیفه آمریکا برای ایجاد ثبات در منطقه می‌دانند، مهم‌ترین کار، رفع درگیری ایران و آمریکاست و مشاجره فلسطین و اسرائیل در رده دوم است. این امر، کل خاورمیانه را متحوّل کرده و راه‌حل مشکل فلسطین و اسرائیل را نیز باز می‌کند؛ چراکه ایران از حامیان کلیدی حماس، جهاد اسلامی، حزب‌الله و سوریه است. کمک فعالانه ایران می‌تواند به ثبات عراق هم کمک کند. به این دلایل، من مخالف جنگ با ایران بوده و طرفدار مذاکره هستم.

منزوی کردن ایران مانند کوبای کاسترو، تنها باعث نتایج مشابهی در این کشور می‌شود؛ تقویت کاستروهای ایران. اما برای گفت‌وگوی موفقیت‌آمیز با ایران ما نیازمند اهرم‌هایی هستیم. حال این اهرم‌ها را چگونه به دست آوریم؟ ثابت کنیم که ایران نمی‌تواند حضور نظامی ما در خلیج [فارس] را پایان دهد. قیمت نفت را که مهم‌ترین ابزار رهبری تندرو ایران است، پایین بیاوریم و تندروها را از نظر مالی، تحت فشار قرار دهیم، اما همه این کارها باید همراه با روشن کردن این موضوع باشد که آمریکا قصد تغییر رژیم در ایران را ندارد بلکه تنها قصد او تغییر رفتار آنهاست؛ روشن کنید که آمریکا می‌خواهد هرچه سریعتر سفارت خود در تهران را بازگشایی کرده و نخستین کاری را که خواهد کرد نیز اعطای پنجاه هزار ویزای دانشجویی به جوانان ایرانی برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های آمریکاست. تنها این کار را بکنید و راحت بنشینید و شاهد انفجار جالب ایرانی‌ها باشید. می‌توانید روی این موضوع شرط ببندید.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».

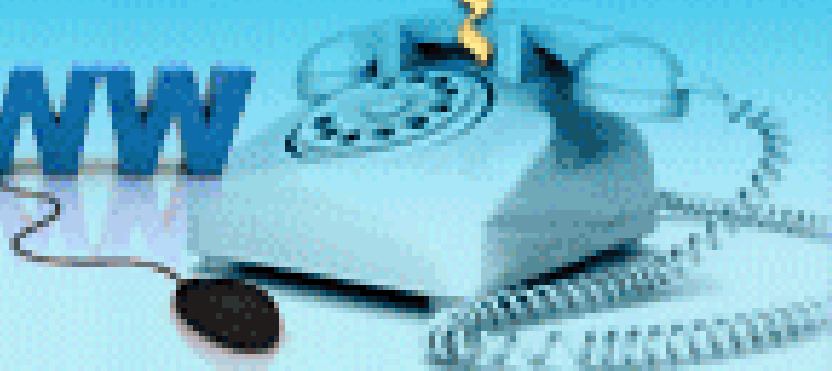


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

